

نام کتاب: پیشینه های درخشان  
شهر قم فروغی از کوثر

نویسنده: الیاس محمد بیگی

## سخن ما

گرچه از نظر فلسفی زمان ها و مکان ها از جهت زمانی و مکانی هیچ امتیازی بریکدیگر ندارند؛ ولی از منظر دینی و با توجه به تاثیر ارزش های الهی، برخی از زمانها و مکانها از قداست و مکانت ویژه ای برخوردارند و نسبت به دیگر اجزاء زمانی و مکانی امتیاز خاصی دارند: که برتری شب قدر از هزار ماه عبادت و شب مبارک بودنش به برکت نزول قرآن کریم بوده و این بروز رخدادهای آسمانی و ظهور نشانه های الهی است که برخی از روزها را " ایام الله " ساخته است. چنانچه با نزول آغازین آیات نور بر جان پاک نبوی و ابلاغ رسالت محمدی (صلی الله علیه و آله) توسط فرشته وحی، کوه حراء، جبل النور و تجلیگاه جمال و جلال ربوبی شد و شهر مکه و کعبه معظمه با حبور پیامبر رحمت شکوه و عظمتی دوباره یافت و هجرت حضرتش به شهر یثرب آن را مدینه النبی ساخت. و این قیام خونین و حیات بخش حسینی در سرزمین نینوا و قداست و طهارت ثار الهی حضرت سیدالشهدا بود که کربلا را بر کعبه برتری داد و تربتش را طینت عرشی و عطر بهشتی عطا نمود.

و اگر از شهر قم در قاموس سراسر نور اهل بیت، به عظمت و بزرگی یاد شده به آن جهت است که، همواره این دیار مقدس مرکز نشرفر هنگ و معارف نورانی اهل بیت و خاک پاکش مهد تربیت رجال بزرگ و نامدار علم و دانش بوده و آسمان رفیع فرهنگش با سیمای فرزندگان فقه و حدیث و معارف دینی فروزنده است. درخشش نام قم و قمی را در پرتو احادیث و اخبار امامان معصوم و دلباختگی مردان خداجویش به آل رسول جستجو باید کرد. اما این همه نبود جز از برکات هجرت کریمه اهل بیت و اجلال نزول و غروب غمبار آن نجمه آسمان روایت در دیار عاشقان امامت؛ او که

بارگاه رفیعش جلوه ای از بهشت برین و مدفن شریفش مطاف عرشیان و ملجأ و معبد صالحان و نقطه امید دین باوران است. توجه به موقعیت خاص شهرقم و مشاهده بی کران معنویت و شکوه این کوکب دری آسمان عفاف حضرت فاطمه معصومه (سلام الله علیها) بود که برخی صاحبان فضل و قلم را بر آن داشت که دلباختگان خاندان عصمت به ویژه نسل جوان را به گوشه ای از آن عظمت آشنا ساخته و آثار ارزشمندی را در این رابطه به جامعه دینی ارائه نمایند. که از جمله آنها است اثر گرانقدر جناب حجة الاسلام والمسلمین آقای الیاس محمد بیگی (صادقی) تحت عنوان " فروغی از کوثر" که دربرگیرنده پیشینه های درخشان شهرقم و جلوه ای از زندگانی و فضایل و کرامت های حضرت فاطمه معصومه (سلام الله علیها) و مطالب متنوع دیگری می باشد. ما خادمان فرهنگی آستانه مقدسه کریمه اهل بیت خدای را شاکریم، در سالی که به نام امام علی بن ابی طالب (علیه السلام) نامگذاری شده، توفیق تجدید چاپ و نشر این اثر را به ما ارزانی داشت. در پایان از مساعدت تولیت معظم آستانه مقدسه حضرت آیه الله مسعودی و معاون محترم ایشان جناب آقای فقیه میرزایی در جهت تحقق این مهم تشکر می نمایم؛ امید آن که همواره توفیق الهی در جهت ارائه خدمات فرهنگی بیشتر به جامعه دینی رفیق راهشان باشد.

### پیش گفتار

آشنایی با موقعیت جغرافیایی و پیشینه تاریخی، سیاسی، اجتماعی هر سرزمین گرچه به جای خود ارزشمند بوده و بر اطلاعات عمومی انسان می افزاید؛ ولی شناخت بعضی از سرزمین ها به خاطر نقش اساسی نخبگان و فرهیختگان آن سامان، در پایه گذاری و

ترویج فرهنگ و معارف حیاتبخش دینی و تحکیم عقاید اسلامی و سوابق درخشان آن، از ارزش و اهمیت مضاعفی برخوردار است. که یکی از این سرزمین های ممتاز، شهر قم می باشد؛ دیار مقدسی که در طول تاریخ اسلام از بزرگترین مراکز نشر معارف حیاتبخش شیعه به شمار آمده و تربیت یافتگان مکتب فقه و حدیثش احیاگر مظاهر فرهنگ غنی اهل بیت (علیهم السلام) بودند؛ و مردمان خداجوی آن طلایه داری نهضت های علمی، فرهنگی، سیاسی و رهبری قیامهای حق طلبانه مردمی در برابر حاکمان ستم پیشه را به عهده داشتند. بدینسان اهل قم، قیام را عینیت بخشیدند و قم در طول تاریخ چونان خورشیدی تابان درخشید و نور و تحرک آن آزادیخواهان مسلمان را به حرکت در آورد و نام قم در دنیا مرادف با قداست و پایداری و شجاعت گردید. و به خاطر همین جایگاه عظیم، قم در قاموس سراسر نور رهبران معصوم (علیه السلام) بعنوان حریم امن ولایت و کاشانه آل محمد و سرچشمه جوشان علوم و معارف خاندان رسالت معرفی شد؛ و مردمان خدا باورش پیراوان راستین اهل بیت و یاوران مهدی امت و زمینه سازان حکومت جهانی حضرتش شناخته شدند. و شکوه و عظمت این دیار مقدس، آنگاه فزونی یافت که خاک پاکش، بارگاه ملکوتی بزرگ یادگار آل رسول و عصاره فضایل آل بتول "حضرت فاطمه معصومه - سلام الله علیها -" گردید؛ و هجرت زینب گونه و رحلت جانسوز حضرتش در این سرزمین، حرم اهل بیت بودن آن را تفسیر نمود؛ و با جلال و جمال فاطمی خود، قبول تجلیگاه انوار تابناک ائمه هدی (علیه السلام) قرار داد. و سرانجام قم این پایگاه عظیم ولایت علوی و حوزه فقاہت جعفری بود که خاستگاه انقلابی بی نظیر، به رهبری پیشوای حکیم و

فرزانه "حضرت امام خميني" گردید که حکومت اسلامی به بارآمده از آن ایران زمین را نقطه امید مستضعفان سراسر گیتی و شهر قم را مرکز ام القرای جهان اسلام قرار داد. حکومت الهی که امروز به رهبری حضرت آیه الله خامنه ای دام ظلّه راه تعالی و ترقی خود را طی می کند این همه، انسان را بر شناختی عمیق و همه جانبه از پیشینه درخشان این دیار پاک و معرفت و آگاهی فراگیر از ابعاد مختلف شخصیتی بزرگ بانوی عالم اسلام حضرت فاطمه معصومه (سلام الله علیها) و امی دارد که بدون شك اهل قلم و نویسندگان متعهد، در جهت ارائه چنین شناختی به جامعه، رسالتی عظیم به عهده دارند؛ چنانچه تا کنون در این رابطه آثار ارزشمندی، توسط برخی از صاحبان اهل قلم نگاشته شده است ما هم در حدّ توان عصاره ای از این آثار گرانقدر را در ۹ بخش گردآوری نمودیم و این اثر را به عنوان "فروغی از کوثر" که چیزی جز حاصل عنایت آن حضرت نبوده به روح بلند آن زینت دوران اهدا می نمایم به آن امید که مورد قبول افتد و همواره لطف و کرم آن بزرگوار رهین راهمان باشد. و از آنجا که مجموعه حاضر به عنوان اولین اثر نگارنده، خالی از نقص و ایراد نیست نظر اصلاحی همه عزیزان را با جان و دل پذیراییم.

و ما توفیقي الا بالله  
الیاس محمد بیگی "صادقی"

بخش اول: پیشینه های درخشان شهر قم  
پیشینه تاریخی شهر قم:  
بعضی قائل به قدمت شهر قم بوده و آن را از بلاد باستانی دانسته اند و به شواهد و قرائنی هم استدلال نموده اند از قبیل ذکر "زعفران قمی" در کتابی که مربوط به

عصر سا سا نیان است و آمدن نام قم در شاهنامه فردوسی ضمن بیان حوادث سال ۲۳ هـ . ق و اینکه قم و ساوه به دست "تهمورث پیشدادي" بنا نهاده شده است. ولی این شواهد و قرائن مدعا را ثابت نمی کند برای این که موقعیت جغرافیایی و طبیعی سرزمین قم در عصر سا سا نیان برای بنای شهری در آن جا مساعد نبوده است و ساخت چنین شهری بدست تهمورث از افسانه های باستانی است که هیچ ارزش تاریخی ندارد. و ذکر نام قم در شاهنامه دلیل بر این نمی شود که در سال ۲۳ هـ . ق هم آن سرزمین به همین نام بوده برای اینکه فردوسی در اشعار خود نام محل فتوحات را به اسامی معروف زمان خودش معرفی کرده است نه به اسامی زمان خود فتوحات و در اسناد تاریخی و گزارشات فتوحات ایران به خلیفه مسلمین از سرزمین قم به عنوان ( شق ثیمره ) نام برده اند. بنابراین شهر قم هم، مانند شهر نجف و کربلا و مشهد مقدس از شهرهای نوظهور اسلامی است که موجبات موجودیت آن را باید در جهات مذهبی، سیاسی جستجو کرد. (۱)

هجرت خاندان اشعری به قم :

قم از بناهای اسلامی است که با ورود اعراب اشعری (۲) به این سرزمین و سکونت در آن و ساختن خانه ها و پیوستن حصارهای موجود بهم ، در سال ۸۳ هـ . ق (۳) موجودیت یافت و نام قم بر آن نهاده شد. در این جا لازم است در خصوص مهاجرت اعراب اشعری به این سرزمین توضیح بیشتری داده شود: "خاندان اشعری" به خاطر نا سازگاری با "حجاج" حاکم کوفه و کشته شدن یکی از افراد برجسته آن خانواده و احساس نا امنی ، جلاء وطن نمودند و به سوی ایران حرکت کردند ؛ در مسیر حرکت خود به نهاوند

رسیدند و عده ای از آنها در اثر ابتلای به وبا از دنیا رفتند ، به همین جهت از آنجا حرکت کردند و به تدریج راهپیمایی نموده تا به سرزمین قم رسیدند. این که علت آمدن آنها به قم چه بود مطلبی است که باید آن را در فتوحات جدّ ایشان " مالک " درنبرد قادسیه جستجو کرد : مالک بعد از فتح فراهان و تفرش و آشتیان و ساوه ، با قوم دیلم که دست به چپاول اموال و تجاوز به نوامیس ساکنین آن نواحی گشوده بودند وارد نبرد شد و آنها را ریشه کن و نابود کرده و نوامیس به اسارت برده شده را آزاد کرد. مردم آن سامان که خود را آزاد شده مالک می دانستند از این حادثه همیشه خاطره شیرینی داشتند. قبیله اشعری هم که با نام این دیار آشنا بودند ، برای پیدا کردن مرتع و چراگاه احشام راهی این سرزمین شدند وقتی که به تقرود از نواحی ساوه رسیدند احوص آنجا را سرزمینی سرسبز و مناسب برای احشام خود یافت و در فکرتوطن در آنجا برآمد. منزلگاه اعراب در دامنه کوه یزدان (میانه تقرود و قم) بود. به همین جهت به تدریج خبر ورود خاندان اشعری به یزدان پایدار (یزدانفازار) رئیس زردتشیان رسید. او از ورود آنان بسیار خرسند شد و تصمیم گرفت برای حفظ و حمایت سرزمین خویش از حمله دیلمان آنها را در سرزمین قم منزل و مأوی دهد، که سرکوبی قوم چپاولگر دیلم " درحمله مجدّد آنان به آن مناطق " ، به دست احوص و همراهانش او را براین امر مصمّم تر نمود و با شنیدن خبر پیروزی شخصاً به استقبال احوص شتافت و به عنوان تقدیر و تشویق بر سر او درهم و زعفران ریخت و قوم او را در میان چند حصار معروف آن زمان جای داد و آنها چادرهای خویش را در فواصل حصارها برپا

کرده و برای عبدالله (برادر احوص) مسجدی جهت اقامه نماز و بیان مقررات نورانی اسلام بنا کردند و آنچنان زردتشتیان با مسلمانان صمیمیت و محبت یافتند که با هم عهدنامه برادری و مواسات و پیمان دفاعی امضاء نمودند. بدینسان اعراب مسلمان، روز به روز محل سکونت خود را وسعت داده و خانه ها و مزارع بسیاری را خریداری کردند و حصارهای جدای از هم به واسطه ساخته شده خانه های نو بنیاد، به هم متصل شدند و شهری یکپارچه بوجود آمد و اولین مسجد در آن شهر بنا نهاده شد. پیمان یاد شده تا آخر عمر یزدانفازار بخوبی اجرا می شد و دو قوم زردتشت و مسلمان با هم زندگی مسالمت آمیزی داشتند؛ ولی پس از او فرزندان او با دیدن حشمت و ثروت روز افزون مسلمانان و خانه های وسیع و مجلل آنان، خود را در برابر آنها ذلیل و خوار دیده و در اندیشه نا سازگاری برآمدند و بنا را بر پیمان شکنی گذاشتند و از عبدالله و احوص، " بزرگان خاندان اشعری" مصرانه خواستند که با قوم خود از آن سرزمین بیرون روند. عبدالله و احوص آنها را پند و اندرز فراوان داده و آنها را دعوت به پایبندی به عهد و پیمان برادری نمودند و از عواقب سوء عهد شکنی بر حذر داشتند، ولی قوم زردتشت همچنان برخواسته خود پافشاری می کردند و تا چهاردهم سال نو به خاندان اشعری مهلت دادند تا هر چه دارند بفروشند و از آن دیار بروند. در این فاصله زمانی احوص بعد از مشورت با بزرگان قبیله، تصمیم گرفت شب چهارشنبه آخر سال، آن دیار را از شر سران زردتشت و بزرگان حصارهای چهلگانه، پاک نماید و راه را برای گرویدن مردم پاک سرشت آن سامان به اسلام بگشاید. لذا چهل نفر را مأمور ساخت که درچنین شبی



درهنگامه جشن و شادمانی و میگزاری زردشتیان ، خود را به حصارها رسانده و خدایان حصارها را نابود نمایند. این نقشه به خوبی اجرا شد و سران فتنه انگیز زردشتیان آن شهر از میان برداشته شدند و دژهای کفر و لجاجت فرو ریخت و مردم آن منطقه با احساس آزادی ، گروه گروه به اسلام گرویدند و آتشکده ها یکی پس از دیگری خاموش و به مساجد تبدیل شدند و بدینسان مردم مسلمان به رهبری احوص و عبدالله اشعری براین منطقه سروری یافتند (۴) ، و شهر قم به عنوان شهری امامی مذهب بوجود آمد و مکتب فقه شیعه امامی به دست "عبدالله بن سعد" و پسران او در این شهر بنا نهاده شد و به مرور زمان قم به عنوان شهری "پیرو فقه اهل بیت (علیه السلام) ، "همچون ستاره ای درخشان بر آسمان عالم اسلام درخشیدن گرفت و به تدریج این شهر مأوی و مأمن پیروان امامت و ولایت شد که تعداد شیعیان مهاجرآن به ۶۰۰۰ نفر می رسید. (۵)

پیشینه فرهنگی سیاسی شهر قم :

مردم قم چنان اهمیت و عظمت یافتند که گوئی در کشور نیمه مستقل کوچکی در "قلب دارالاسلام" زندگی می کردند ، چنانچه از آغاز ظهور خلفای عباسی در سال ۱۳۲هـ. ق. تا اواخر دوره خلافت هارون از دادن خراج به حکوت وقت خودداری می کردند و هیچ یک از خلفا توان و جرأت مقابله با آنان را نداشت. در زمان هارون عباسی که فرمانروایی اسلامی ، حداکثر توسعه را یافت و در سال ۱۸۴هـ. ق. هارون تصمیم گرفت صحابه و دوستان اهل بیت (علیه السلام) را تحت فشار قرار دهد و قم این کانون ضد ظلم و ستم را سرکوب نماید. لذا هارون "عبدالله بن کوشید قمی" را به حکومت

اصفهان (که قم از توابع آن بود) گماشت تا مالیات پنجاه و چند ساله قم را وصول نماید. او هم برادر خود "عاصم" را عامل قم قرارداد، عاصم پس از شکنجه و اذیت و آزار مردم حتی یکدرهم از مالیات معوقه را هم وصول نکرد ولی همچنان برفشار خود افزود تا اینکه عده ای از اهالی و بزرگان شهر زبان به شفاعت گشودند ولی به نتیجه ای نرسیدند. بعد از بی نتیجه بودن این وساطتها "عاصم" به دست عده ای، از جان گذشته به هلاکت رسید. همین حادثه باعث عزل عبدالله از حکومت اصفهان شد ولی عبدالله به دارالخلاقه شتافت و با پرداخت یک میلیون درهم خواستار بازگشت به سمت قبلی خود شد، به شرط اینکه قم از تابعیت اصفهان خارج شود. سرانجام با توضیحات قانع کننده او و بیانات "حمزه بن الیسع" - از بزرگان قم - و عهده دار شدن خراج شهر، هارون استقلال شهر قم را پذیرفت و بدینسان این شهر استقلال سیاسی یافت و پس از تعیین حدود آن، مسجد جامع با منبری برای امام جمعه (که نشانه استقلال هر ناحیه بود) در آن ساخته شد. (۶) هنگام استقلال در این سرزمین دو شهر وجود داشت یکی شهر جدید اسلامی بنام "قم" و دیگری شهر زردشتیان بنام "کمیدان" که عمال حکومتی و زندان شهر در آنجا بودند چرا که اهل قم عمال حکومت را به شهر خود راه نمی دادند.

مبارزه بی امان مردم قم با ستمگران :  
مردم قم با حاکمان ستمگر زمان خود همیشه سر ناسازگاری داشتند، و در زمانهای مناسب در برابر آنان دست به شورش و انقلاب می زدند و از پرداخت مالیات و حمایت اقتصادی حکومت مرکزی خودداری می کردند. بعد از شهادت حضرت رضا (علیه السلام) در

سال ۲۰۳ هـ . ق و پی بردن مردم قم به جنایت مأمون و دستگاه خلافت ، به عنوان اعتراض به این فاجعه عظیم و اعلان حمایت از حریم مقدّس ولایت و امامت ، مردم دست به انقلابی بی سابقه زدند و در برابر حاکمان عباسی دست به تمرد زدند، و از دادن خراج و مالیات سالانه شهر خودداری کردند. این انقلاب همگانی حدود ۱۰ سال ادامه داشت و سرانجام با یورش سپاهیان حکومتی به فرماندهی "علی بن هشام" به شهر ، عده ای از سران شهر همراه "یحیی بن عمران" - بزرگ قمّین که این نهضت عظیم مردمی را سازماندهی می کرد- کشته شدند و قسمتی از شهر خراب گردید و مالیاتهای گذشته وصول شد. مردم به تدریج به عمران شهر پرداختند و تا سال ۲۱۶ هـ . ق شهر اوضاع آرامی داشت. در همین سال، " زمان خلافت معتصم" بود که مردم به دارالحکومه قم حمله کردند و عامل حکومت (طلحی) را از شهر بیرون رانده و عَلم مخالفت برافراشتند. معتصم به تحریک (طلحی) سپاهی را به فرماندهی " و صیف ترک" مأمور سرکوبی اهالی کرد، و او همراه حاکم رانده شده قم به هر حيله ای بود به داخل شهر رخنه نمود و سپاهیانش به قتل و غارت اهالی پرداختند و خانه ها و باغ های افراد انقلابی را آتش زدند و شهر را به تلی از خاکستر مبدّل نمودند. ولی این همه ، نتیجه ای جز برافروخته شدن خشم عمومی مردم نداشت. لذا پس از مواجه شدن سپاه با اعتراض و مخالفت مردمی، فردی به نام " محمد بن عیسی باد غیسی" - که فردی خوشخو و صدیق بود- به حکومت قم گماشته شد ؛ حاکم جدید با درایت خاصی که داشت رضایت مردم را جلب نمود و بذر مودّتی بین آنها پاشید که تا سال ۲۴۵ هـ . ق در این شهر حادثه خونینی پیش نیامد. بالاخره در

زمان خلافت متوکل ، - که او فردي جسور و لاابالي بود و از اهانت به مقدّسات دين و بزرگان اسلام هراسي نداشت " مانند تظاهر او به سبّ علي (عليه السلام) و صديقه طاهره (عليه السلام) در مجالس عمومي و تخريب مرقد سيّد الشهداء (عليه السلام) - مردم عاشق ولايت و امامت قم با ديدن اين جسارتها و اهانت ها که به ساحت مقدّس بزرگان دين مي شد ، آنچنانچه برآشفتمند که در فرصت مناسب با تقويت معارضين حکومت عباسي همچون حسين کوکبي - که از اشراف سادات علوي بود- دولت علوي کوچکي تشکيل دادند و عمّال حکومتي را خلع يد کردند و تا سه سال اين حکومت برقرار بود. که سرانجام معتمد عباسي حاکم " بلاد جبل " را مأمور براندازي حکومت علويّون و سرکوب نهضت قميون کرد و او با سپاهي فراوان پس از سرنگون کردن حکومت حسين کوکبي ، اهالي قم را سرکوب و سران آنها را کشت و عده اي را زنداني کرد و در ظلم و ستم به مردم تا آنجا پيش رفت که آنها براي درامان ماندن از شرّ او به امام حسن عسکري(عليه السلام) پناهنده شدند و حضرت براي رهايي از اين شرّ عظيم دعايي به آنان تعليم فرمود که در نماز شب بخوانند. اين سرکوبهاي خونين هيچ تأثيري درخاموشي شعله هاي انقلاب و قيام عليه ظلم و ستم نداشت و لذا مردم قم به مجرد درگيري معتمد با يعقوب ليث (درسال ۲۶۳هـ . ق) و ضعف نيروهاي تهاجمي او مجدداً دربرابراو به قيام برخاستند. اين انقلاب و شورش گاه و بيگاه وجود داشت تا اينکه در زمان متضد عباسي ، " يحيي بن اسحاق " که از طائفه اماميه بود به عنوان حاکم قم منصوب شد و او که شخصي ملايم و پرتجربه بود کوشش کرد تا از بغض و کينه مردم نسبت به خلفا بکاهد و از بوجود

آمدن شورش های متوالی جلوگیری نماید. او در این راه موفق شد و با آرامش نسبی شهر، و با همکاری او، اقدامات اساسی در شهر صورت گرفت که از آن جمله:

خاموش کردن آخرین آتشکده این سرزمین و بنای مأذنه و مناره عظیمی در کنار مسجد "ابوالصدیم اشعری" بود که صدای اذان را به هر دو قسمت شهر می رساند. (۷)

#### انقلاب فرهنگی سیاسی:

در همین زمان بود که "علی بن بابویه" با ریاست و مرجعیت عامه خود مکتب پربرکت و بی نظیری را در قم تأسیس کرد که آمار تربیت شدگان آن مرکز بزرگ علمی و محدثین عصر ایشان، تا دویست هزارتن نقل شده است. (۸) با طلوع ستاره "بابویه" بود که روش مبارزه مردم با دستگاه خلافت تغییر کلی یافت و آنها به مبارزات اصولی پرداختند، از طرفی پسران (بویه) و حکومتهایی از آل علی (علیه السلام) را در طبرستان به نام ناصر کبیر، و ناصر صغیر روی کار آوردند.

از طرفی گروهی از دانشمندان اسلامی برای تبلیغ و ترویج مبانی و معارف دینی از قم به خدمت امرا شتافتند و اکثر ایشان به مقام وزارت و امارت و ریاست رسیدند و نام وزرای قمی، زینت بخش تاریخ سیاست و حکومت شد. وزارت "استاد ابن العمید" در حکومت "رکن الدوله دیلمی" پس از مشورت با مرحوم ابن بابویه و صلاحدید آن بزرگوار بود؛ که هجرت علمی مرحوم شیخ صدوق از قم به ری (بنا به دعوت استاد ابن العمید) و آثار گرانقدر علمی، فرهنگی این هجرت مقدس همه از برکات این اقدام سیاسی زعیم بزرگ در آن دوران می باشد. چنانچه سفر مرحوم "ابن قولویه" به بغداد و تأسیس مکتب فقه جعفری در

مسجد "براثا" و دهها اقدامات علمی، فرهنگی که در سراسر عالم اسلام صورت گرفت همه و همه از برکات مکتب "مرحوم ابن بابویه" در قم بود. و سرانجام این مکتب پر بار بود که انقلاب عظیم فرهنگی، سیاسی، را جایگزین انقلاب های محلی کرد و پست های کلیدی سیاست و فرهنگ جامعه را در اختیار تربیت یافتگان مکتب اهل بیت (علیه السلام) قرار داد تا بشریت تشنه حکومت عدل و معارف شیعه را به سرچشمه گوارای اسلام حقیقی و تشیع علوی رهنمون سازند. (۹) و در طول تاریخ همواره قم به عنوان منبع جوشان علم و معارف اسلامی بوده و تربیت یافتگان حوزه پربرکت آن به عنوان پاسداران امین اصالت دینی و فرهنگی، سیاسی جامعه دینی شناخته شده اند و تا به امروز قم چون ستاره ای نورانی و مشعلی فروزان دلیل راه میلیونها مسلمان بوده و رهپویان راه حقیقت را به سر منزل مقصود رهنمون ساخته است و سرانجام این دیار خون و قیام بود که خاستگاه انقلابی شکوهمند به رهبری قائد عظیم الشأن حضرت امام خمینی شد و ثمره آن نظامی اسلامی گردید که امروز پایگاه عظیم حق طلبان مسلمان و نقطه امید مستضعفان و محرومان سراسر جهان به شمار می آید و اکنون به حقیقت می توان گفت که: ایران اسلامی ام القرای عالم اسلام و قم قبه الاسلام و حرم اهل بیت و کاشانه آل رسول است.

پیشینه درخشان مذهبی شهرقم :

جایگاه ممتاز و بی نظیر قم از نظر مذهبی و روحانی غیرقابل انکار است؛ چرا که این شهر از آغاز موجودیت تا امروز در طول سیزده قرن پایتخت شیعه امامیه خوانده شده و مهد دانش و فضیلت و سرچشمه

جوشان حکمت و معرفت بوده است . خدمات برجسته و مساعي ارزنده دانشمندان قم در راه احیای آیین تشیع و نشر معارف دینی و فرهنگ پربار اسلامی به حدی بود که تاج کرامت ابدی دینی برتبارک شریف آنان نهاده شد که : " لَوْلَا الْقَمِيَّوْنَ لَضَاعَ الدِّينُ " (۱۰). آری قم شهری است که خشت اول معنویت آن گروهی از صحابه و دوستان ائمه (علیه السلام) از اعراب اشعری با مصالح ایمان و ملات تولی بکارگذاشته و شالوده این شهر مقدس را از سال ۸۳ هـ . ق (۱۱) و در دوران امام باقر و امام صادق (علیه السلام) طرح ریزی نمودند. این شهر در مرکز فرمانروایی اسلامی چون کشوری مستقل و با مقرراتی خاص اداره می شد و از مزایا و ویژگیهایی برخوردار بود و حتی در دوران اختناق حاکم بر امامیه هم مردم قم بدون تقیه با کمال آزادی عقیده در این دیار مقدس به جمع آوری آثار و اخبار آل محمد و تدوین آنها پرداختند و در سرود آسمانی اذان بر فراز ارتفاعات با صدای رسا بر ولایت علی (علیه السلام) شهادت می دادند. مکتب امامیه اولین بار توسط اعراب اشعری در قم افتتاح گردید که فقه شیعه به طور رسمی و علنی در آن تدریس می شد و مشعل هدایت و ارشاد در این شهر فروزان گردید و تربیت یا فتگان این مکتب الهی بر سایر بلاد اسلامی نور افشانی کردند. (۱۲) بدین جهت اهل قم همیشه مورد عنایات خاصه ائمه معصومین (ع) بودند و سخنان ارزشمندی را در بیان عظمت و فضیلت قم و اهل آن فرمودند که برگزیده ای از آنها را در اینجا ذکر می کنیم : ۱- قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) : " لَمَّا أُسْرِيَ بِي إِلَى السَّمَاءِ حَمَلَنِي جِبْرَائِيلُ عَلَيَّ كِتْفِهِ ۖ الْأَيْمَنُ فَتَنَظَّرْتُ إِلَى بُقْعَةٍ بِأَرْضِ الْجَبَلِ حَمْرَاءَ أَحْسَنُ لَوْنًا مِنَ الزُّعْفَرَانِ وَ أَطْيَبُ رِيحًا مِنَ الْمِسْكِ

، فَإِذَا فِيهَا شَيْخٌ عَلِي رَأْسِهِ بُرْنُسٌ ، فَقُلْتُ لَجِبْرَائِيلَ: مَا هَذِهِ الْبُقْعَةُ الْحَمْرَاءُ الَّتِي هِيَ أَحْسَنُ لَوْنًا مِنَ الزَّعْفَرَانِ وَ أَطْيَبُ رِيحًا مِنَ الْمِسْكِ؟ قَالَ : بُقْعَةُ شِيعَتِكَ وَ شِيعَةَ وَصِيِّكَ عَلِيٍّ. فَقُلْتُ: مَنْ الشَّيْخُ صَاحِبُ الْبُرْنُسِ ؟ قَالَ : إِبْلِيسُ . قُلْتُ : فَمَا يُرِيدُ مِنْهُمْ ؟ قَالَ : يُرِيدُ أَنْ يَصُدَّهُمْ عَنْ وِلايَةِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَيَدْعُوهُمْ إِلَى الْفِسْقِ وَ الْفُجُورِ. فَقُلْتُ : يَا جِبْرَائِيلُ أَهْوَيْنَا إِلَيْهِمْ ، فَأَهْوَى بِنَا إِلَيْهِمْ أَسْرَعُ مِنَ الْبَرْقِ الْخَاطِفِ وَ الْبَصْرِ اللَّامِعِ .

فَقُلْتُ : قُمْ يَا مَلْعُونُ! فَشَارِكْ أَعْدَائَهُمْ فِي أَمْوَالِهِمْ وَ أَوْلَادِهِمْ وَ نِسَائِهِمْ ، فَإِنَّ شِيعَتِي وَ شِيعَةَ عَلِيٍّ لَيْسَ لَكَ عَلَيْهِمْ سُلْطَانٌ . فَسَمَّيْتُ قُمْ " : ( ١٣ )

رسول خدا (صلی الله علیه وآله) می فرماید : " هنگامی که خداوند مرا به آسمانها عروج داد، جبرئیل مرا بر شانه راستش حمل می کرد ؛ در این هنگام به سرزمینی در " ارض جبل " نگاه کردم که سرخ رنگ و خوش رنگتر از زعفران و خوشبوتر از مشک بود. ناگهان دیدم در آن سرزمین پیری قرار دارد که کلاه درازی بر سر نهاده است . از جبرئیل پرسیدم : این سرزمین سرخ رنگ و خوش رنگتر از زعفران و خوشبوتر از مشک کجاست؟ گفت : جایگاه شیعیان تو و شیعیان وصی تو علی (علیه السلام) است . گفتم : این پیرمرد کیست ؟ گفت ابلیس است ، گفتم : از آنها چه می خواهد؟گفت:می خواهد تا آنان را از دوستی و ولایت امیرالمؤمنین (علیه السلام) باز دارد و به نا فرمانی و گناه دعوتشان کند. گفتم : ای جبرئیل ما را به آن مکان ببر. باحرکتی سریع تر از برق ما را به آنجا رساند. گفتم : ای ملعون برخیز و برو ، و در اموال و اولاد و زنان دشمنان ایشان شرکت کن ، زیرا ، تو را بر شیعیان من و علی فرمانروایی



نیست . " از این رو ، آن مکان قم نامیده شد " .

۲- قَالَ الْإِمَامُ الصَّادِقُ (عَلَيْهِ السَّلَام) :  
إِنَّمَا سُمِّيَ قُمْ لِأَنَّ أَهْلَهُ يَجْتَمِعُونَ مَعَ قَائِمِ  
آلِ مُحَمَّدٍ وَ يَقُومُونَ مَعَهُ وَ يَسْتَقِيمُونَ عَلَيْهِ وَ  
يَنْصُرُونَهُ : ( ۱۴ )

امام صادق (علیه السلام) می فرماید :  
قم را ، قم نامیده اند زیرا اهل قم ، با  
قائم آل محمد (علیه السلام) اجتماع می  
کنند و با آن حضرت ( بر ضد طاغوتها )  
قیام می نمایند ، و با کمال استقامت و  
استواری به یاری او می پردازند .

۳- قَالَ الْإِمَامُ الْكَاسِمُ (عَلَيْهِ السَّلَام) :  
قُمْ عَشُّ آلِ مُحَمَّدٍ وَمَأْوَى شِيعَتِهِمْ " : ( ۱۵ )  
امام کاظم (علیه السلام) فرمود : " قم  
آشیانه آل محمد (صلی الله علیه  
وآله) و پناهگاه شیعیان آنهاست .

۴- قَالَ الْإِمَامُ الرِّضَا (عَلَيْهِ السَّلَام) :  
إِنَّ لِلْجَنَّةِ ثَمَانِيَةَ أَبْوَابٍ ، وَ لِأَهْلِ قُمْ وَاحِدٍ  
مِنْهَا ، فَطُوبَى لَهُمْ ، ثُمَّ طُوبَى لَهُمْ ، ثُمَّ  
طُوبَى لَهُمْ " : ( ۱۶ )

حضرت رضا (علیه السلام) می فرماید :  
بهشت دارای هشت در است ، یکی از آنها  
برای قمی هاست . پس سه مرتبه فرمود :  
خوشا به حالشان .

۵- قَالَ الْإِمَامُ الصَّادِقُ (عَلَيْهِ السَّلَام) :  
سَيَأْتِي زَمَانٌ تَكُونُ بَلَدُهُ قُمْ وَ أَهْلُهَا حُجَّةً  
عَلَى الْخَلَائِقِ وَ ذَلِكَ فِي زَمَانٍ غَيْبَةِ قَائِمِنَا  
إِلَى ظُهُورِهِ " : ( ۱۷ )

امام صادق (علیه السلام) فرمود :  
زمانی می آید که شهر قم و اهل آن حجت بر  
تمام مردم خواهند بود و این (موضوع) در  
زمان غیبت امام زمان (علیه السلام) می  
باشد تا ظهور آن حضرت .

۶- قَالَ الْإِمَامُ الصَّادِقُ (عَلَيْهِ السَّلَام) :  
ثُرْبَةٌ قُمْ مُقَدَّسَةٌ وَ أَهْلُهَا مِنَّا وَ نَحْنُ مِنْهُمْ

لَا يُرِيدُهُمْ جَبَّارٌ بِسُوءٍ إِلَّا عَجَّلَتْ مَالِمٌ يَخُونُوا  
إِخْوَانَهُمْ " : ( ۱۸ )

امام صادق (علیه السلام) فرمود : " تربت قم مقدس است و مردم قم از (شیعیان) ما هستند ، و ما هم از آنها هستیم ، هیچ ستمگری قصد بد ، به اهل قم نمی کند مگر اینکه در عذاب او تعجیل می شود تا وقتی که مردم به برادران (دینی) خود خیانت نکنند ."

۷- قَالَ الْإِمَامُ الصَّادِقُ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) : " مَحْشَرُ النَّاسِ كُلَّهُمْ إِلَى بَيْتِ الْمُقَدَّسِ إِلَّا بُقْعَةً بِأَرْضِ الْجَبَلِ يُقَالُ لَهَا : قُمْ فَإِنَّهُمْ يُحَاسِبُونَ فِي حُفْرِهِمْ وَ يُحْشَرُونَ مِنْ حُفْرِهِمْ إِلَى الْجَنَّةِ " : ( ۱۹ )

امام صادق (علیه السلام) فرمود : " جایگاه حشر همه مردم به سوی بیت المقدس است ؛ مگر (مردم) سرزمینی از بلاد " جبل " که آن را " قم " گویند ، آنها در قبرهایشان ( در همان سرزمین ) به حسابشان رسیدگی می شود و از همانجا به سوی بهشت محشور خواهند شد ."

۸- عَنِ الْإِمَامِ الصَّادِقِ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) : (أَنَّهُ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) أَشَارَ إِلَى عَيْسَى بْنِ عَبْدِ اللَّهِ) فَقَالَ : " سَلَامٌ لِلَّهِ عَلَى أَهْلِ قُمْ ، يُسْقِي اللَّهُ بِلَادَهُمُ الْغَيْثَ وَ يُنْزِلُ اللَّهُ عَلَيْهِمُ الْبَرَكَاتِ وَ يُبَدِّلُ اللَّهُ سَيِّئَاتِهِمْ حَسَنَاتٍ ، هُمْ أَهْلُ رُكُوعٍ وَ سُجُودٍ وَ قِيَامٍ وَ قُعُودٍ ، هُمْ الْفُقَهَاءُ وَ الْفُهَمَاءُ ، هُمْ أَهْلُ الدَّرَايَةِ وَ الرِّوَايَةِ وَ حَسَنِ الْعِبَادَةِ " : ( ۲۰ )

امام صادق (علیه السلام) ( به عیسی بن عبدالله قمی اشاره کرد ) و فرمود : " سلام خدا بر اهل قم ، خدا شهرهایشان را از باران رحمتش سیراب گرداند و برکاتش را بر آنان فرود آورد و گناهانشان را به خوبیها و حسنات مبدل فرماید ، آنها اهل رکوع و سجود و قیام و قعودند . آنان فقیه و

دانشمند هستند. آنان اهل درک حقایق و روایت و عبادت نیکو می باشند".  
 ۹- قَالَ أَبُو الصَّلْتِ الْهَرَوِيُّ كُنْتُ عِنْدَ الرِّضَا (عليه السلام) فَدَخَلَ عَلَيْهِ قَوْمٌ مِنْ أَهْلِ قَمٍّ فَسَلَّمُوا عَلَيْهِ فَرَدَّ عَلَيْهِمْ وَ قَرَّبَهُمْ . ثُمَّ قَالَ لَهُمْ : " مَرْحَباً بِكُمْ وَ أَهلاً! فَأَنْتُمْ شِيعَتُنَا حَقّاً " : (۲۱)

ابا صلت می گوید : خدمت امام رضا (عليه السلام) بودم ، گروهی از اهل قم بر ایشان وارد شدند، به امام سلام کردند. امام (عليه السلام) جواب سلامشان را داد و آنان را نزدیک خود نشانید سپس فرمود: " مرحبا بر شما ، خوش آمدید! شما شیعیان راستین ما هستید".

۱۰- قَالَ الامام الصَّادِقُ (عليه السلام) : سَتَخْلُوكُوفَةً مِنَ الْمُؤْمِنِينَ وَ يَأْزُرُ عَنْهَا الْعِلْمُ كَمَا تَأْزُرُ الْحَيَّةُ فِي جُحْرِهَا ، ثُمَّ يَظْهَرُ الْعِلْمُ بِبِلْدَةِ يُقَالُ لَهَا قَمٌّ ، وَيَصِيرُ مَعْدِناً لِلْعِلْمِ وَ الْفَضْلِ " : (۲۲)

امام صادق (عليه السلام) فرمود : " کوفه بزودی از مؤمنان خالی می شود و علم از آن جمع می شود همانطور که مار در لانه اش جمع می شود ، سپس علم و دانش در شهری که به آن و " قم " می گویند ، ظاهر می شود و آنجا مرکز علم و فضیلت می گردد".

۱۱- رَوَى بَعْضُ أَصْحَابِنَا قَالَ : كُنْتُ عِنْدَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) جَالِساً إِذْ قَرَأَ هَذِهِ الْآيَةَ : " فَإِذَا جَاءَ وَعْدُ أُولِيهِمَا بَعَثْنَا عَلَيْكُمْ عِبَاداً لَنَا أُولِي بَأْسٍ شَدِيدٍ فَجَآءُوا خِلَالَ الدِّيَارِ وَ كَانَ وَعْداً مَفْعُولاً " (۲۳) . فَقُلْنَا : جُعِلْنَا فِدَاكَ ، مَنْ هَؤُلَاءِ ؟ فَقَالَ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ : " هُمْ وَاللَّهِ أَهْلُ قَمٍّ " : (۲۴)

یکی از اصحاب نقل کرده است : خدمت امام صادق (عليه السلام) نشسته بودم. امام (عليه السلام) این آیه را خواند : ( فَإِذَا جَاءَ وَعْدُ أُولِيهِمَا... ) : " هنگامی که نخستین وعده فرا رسید مردانی پیکارجو را

بر شما (بنی اسرائیل) می فرستیم تا شما را سخت درهم کوبند تا بدانجا که برای بدست آوردن مجرمان خانه ها را جستجو کنند ، و این وعده قطعی الهی است " .  
 پس ما گفتیم : فدای شما شویم ، این پیکار جویان الهی کیانند؟ امام سه بار فرمود : و بخدا قسم آنان مردم قم خواهند بود " .

۱۲- قَالَ الْإِمَامُ الْكَاطِمُ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) " رَجُلٌ مِنْ أَهْلِ قُمْ يَدْعُو النَّاسَ إِلَى الْحَقِّ يَجْتَمِعُ مَعَهُ قَوْمٌ كَزُبْرِ الْحَدِيدِ ، لَا تَزِلُّهُمْ الرِّيَّاحُ الْعَوَاصِفُ وَ لَا يَمْلُونَ مِنَ الْحَرْبِ وَ لَا يَجْبُنُونَ وَ عَلَيَّ اللَّهُ يَتَوَكَّلُونَ وَ الْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ " : (۲۵)

امام کاظم (علیه السلام) فرمود : " مردی از قم ، مردم را بسوی حق دعوت می کند ، گروهی با او همراه می شوند که همانند پاره های آهن هستند ، تندبادهای حوادث آنان را نلغزاند ، و از جنگ خسته نشوند و نترسند ، و بر خدا توکل کنند ، و عاقبت خیر برای پرهیزکاران خواهد بود " .

۱۳- قَالَ الْإِمَامُ الصَّادِقُ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) : " إِنَّ اللَّهَ احْتَجَّ بِالْكَوْفَةِ عَلَيَّ سَائِرِ الْبِلَادِ وَ بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَهْلِهَا عَلَيَّ غَيْرِهِمْ مِنْ أَهْلِ الْبِلَادِ وَ حَتَّجَ بَبَلَدَةِ قُمْ عَلَيَّ سَائِرِ الْبِلَادِ وَ بِأَهْلِهَا عَلَيَّ جَمِيعِ أَهْلِ الْمَشْرِقِ وَ الْمَغْرِبِ مِنَ الْجِنِّ وَ الْإِنْسِ وَ لَمْ يَدْعُ اللَّهُ قُمْ وَ أَهْلَهَا مُسْتَضْعَفًا بَلْ وَفَّقَهُمْ وَ أَيَّدَهُمْ " : (۲۶)

امام صادق (علیه السلام) فرمود : " خداوند " کوفه " را بر سایر شهرها حجت قرار داد و مردم با ایمان آن را برای مردم دیگر شهرها حجت قرار داده ، و شهر قم را حجت بر شهرهای دیگر و مردم آن را حجت بر تمام مردم مشرق و مغرب ( از جن و انس ) قرار داد ، خداوند قم و مردم آن را رها نکرده تا مستضعف (فکری و فرهنگی)

شوند بلکه آنان را موفق و تأیید کرده است."

۱۴- قَالَ الْإِمَامُ الصَّادِقُ (عَلَيْهِ السَّلَام) :  
" إِنَّ لِي لِحَرَمًا وَهُوَ مَكَّةُ وَ إِنَّ لِلرَّسُولِ  
حَرَمًا وَ هُوَ الْمَدِينَةُ ، وَ إِنَّ لِي  
مِيرَالْمُؤْمِنِينَ حَرَمًا وَ هُوَ الْكُوفَةُ وَ إِنَّ لَنَا  
حَرَمًا وَ هُوَ قُمْ وَ سَتُدْفَنُ فِيهَا إِمْرَأَةٌ مِنْ  
أَوْلَادِي تُسَمَّى فَاطِمَةَ ، فَمَنْ زَارَهَا وَ جَبَّتْ لَهُ  
الْجَنَّةُ " . ( قَالَ الرَّاوي : وَ كَانَ هَذَا الْكَلَامُ  
مِنْهُ قَبْلَ أَنْ يُوَلَّدَ الْكَاطِمُ (عَلَيْهِ السَّلَام) ) :  
( ٢٧ )

امام صادق (عليه السلام) فرمود: " برای من برای خدا حرمی است و آن مکه است و برای رسول خدا (صلی الله علیه و آله) حرمی است و آن مدینه می باشد ، و برای امیرالمؤمنین (عليه السلام) حرمی است و آن کوفه است ، و برای ما حرمی می باشد و آن شهر قم است. و در آینده ای نزدیک زنی از فرزندان من " به نام فاطمه " در آنجا دفن می شود ، کسی که او را زیارت کند بهشت بر او واجب می شود " .  
راوی می گوید : این فرمایش حضرت زمانی بود که هنوز موسی بن جعفر (عليه السلام) به دنیا نیامده بود .

علاوه بر این روایات ، ائمه معصومین (عليه السلام) اهل قم و بعضی بزرگان آنها را مورد عنایات خاصه خود قرار می دادند و برای آنان هدایا و خلعتی هایی مثل انگشتری و پارچه کفنی می فرستادند ، ( ٢٨ )  
و درباره بعضی از بزرگان آن دیار سخنان ارزنده ای فرمودند که به نمونه هایی از آنها اشاره می شود :

۱- حضرت رضا (عليه السلام) به زکریا بن آدم ، که قصد بیرون رفتن از شهر قم را داشت فرمود : " از قم بیرون نرو همانا خداوند به خاطر تو بلا را از اهل قم دور می سازد همانطور که به وجود مبارک موسی

بن جعفر (عليه السلام) ، بلا را از اهل بغداد دور نمود " . ( ۲۹ )

۲- امام صادق (عليه السلام) درباره عیسی بن عبدالله قمي فرمود : " تو از ما اهل بيتي " .

و باز حضرت فرمود: " عیسی بن عبدالله ، مردی است که زندگی و مرگ او با زندگی و مرگ ما هماهنگ بوده و گره خورده است " . ( ۳۰ )

۳- امام صادق (عليه السلام) به عمران بن عبدالله قمي فرمود: " از خدا می خواهم که تو را و خانواده ات را در روز قیامت ( که هیچ سایه ای نیست) در زیر سایه " رحمت " خود قرار دهد " . ( ۳۱ )

دل در کنار حرمش عطر و بوی مدینه استشمام می کند و گویی در مکه بین صفا و مروه به دیدار یار رفته است. بوی بهشت دل و جان هر زائری را شاداب و با نشاط می کند. در حرمش همیشه بهار است ؛ بهار قرآن و دعا ، بهار ذکر و صلوات ، بهار یادآور شبهای قدر ، بهار گلدسته های نیایش و نیاز و سیراب نمودن جانهای تشنه ، هر مسافر خسته ای بعد از زیارت با خستگی بیگانه می شود . هر رهگذری با قدم نهادن در این حرم دیگر غریبه نیست ؛ همه او را می شناسند ، او آشنای دلهاست. اگر حرمش و گنبد و گلدسته های آن چشم را نوازش می دهد محبت و عشقش ، نام و یادش ، جانها و دلها را آرامش می دهد ، چرا که این حرم ، حرم اهل بیت ، مدفن یادگار رسول ، نور چشم موسی بن جعفر (عليه السلام) ، آیینه تمام نمای عفاف و پاکی ، فاطمه ثانی است. او که خود دانش آموخته مکتب علوی و سرّی از اسرار خاندان نبوی بود که قبل از ولادت ، صادق آل محمد (عليه السلام) آمدنش را نوید داد. دختری از تبار زهرا (سلام الله علیها) و چون او

حامی ولایت و امامت و چونان زینب ، فاطمه سالاری شایسته . اگر فریاد زینب بنی امیه را رسوا کرد ، فریاد فاطمه معصومه بنی عباس را ؛ حرکت سیاسی الهی حضرت از مدینه به سوی مرو و خراسان حرکتی بود علیه طاغوت دوران ، هر چند به زیارت برادر و امام زمانش نائل نشد ولی ابلاغ پیام کرد : او با حرکت از مدینه به همراه عده ای از خاندان پیامبر و ارادتمندان اهل بیت (علیه السلام) ثابت کرد که در همه اعصار قدرتهای مادی و طاغوتی در برابر پرورش یافتگان اسلام ناب کوچکند. چنانکه زینب سلام الله علیها بر یزید خروش آورد " اني استصغرك " : " من به تو به دیده حقارت می نگرم " ؛ این حرکت الهی ، سیاسی گر چه ناتمام ماند و بالاخره دختر آفتاب در این سفر پر برکت خویش به دیدار حق شتافت و با مرگ شهادت گونه اش همه را سوگوار ساخت. اما دیری نپایید که همه شاهد ثمرات ارزشمند این سفر مبارک شدند . آنگاه که از این کوثر بی کران عترت ، چشمه های جوشان علوم و معارف جوشیدن گرفت و قم این حریم مقدس فاطمی مرکز نشر معارف حیاتبخش اسلامی گردید و محور قیامها و خیزش های دینی بر علیه ستم پیشگان روزگار . و سرانجام در قرن حاضر این حرم اهل بیت و قم همیشه بیدار بود که خاستگاه قیامی الهی به رهبری بزرگ تربیت یافته مکتب ولایت حضرت امام خمینی رحمه الله بر علیه ستمگران زمان گردید ؛ که ثمره آن انقلاب عظیم ، نظام مقدسی شد که نقطه امید مستضعفان و ملجأ و پناهگاه مظلومان عالم شد . این همه می طلبد که مقام والای این بانوی بزرگ به همگان بویژه نسل جوان معرفی شود و ما مفتخریم که در این راستا اجمالی از زندگانی و فضایل آن بزرگوار را در این

بخش از کتاب جمع آوری نموده و به  
شیفتگان خاندان عصمت تقدیم می‌نماییم.

- پاورقی‌ها:
- (۱) گنجینه آثار قم، عباس فیض، ج ۱، ص ۱۰.
- (۲) این قبیله در آغاز بعثت رسول خدا (صلی الله علیه و آله) از یمن به مدینه هجرت کردند و به آن حضرت ایمان آوردند و بزرگ آنها "مالک بن عامر بن هانی" است که در جنگ قادسیه از خود رشادتها نشان داد و ایشان جد عبدالله و احوص می‌باشد که آن دو از بنیانگذاران شهر قم به عنوان پایگاه شیعه بود. "گنجینه آثار قم، ج ۱، ص ۱۳۷)
- (۳) معجم البلدان، ج ۴، ص ۳۹۷.
- (۴) تاریخ قدیم قم، حسن بن محمد بن حسن قمی، ص ۲۴۵ - ۲۵۷ با تصرف.
- (۵) گنجینه آثار قم، عباس فیض، ج ۱، ص ۱۵۴.
- (۶) گنجینه آثار قم، عباس فیض، ج ۱، ص ۱۵۴.
- (۷) گنجینه آثار قم، ج ۱، ص ۱۵۳.
- (۸) همان، ج ۱، ص ۱۶۲.
- (۹) گنجینه آثار قم، ج ۱، ص ۱۶۲ "با تصرف".
- (۱۰) بحار، ج ۶۰، ص ۲۱۷.
- (۱۱) معجم البلدان، ج ۴، ص ۳۹۷.
- (۱۲) گنجینه آثار قم، عباس فیض، ج ۱، ص ۸۸.
- (۱۳) بحار، ج ۶۰، ص ۲۰۷.
- (۱۴) همان، ص ۲۱۶.
- (۱۵) همان، ص ۲۱۴.
- (۱۶) بحار، ج ۶۰، ص ۲۱۵.
- (۱۷) همان، ص ۲۱۳.
- (۱۸) همان، ص ۲۱۸.



- (۱۹) همان .  
 (۲۰) بحار، ج ۶۰، ص ۲۱۷ .  
 (۲۱) همان ص ۲۳۱ .  
 (۲۲) همان، ص ۲۱۳ .  
 (۲۳) اسراء، آیه ۵ .  
 (۲۴) بحار، ج ۶۰، ص ۲۱۶ .  
 (۲۵) همان .  
 (۲۶) بحار، ج ۶۰، ص ۲۱۳ .  
 (۲۷) همان، ص ۲۱۶ .  
 (۲۸) سفینه البحار، ج ۲، ص ۲۴۷ .  
 (۲۹) بحار، ج ۶۰، ص ۲۷۷ .  
 (۳۰) معجم الرجال الحديث، ج ۱۳، ص ۲۱۴ .  
 (۳۱) همان، ص ۱۵۸ .

فاطمه معصومه (سلام الله عليها) کیست ؟  
 بخش دوم : اجمالی از زندگانی حضرت فاطمه  
 معصومه (سلام الله عليها)  
 فاطمه معصومه (سلام الله عليها) کیست ؟  
 نام شریف آن بزرگوار فاطمه و القاب  
 ایشان " معصومه " ، " کریمه اهل بیت " ، "   
 سّی " ، و " فاطمه کبری " است. پدرش حضرت  
 موسی بن جعفر (علیه السلام) و مادرش نجمه  
 خاتون مادر حضرت رضا (علیه السلام)  
 است. (۳۲)

از ولادت تا هجرت :  
 آن حضرت اوّل ذی القعدة سال ۱۷۳ هـ . ق  
 در مدینه منوره به دنیا آمد. و در سنّ ۲۸  
 سالگی در روز دهم (۳۳) یابا دوازدهم  
 (۳۴) ربیع الثانی سال ۲۰۱ هـ . ق در شهر  
 قم از دنیا رفت.

سفر مقدّس به شهر مقدّس :  
 در سال ۲۰۱ هـ . ق ، یک سال پس از سفر  
 تبعیدگونه حضرت رضا (علیه السلام) به شهر  
 " مرو " حضرت فاطمه معصومه (سلام الله عليها)

همراه عده ای از برادران خود برای دیدار برادر و تجدید عهد با امام زمام خویش راهی دیار غربت شد. در طول راه به شهر ساوه رسیدند، ولی در آنجا عده ای از مخالفین اهل بیت با مأموران حکومتی همراهی نموده و با همراهان حضرت به نبرد و جنگ پرداختند که عده ای از همراهان حضرت در این حادثه غم انگیز به شهادت رسیدند. (۳۵) حضرت در حالی که از غم و حزن بسیار مریضه بود با احساس نا امنی در شهر ساوه فرمود: مرا به شهر قم ببرید، زیرا از پدرم شنیدم که فرمود: "شهر قم مرکز شیعیان ما می باشد"؛ (۳۶) سپس حضرت به طرف قم حرکت نمود. بزرگان قم وقتی از این خبر مسرت بخش مطلع شدند به استقبال آن حضرت شتافتند و در حالی که "موسی بن الخزرج" بزرگ خاندان "اشعری" زمام شتر آن مکرمه را به دوش می کشید؛ ایشان در میان شور و احساسات مردم قم وارد آن شهر مقدس شد و در منزل شخصی "موسی بن خزرج" اجلاس نزل فرمود. آن بزرگوار هفده روز در شهر ولایت و امامت به سر برد و در این مدت مشغول عبادت و راز و نیاز با پروردگار متعال بود و واپسین روزهای عمر پر برکت خویش را با خضوع و خشوع در برابر ذات پاک الهی به پایان رساند.

غروب مهتاب در شهر ستارگان :  
 سرانجام آن همه شوق و شور و شمع، از اجلاس نزول کواکب ولایت و توفیق زیارت بانویی از تبار فاطمه اطهر، با افول نجمه آسمان عصمت و طهارت، مبدل به دنیایی از حزن و اندوه شد، و این غروب غم انگیز عاشقان امامت و ولایت را در سوک و عزا نشانده. در رابطه با علت مریضی نابهنگام حضرت و مرگ زود رس آن بزرگوار گفته شده است که زنی در شهر ساوه ایشان

را مسموم نمود که این مطلب با توجه به درگیری دشمنان اهل بیت با همراهان حضرت و شهادت عده ای از آنها "در ساوه" و جو نامساعد آن شهر و حرکت نابهنگام آن بزرگوار در حال مریضی به سوی شهر قم، مطلبی قابل قبول می تواند باشد. آری آن حضرت که می رفت زینب وار با سفر پر برکتش سند گویایی بر حقانیت امامت رهبران راستین و افشاگر چهره نفاق و تزویر مأمونی باشد، و همانند قهرمان کربلا پیام آور خون سرخ برادری باشد که این بار مزورانه به قتلگاه (بنی عباس) برده می شد، ناگاه تقدیر الهی بر این شد که مرقد آن بزرگ حامی خط ولایت و امامت برای همیشه تاریخ، فریادگر مبارزه با ظلم و بی عدالتی ستم پیشگان دوران و الهام بخش پیروان راستین تشیع علوی در طول قرون و اعصار باشد.

#### مراسم دفن :

بعد از وفات شفیعه روز جزا آن حضرت را غسل داده و کفن نمودند، سپس به سوی قبرستان "بابلان" تشییع کردند ولی به هنگام دفن آن بزرگوار "به خاطر نبودن محرم" "آل سعد" دچار مشکل شدند و سرانجام تصمیم گرفتند که پیرمردی به نام "قادر" این کار را انجام دهد. ولی قادر و حتی بزرگان و صلحا، شیعه قم هم، لایق نبودند عهده دار این امر مهم شوند؛ چرا که معصومه اهل بیت را باید امام معصوم به خاک سپارد. مردم منتظر آمدن آن پیرمرد صالح بودند، که ناگهان دو سواره را دیدند که از جانب ریگزار به سوی آنان می آیند و قتی نزدیک جنازه رسیدند، پیاده شده و بر جنازه نماز خواندند و جسم پاک ریحانه رسول خدا را در داخل سردابی "که از قبل آماده شده

بود " دفن کردند و بدون اینکه با کسی تکلمی نمایند ، سوار شده و رفتند ، و کسی هم آنها را نشناخت (۳۷). به قول یکی از بزرگان هیچ بعید نیست که این دو بزرگوار ، امامان معصومی باشند که برای این امر مهمّ به قم آمدند. (۳۸) پس از پایان رسیدن مراسم دفن ، موسی بن الخزرج سایبانی از حصیر و بوریا بر قبر شریف آن بزرگوار برافراشت و این سایبان برقرار بود تا زمانی که حضرت زینب دختر امام جواد (علیه السلام) وارد قم شد و قبّه ای آجری بر آن مرقد مطهر بنا کرد. (۳۹) و بدین سان تربت پاک آن بانوی بزرگ اسلام قبله گاه قلوب ارادتمندان به اهل بیت (علیهم السلام) و دارالشفای دلسوختگان عا شق ولایت و امامت شد.

بخش سوم : فضائل و مناقب حضرت فاطمه معصومه (سلام الله علیها)  
از آنجا که معرفت و شناخت ائمه طاهرین و اولیاء مبین ، همان شناخت فضائل و کمالات نفسانی و آن بزرگواران است نه فقط آشنایی اجمالی با زندگینامه آنها ، در اینجا بعد از بیان اجمالی از زندگی کریمه اهل بیت (علیه السلام) به ذکر شمه ای از فضائل و مناقب آن حضرت می پردازیم :

شرافت خانوادگی :  
یکی از عالیترین فضائل آن حضرت انتساب ایشان به بیت وحی و رسالت و امامت است. او " بنت رسول الله (صلی الله علیه و آله) " و " بنت ولیّ الله " و " اخت ولیّ الله " و " عمّه ولیّ الله " است و این امر خود سرچشمه سایر فضائل و کمالات معنوی و روحانی آن بزرگوار می باشد که زندگی در جوار امامان معصومی همچون " موسی بن جعفر " و " علی بن موسی

الرّضا" (عليه السلام) و بهره مند بودن از تعاليم عاليه آن رهبران راه نور و سعادت ، خود عامل اساسي در تعالي روح و تكامل درجات علمي و عملي آن حضرت بوده است. بنابراین مي توان آن حضرت را الگو و نموداري از فضائل اهل بيت (عليه السلام) دانست.

#### عبادت آن حضرت :

بنا به تصريح آيه كريمه قرآن ، هدف از خلقت انسان چيزي جز عبادت و بندگي خداوند متعال نيست كه : *وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ* " (٤٠) : جن و انس را بيا فرديدم جز براي اين كه عبادتم كنند) و از اين طريق تكامل يافته و به من نزديك شوند). " . آنان كه به اين هدف پي بردند در راه رسيدن به عاليترين مرتبه آن كه حصول يقين و اطمينان و نفس مطمئنه شدن است، سر از پا نمي شناسند و بهترين ساعات زندگي خود را زمان عبادت و راز و نیاز به درگاه ذات بي نیاز مي دانند و در خلوت شب سر بر آستان دوست مي نهند و راز دل با محبوب خویش مي گویند و عاشقانه با او به گفتگو مي نشینند و به اين آرزو زنده اند كه در حال نماز و راز و نیاز به ملاقات حق بشتابند و مخاطب حضرتش قرار گیرند كه : *" يَا أَيُّهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّةُ ارْجِعِي إِلَيَّ رَاضِيَةً مَرْضِيَّةً "* (٤١) : " اي روح آرامش يافته به سوي پروردگارت برگرد در حالي كه هم تو از او خشنودي و هم او از تو خشنود است". يكي از عاليترين نمونه هاي عبادت و بندگي خدا از خاندان ولايت و امامت ، كريمه اهل بيت فاطمه معصومه (سلام الله عليها) است. او كه عبادت و شب زنده داري هفده روزه اش در واپسين روزهاي عمر شريفش ، گوشه اي از يك عمر عبوديت و

خضوع و خشوع آن زاده عبد صالح خدا در برابر ذات پاك الهي است و اين بيت النور (٤١A) و معبد و محراب به يادگار مانده آن صفيه الله است كه - از بركات راز و نیازهاي شبانه آن بضعه موسي (عليه السلام) - تا دامنه قيامت هدايتگر و الهام بخش بندگان عاشق عبادت و ولايت مي باشد و چه خوش سروده اند اهل ذوق كه: اين جاىگاه كه آنقدر منور است اين سجده گاه دختر موسي بن جعفر است و بر سر در آن مكان مقدس اين دو بيت به چشم مي خورد كه :

شده بنياد اين كاخ منور به پاس دختر موسي بن جعفر  
عبادتگاه معصومه است اينجا كز اينجا  
قم شرافت يافت ديگر (٤٢)

عالمه و محدّثه اهلبيت (عليهم السلام):  
در فرهنگ اسلامي محدّثان راستين همواره از حرمت و منزلت ويژه اي برخوردار بوده اند؛ محدّثان و راويان در حفظ و حراست از گنجينه هاي معارف و ارزش هاي ديني و ذخاير گرانمايه مكتب تشييع و رشد و تعالي فرهنگ غني اسلامي نقش اول را داشته اند و حامل ودائع و امانت هاي گرانقدر الهي و رازدار اسرار آل رسول بوده اند يكي از والاترين عناويني كه نشان دهنده بلندي مرتبه علم و آشنائي كريمه اهل بيت (عليه السلام) با معارف بلند اسلام و مكتب حياتبخش تشييع است؛ محدّثه بودن آن حضرت مي باشد كه بزرگان علم حديث احاديث و روايات رسیده از آن حضرت را در كتابهاي خود نقل نموده اند، رواياتي كه به خاطر داشتن مضموني ولايي خود شاهد صدقي بر ولايت محوري بودن آن محدّثه آل طه و عالمه

آل محمد (صلی الله علیه وآله) می باشند که در جای خود این روایات ذکر خواهند شد.

او معصومه است :

گرچه مقام عصمت از گناه و مصون بودن از لغزشها " در عین قدرت برخط" مقامی است خاص انبیاء عظام و اوصیاء آنان به ویژه چهارده معصوم پاک (علیه السلام) ؛ ولی بودند کسانی که به دلیل طاعت و بندگی مخلصانه پروردگار و اطاعت و پیروی کامل از رهروان راه پاکی و وارستگی به درجه ای از تقوی و طهارت روحی رسیدند که از معاصی و رذایل اخلاقی دور مانده و دامن روح و جان خویش را از ناپاکی ها زدودند . فاطمه معصومه (سلام الله علیها) که خود پرورش یافته مکتب ائمه طاهرین (علیه السلام) و یادگار صاحبان آیه تطهیر است ، نمونه عالی از طهارت و پاکی است به گونه ای که خاص و عام او را بعنوان معصومه شناخته اند تا بدانجا که بعضی از بزرگان (۴۳) ایشان را فردی برخوردار از طهارت ذاتی و تالی تلو معصومین (علیه السلام) دانسته و حضرت رضا (علیه السلام) به ایشان لقب معصومه داده و فرمود: " مَنْ زَارَ الْمَعْصُومَةَ بِقَمِّ كَمَنْ زَارَنِي " : (۴۴) کسی که " فاطمه معصومه " را در قم زیارت کند مثل آن است که مرا زیارت کرده باشد" . و در یکی از فرازهای زیارت دوم حضرت آمده است که : "السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الطَّاهِرَةُ الْحَمِيدَةُ الْبَرَّةُ الرَّشِيدَةُ النَّقِيَّةُ النَّقِيَّةُ " : (۴۵) " سلام بر تو ای بانوی پاک و ستایش شده ، نیکوکردار و هدایت شده ، پرهیزگار و ارسته " .

کریمه اهل بیت (علیه السلام) :

انسان در اثر عبادت و بندگی خداوند متعال می تواند به جایی برسد که مظهر

اراده حق و واسطه فیض الهی گردد ؛ این ثمره عبودیت و اطاعت کامل از ذات اقدس الهی است چنانچه خود در حدیث قدسی می فرماید : " يَا بَنَ آدَمَ اَنَا اَقُوْلُ لِلشَّيْءِ كُنْ فَيَكُوْنُ ، اَطْعِنِي فَيَمَا اَمْرُكَ اَجْعَلُكَ تَقُوْلُ لِلشَّيْءِ كُنْ فَيَكُوْنُ " : (٤٦) " فرزند آدم ... مرا اطاعت کن تا تو را چنان نمایم که ( به عنایت من ) هر آنچه را اراده کنی همان شود ". امام صادق (علیه السلام) هم می فرماید : " اَلْعُبُوْدِيَّةُ جَوْهَرَةٌ كُنْهَهَا الرُّبُوْبِيَّةُ " : (٤٧) " بندگی خداوند گوهری است که نهایت و باطن آن فرمانروایی بر موجودات است ". اولیاء خداوند متعال که در راه بندگی و اطاعت گوی سبقت را از دیگران ربوده و این راه را خالصانه پیموده اند هم در زندگی پر برکت خویش و هم بعد از آن ، منشأ کرامات و عنایاتی بوده اند که آثار یک عمر اخلاص و وارستگی آنهاست. و از دیر زمان آستان قدس فاطمی منشأ هزاران کرامت و عنایت ربّانی بوده است و چه قلب های ناامیدی که سرشار از امید به فضل و کرم الهی و چه دست های تهی که سرشار از رحمت ربّوبی و چه انسانهای بریده از همه جا و نا امید از همه کس که با دلی شاد و روحی پیوسته به ابدیت از درگاه پر فیض و کرم این کریمه اهل بیت (علیه السلام) برگشته و برای خود زندگی بر اساس ایمانی مستحکم به ولای اولیاء حق، بنا نهادند . این ها همه ، نشانه بزرگی و عظمت روح آن بنده شایسته و پیوسته به منبع فیض و کرم بی پایان خدای فیاض و کریم است . " نمونه هایی از کرامات آن بزرگوار به زودی ذکر خواهد شد . "

مقام شفاعت آن حضرت :



شکي نيست که داشتن حق شفاعت و رسيدن به اين مقام عظيم ، شايستگي لازم را مي طلبد چرا که خداوند شفاعت کساني را مي پذيرد که مأذون و مجاز از طرف او باشند " يَوْمَئِذٍ لَا تَنْفَعُ الشَّفَاعَةُ إِلَّا مَنْ أَذِنَ لَهُ الرَّحْمَنُ " : (٤٨) " روز قيامت شفاعت کسي فايده نبخشد جز آن که خدا اجازه شفاعتش داده باشد " . و اين اذن به کساني داده مي شود که به مرتبه عالي از قرب الهي و بندگي خالصانه پروردگار رسيده باشند که در رأس آنها انبياء و ائمه معصومين (عليه السلام) هستند و بعد از آنها اين بندگان خالص حق و اولياء مقرب درگاه خدايند که هر کدام در حد مقام و درجه معنوي خويش حق شفاعت دارند " از علماء و شهداء و فرزندان شايسته امامان معصوم (عليه السلام) " . از جمله کساني که به شفيعه بودنش در روايات و آثار ديني تصريح شده است ، فاطمه معصومه (سلام الله عليها) است : امام صادق (عليه السلام) مي فرمايد : " تَدْخُلُ بِشَفَاعَتِهَا شَيْعَتِي الْجَنَّةَ بِأَجْمَعِهِمْ " : (٤٩) " به شفاعت او ( فاطمه معصومه ) همه شيعيانم وارد بهشت خواهند شد " . و در زيارت آن حضرت به " دستور امام معصوم (عليه السلام) " گفته مي شود که : " يَا فَاطِمَةُ اشْفَعِي لِي فِي الْجَنَّةِ " : " اي فاطمه معصومه ! براي من نزد خدا درباره بهشت شفاعت کن " . و اين خود نشان دهنده شأن و مقام بسيار عظيم آن شفيعه روز جزا است چنانچه در فراز ديگري از زيارت مخصوص آمده است که : " فَإِنَّ لَكَ عِنْدَ اللَّهِ شَأناً مِنَ الشَّأْنِ " . (٥٠) يعني : اين که ما از تو طلب شفاعت مي نماييم به خاطر اين است که تو در محضر الهي شأن و منزلت وصف ناپذير داري ، که بر خاک نشينان اين عالم قابل تصور نيست و تنها خدا و پيامبر و اوصياء طاهرينش بر آن واقفند .

فضیلت زیارت حضرت :

روایات درباره فضیلت زیارت آن بانوی برگزیده اسلام بهترین سند در رابطه با فضایل آن بزرگوار است ، که امامان معصوم پیروان خود را تشویق و توصیه به زیارت مرقد نورانی ایشان فرمودند و پاداش عظیمی برای آن بیان کردند که چنین پاداشی در باب زیارت اولاد موسی بن جعفر (علیه السلام) بعد از حضرت رضا (علیه السلام) بی سابقه است ؛ ما در اینجا چند روایت را ذکر می کنیم : ۱- امام رضا (علیه السلام) فرمود : " مَنْ زَارَهَا فَلَهُ الْجَنَّةُ " : ( ۵۱ ) " کسی که ( فاطمه معصومه ) را زیارت کند سزاوار بهشت خواهد بود " . ۲- امام جواد (علیه السلام) فرمود : " مَنْ زَارَ قَبْرَ عَمَّتِي بِقُمْ فَلَهُ الْجَنَّةُ " : ( ۵۲ ) " کسی که قبر عمه ام را در قم زیارت کند سزاوار بهشت است " . ۳- امام رضا (علیه السلام) فرمود : " مَنْ زَارَهَا عَارِفًا بِحَقِّهَا فَلَهُ الْجَنَّةُ " : ( ۵۳ ) " کسی که ( فاطمه معصومه ) را زیارت کند (درحالی که معرفت به حق او داشته باشد) پاداش او بهشت است " . ۴- امام صادق (علیه السلام) فرمود : " إِنَّ لِلَّهِ حَرَمًا وَهُوَ مَكَّةُ وَ لَيْلِرَسُولٍ حَرَمًا وَهُوَ الْكُوفَةُ وَ لَنَا حَرَمًا وَهُوَ قُمْ وَ سَتُدْفَنُ فِيهَا امْرَأَةٌ مِنْ وَلَدِي تُسَمَّى فَاطِمَةَ ، مَنْ زَارَهَا وَجَبَتْ لَهُ الْجَنَّةُ " : ( ۵۴ ) " برای خدا حرمی است و آن مکه است و برای رسول خدا (صلی الله علیه وآله) حرمی است و آن مدینه می باشد و برای امیرالمؤمنین (علیه السلام) حرمی است و آن کوفه است و برای ما حرمی است و آن شهر قم می باشد و بزودی زنی از فرزندان من در آنجا دفن خواهد شد که نامش ( فاطمه ) است ؛ هر کس او را زیارت کند بهشت بر او واجب خواهد

شد " . این روایت با توجه به اینکه قبل از ولادت موسی بن جعفر (علیه السلام) از امام صادق (علیه السلام) صادر شده است دلیل بسیار روشنی است بر اینکه آمدن حضرت فاطمه معصومه به قم و دفن آن بزرگوار در حرم اهل بیت جزء اسرار غیبی بوده و تحقق آن خود دلیل روشنی بر حقانیت مکتب امامان معصوم (علیه السلام) می باشد.

قال رسول الله (صلى الله عليه وآله): " إِنَّي تَارِكٌ فِيكُمْ الثَّقَلَيْنِ أَمَا إِنْ تَمَسَّكْتُمْ بِهِمَا لَنْ تَضِلُّوا كِتَابَ اللَّهِ وَعِثْرَتِي . . . . " ( ۵۵ ) . پیامبر اسلام در واپسین روزهای عمر خویش درحالی که امواج سهمگین فتنه و نفاق را فرا روی امت اسلامی نظاره می کرد و نگران آینده جامعه اسلامی بود با ابلاغ پیامی هدایتگر پرده های فریب و نفاق را کنار زد و کشتی نجات را به گاه هجوم امواج فتنه ها معرفی فرمود و ساحل نجات را بر همگان ارائه نمود. آخرین پیام حضرت چیزی جز همان حدیث ثقلین نبود ؛ که در آن هدایت رهروان خویش را در گرو تمسک به قرآن و عترت قرار داد و آن دو را تنها محور اساسی شریعت و یگانه عامل بقای دیانت دانست.

این همه نبود جز برای این که راه دست یابی به احکام و معارف نورانی قرآن کریم روشن شود و راه ورود بدعت ها و اندیشه های شیطانی دنیا پرستان در متن دین مسدود گردد. چراکه این معارف قرآنی برگرفته از عارفان راستین حقایق دینی است که جامعه دینی را از سرچشمه حیاتبخش آن کتاب انسان ساز سیراب و منافقان و دین سازان طول تاریخ را از رسیدن به اهداف شوم خود محروم می سازد. با این همه ، شب پرستان روزگار نبوی بعد از رحلت رسول خدا (صلى الله عليه وآله) به

همراهي و همآوایي مردمانی سست باور ،  
ندای شوم " حسينا کتاب الله " سر دادند و  
از همراهی قرآن و عترت جلوگیری کردند و  
در راه نیل به اهداف شیطانی ایشان چه  
سخنان نورانی نبوی که سوخته شد و چه  
دُرهای گرانبهائی که ناگفته در سینه ها  
ماند و چه فریادگران حدیث نور که از جور  
زمانه لب فرو بسته و از دیار وحی رانده  
شده و در صحرای غربت جان سپردند. زبان  
بریده میثم بر دار رفته و پیکر بی دست و  
پای رشید هجری و تن تفتیده ابوذر در  
غربت آباد ربذه خود گواه بی نهایت ستمی  
است که در حق اهل بیت و پیروان راستینش  
روا داشتند. اما در این دوران غمبار  
غربت عترت هم ، منادیان حق و راویان  
آگاه شیعه از پای نشسته و چوبه دار بر  
دوش سخنان نورانی و فضایل اهل بیت را  
ترویج می نمودند تا آن که دوران جدایی  
قرآن و عترت به سرآمد و هرکدام جایگاه  
حقیقی خویش را یافت و برای حاملان راستین  
وحی الهی فرصتی فراهم آمد و در عصر  
صادقین (علیه السلام) سرچشمه فیاض علوم  
اهل بیت جوشیدن گرفت و تشنگان معارف  
الهی از آب زلال کوثر قرآن و عترت سیراب  
گردیدند. از آن دوران، تربیت یافتگان  
مکتب امامت بر ثبت و نشر سخنان دربار  
خاندان رسالت همت گماشتند و با ترویج  
آثار ارزشمند امامان معصوم (علیه السلام)  
مبانی اعتقادی جامعه و پایگاه ارزشهای  
دینی را تحکیم بخشیدند ، و در طول قرون  
و اعصار هویت دینی امت مسلمان را حفظ و  
از شریعت نبوی و مکتب علوی پاسداری  
نمودند. که از جمله این پاسداران امین  
گنجینه های گرانقدر ولایت و امامت محدثه  
آل طه حضرت فاطمه معصومه (سلام الله علیها)  
است که چندین روایت را درباره ولایت نقل

فرموده است که به بیان آنها می پردازیم  
:

- -----
- پاورقی ها:
- (۳۲) دلائل الامامه , ص ۳۰۹ .
- (۳۳) وسیله المعصومیّه , ص ۶۵ به نقل  
از نزهةالابرار.
- (۳۴) مستدرک سفینه البحار , ج ۸ , ص  
۲۵۷ .
- (۳۵) زندگانی حضرت معصومه , مهدي  
منصوري , ص ۱۴ ( به نقل از رياض الانساب  
, تأليف ملك الكتاب شيرازي ).
- (۳۶) دریای سخن , سقزاده تبریزی , نقل  
از ودیعه آل محمد , محمد صادق انصاری ,  
ص ۱۲ .
- (۳۷) تاریخ قدیم قم , ص ۲۱۴ .
- (۳۸) آیه الله فاضل لنکرانی " دام ظلّه " .
- (۳۹) سفینه البحار , ج ۲ , ص ۳۷۶ .
- (۴۰) سوره مبارکه ذاریات, آیه ۵۷ .
- (۴۱) سوره مبارکه فجر , آیه ۲۸ - ۲۷ .
- (۴۱A) بیت النور, همان حجره ای است که  
آن حضرت در مدّت اقامت هفده روزه اش در  
منزل موسی بن خزرج , در آنجا مشغول  
عبادت بود که هم اکنون هم این حجره در  
میدان میر , خیابان چهار مردان و در  
کنار مدرسه سئیه برقراراست و مورد توجه  
دوستان اهل بیت (علیه السلام) می باشد  
.
- (۴۲) فاطمه بنت موسی بن جعفر (علیه  
السلام) , محمد هادی الامینی , ص ۱۴۱ .
- (۴۳) آیه الله حسن زاده آملی, درهمایش  
بررسی شخصیت فاطمه معصومه (سلام الله علیها)  
, دانشگاه قم .
- (۴۴) ناسخ التواریخ , ج ۷ ص ۳۳۷ .

- (٤٥) انوارالمشعشين ، شيخ محمد علي قمي ، ص ٢١١ .
- (٤٦) مستدرک الوسائل ، ج ٢ ، ص ٢٩٨ .
- (٤٧) مصباح الشريعه ، باب ١٠٠ .
- (٤٨) طه ، آيه ١٠٩ .
- (٤٩) سفينه البحار ، ج ٢ ، ص ٣٧٦ .
- (٥٠) بحار ، ج ١٠٢ ، ص ٢٦٦ .
- (٥١) بحار ، ج ١٠٢ ، ص ٢٦٥ .
- (٥٢) همان .
- (٥٣) همان ، ص ٢٦٦ .
- (٥٤) همان ، ص ٢٦٧ .
- (٥٥) بحار ، ج ٢٣ ، ص ١٤١ .

٢

حديث غدير و منزلت بخش چهارم :  
رواياتي از حضرت فاطمه معصومه (سلام الله عليها)

حديث غدير و منزلت:

١- ... عَنْ فَاطِمَةَ بِنْتِ عَلِيٍّ بْنِ مُوسَى الرُّضَا ، حَدَّثَنِي فَاطِمَةُ وَ زَيْنَبُ وَ أُمُّ كُلْثُومِ بَنَاتِ مُوسَى بْنِ جَعْفَرِ (عليه السلام) قُلْنَ حَدَّثَنَا فَاطِمَةُ بِنْتُ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدِ الصَّادِقِ ، حَدَّثَنِي فَاطِمَةُ بِنْتُ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ ، حَدَّثَنِي فَاطِمَةُ بِنْتُ عَلِيٍّ بْنِ الْحُسَيْنِ ، حَدَّثَنِي فَاطِمَةُ وَ سَكِينَةُ ابْنَتَا الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ أُمِّ كُلْثُومِ بِنْتِ فَاطِمَةَ بِنْتِ رَسُولِ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) ... قَالَتْ: " أَنْسَيْتُمْ قَوْلَ رَسُولِ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) يَوْمَ غَدِيرِ خُمٍّ : " مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَعَلِيٌّ مَوْلَاهُ " . وَ قَوْلُهُ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) : " أَنْتَ مِنِّي بِمَنْزِلَةِ هَارُونَ مِنْ مُوسَى " : (٥٦) " فاطمه دختر حضرت رضا نقل مي کند از فاطمه ( معصومه (سلام الله عليها) و زينب و ام كلثوم (دختران موسي بن جعفر (عليه السلام)) و آنها از فاطمه (دختر امام صادق (عليه السلام)) و او از فاطمه (دختر امام باقر (عليه السلام)) و ايشان از فاطمه (دختر امام سجّاد (عليه السلام))

و او از فاطمه و سکینه ( دختران امام حسین (علیه السلام)) و آنها از امّ کلثوم ( دختر فاطمه زهرا (علیه السلام)) و او از فاطمه زهراء (علیه السلام) نقل می کند که آن حضرت ( به مردم ) فرمود: " آیا فراموش کردید فرمایش رسول خدا (صلی الله علیه و آله) را " در روز غدیر" ؟ که ( به شما ) فرمود: هرکس من مولي ( و رهبر ) اویم پس علي ( بعد از من ) مولي ( و رهبر ) اوست. و آیا فراموش کردید این فرمایش حضرت را ؟ که فرمود: ( یا علی ) نسبت تو به من همانند نسبت هارون به موسی (علیه السلام) است". ( یعنی : تویی وصی و جانشین من ).

حدیث دوستی آل محمد (علیه السلام) :

۲- حضرت فاطمه معصومه (سلام الله علیها) از فاطمه دختر امام صادق (علیه السلام) و او از فاطمه دختر امام باقر (علیه السلام) و او از فاطمه دختر امام سجّاد (علیه السلام) و او از فاطمه دختر امام حسین (علیه السلام) و او از زینب دختر امیرالمؤمنین (علیه السلام) و او از فاطمه زهرا (علیه السلام) نقل می کند که رسول خدا (صلی الله علیه و آله) فرمود : " الْأَمَنُ مَاتَ عَلَيَّ حُبُّ آلِ مُحَمَّدٍ مَاتَ شَهِيداً " : (۵۷) " بدانید که هر کس با محبت آل محمد بمیرد ، شهید مرده است".

مقام و منزلت امام علي (علیه السلام) و شیعیان آن حضرت :

۳- فاطمه معصومه (سلام الله علیها) ( به همان سند روایت اول) نقل می کند از فاطمه زهراء (علیه السلام) که پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله) فرمود : " در شب معراج ، داخل بهشت شدم ، آنجا قصري دیدم از دُرّ میان خالی ، که داراي دري بود آراسته به

دُرّ و یاقوت و بر آن در پرده ای آویخته بود ؛ من سرم را بلند کردم ، دیدم بر آن نوشته شده است : " لا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ ، مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ ، عَلِيٌّ وَلِيُّ الْقَوْمِ " : " خدایي جز خدایي یکتا نیست ؛ محمد فرستاده خدا است ؛ علي ولي ( و رهبر ) مردم است ". و بر پرده نوشته بود : " بَخٌّ ، بَخٌّ ، مَنْ مِثْلُ شِيعَةِ عَلِيٍّ ؟ " : " به به ، کیست مانند شیعه علي ( علیه السلام ) ؟ " ؛ داخل آن قصر شدم ، در آنجا قصري از عقیق سرخ میان خالی دیدم که دري داشت از نقره که به " زبر جد " سبز مزین بود و بر آن در نیز پرده ای آویخته بود ، به بالا نگاه کردم ، دیدم بر آن در نوشته شده : " مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ ، عَلِيٌّ وَصِيُّ الْمُسْطَفِيِّ " : " محمد رسول خداست ، علي جانشین " محمد " مصطفی است ". و بر پرده نوشته شده بود : " بَشْرُ شِيعَةِ عَلِيٍّ بِطَيْبِ الْمَوَ لِدِ . . . " . " بشارت بده شیعیان علي را به (حلال زادگي) " ؛ داخل آن قصر شدم ، قصري از زبر جد سبز میان خالی دیدم که بهتر از آن ندیده بودم ؛ این قصر دري داشت از یاقوت سرخ که آراسته به لؤلؤ بود و بر آن در پرده ای آویخته بود ؛ سرم را بلند کردم ، دیدم بر پرده نوشته شده : " شِيعَةُ عَلِيٍّ هُمُ الْفَائِزُونَ " . " تنها شیعیان علي رستگارند ". گفتم : اي جبرئیل این قصر برای کیست ؟ گفت : برای پسر عمو و جانشین تو علي بن ابي طالب است و همه مردم در روز قیامت عریان و پابرهنه محشور می شوند مگر شیعیان علي . . . . " ( ۵۸ ) .

قم دیار ابرار:

۴- حضرت معصومه (سلام الله علیها) وقتی در ساوه مریض شد به همراهانش فرمود : مرا به قم ببرید زیرا از پدرم شنیدم که



فرمود : " قم مرکز شیعیان ما می باشد " .  
( ۵۹ )

بخش پنجم : کرامات کریمه اهل بیت  
( علیه السلام )

از آنجا که فاطمه معصومه ( سلام الله علیها ) از خاندانی است که در زیارت جامعه خطاب به ایشان آمده است : " عَادَتْكُمْ الْإِحْسَانُ وَ سَجِيَّتُكُمْ الْكِرَمُ " ( ۶۰ ) کرامات و عنایات آستان مقدسش فراوان و شامل حال خاص و عام بوده است : از بزرگانی همچون ملاًصدرا و آیه الله بروجردی گرفته تا آن مسلمان عاشقی که از دور افتاده ترین کشور اسلامی به عشق زیارت و به امید عنایت به حریم قدس او راه یافته ، همگی را مورد عنایت کریمانه خود قرار داده است ؛ ولی با کمال تأسف این کرامات تا کنون ثبت و ضبط نشده است ، ما هم نمونه هایی برگزیده از کرامات آن حضرت را در اینجا می آوریم ؛ به امید آن که مجموع کرامات آن حضرت در اثری مستقل گردآوری شود .

کراماتی به نقل از آیه الله العظمی اراکی  
رحمة الله :

ایشان درباره خودشان فرمودند : " دستم ورم می کرد و پوست آن ترک بر می داشت به طوری که نمی توانستم وضو بگیرم و ناچار بودم برای نماز تیمم کنم و معالجات هم بی اثر بود تا اینکه به حضرت معصومه ( سلام الله علیها ) متوسل شدم و به من الهام شد که دستکش بدست کنم ، همین کار را کردم ؛ دستم خوب شد " .

ایشان فرمودند : " آقا حسن احتشام ( فرزند مرحوم سید جعفر احتشام که هر دو از منبری های قم بودند ) نقل می کرد از آ شیخ ابراهیم صاحب الزمانی تبریزی ( که

مرد با اخلاصی بود ( که من شبی در خواب دیدم بحرم مشرف شدم خواستم وارد شوم گفتند حرم قرق است برای اینکه فاطمه زهرا (علیه السلام) و حضرت معصومه (سلام الله علیها) در سر ضریح خلوت کرده اند و کسی را راه نمی دهند. من گفتم : مادرم سیده است و من محرم هستم ، به من اجازه دادند ، رفتم دیدم که بله این دو نشسته اند و در بالای ضریح با هم صحبت می کنند از جمله صحبت ها این بود که حضرت معصومه (سلام الله علیها) به حضرت زهرا (علیه السلام) عرض کرد : حاج سید جعفر احتشام برای من مدحی گفته است و ظاهراً آن مدح را برای حضرت می خواند. آشوخ ابراهیم این خواب را در جلسه دوره ای اهل منبر که حاج سید جعفر احتشام هم در آن حضور داشت نقل می کند ؛ حاج احتشام می گوید : از آن شعرها چیزی یادت هست ؟ گفت : بله در آخر شعر داشت ( دخت موسی بن جعفر ) تا این را گفت ، حاج احتشام شروع کرد بگریه کردن و گفت : بله توی اشعار من این کلمه است". " حاج سید جعفر احتشام منبری با حالی بود و موقع روضه خواندن خودش هم گریه می کرد و بگآء بود و بسیار گریه می کرد ". آقا حسن احتشام فرزند ایشان می گوید : " به ایشان گفتیم شما در آخر شعرتان يك تخلصی داشته باشید مانند سایر شعرا " ، قبول نکرد تا با اصرار این شعر را گفت : ای فاطمه بجان عزیز برادرت براحتشام لطف نما قصر اخضری ایشان گفت : " قصر اخضر را لطف کردند". گفتم "چطور ؟" گفت : " همانجا که آقای مرعشی رحمه الله سجاده می انداختند ، آنجا را گچ کاری کردند و سنگ مرمر سبز رنگ قرار دادند ، و قبر حاج احتشام در همان قسمت از مسجد بالاسر است این بود قصر اخضری که به ایشان عطا شد".

\* آقای حاج شیخ حسن علی تهرانی رحمه الله ( جدّ مادری آقای مروارید ) که از علماء بزرگ و شاگردان فاضل میرزای شیرازی محسوب می شدند و حدود ۵۰ سال در نجف به تحصیل علوم اشتغال داشتند ، ایشان برادری داشت بنام حاج حسین علی شال فروش که از تجار بازار بوده در تمام مدّتی که حاج شیخ مشغول تحصیل بودند ایشان ماهی ۵۰ تومان به او شهریه می داد تا اینکه برادر تاجر فوت می کند و جنازه او را به قم حمل می کنند و در آنجا دفن می نمایند . حاج شیخ حسن علی ( که در اواخر عمر در مشهد ساکن بودند ) تلگرافی از فوت برادر مطلع می شود ، به حرم مشرف شده و به حضرت رضا عرض می کنند : " من خدمت برادرم را یکبار هم نتوانستم جبران نمایم جز همین که بیایم اینجا و از شما خواهش کنم که به خواهرتان حضرت معصومه (سلام الله علیها) سفارش ایشان را بفرمایید : تا کمک کاری ، بکند از برادرم " . همان شب یکی از تجار که از قضیه اطلاع نداشت خواب می بیند که به حرم حضرت معصومه (سلام الله علیها) مشرف شده و آنجا می گویند : که حضرت رضا (علیه السلام) هم به قم تشریف آوردند : یکی جهت زیارت خواهرشان ، و یکی جهت سفارش برادر حاج شیخ حسنعلی به حضرت معصومه (سلام الله علیها) . او معنای خواب را نمی فهمد و آن را با حاج شیخ حسنعلی در میان می گذارد و ایشان می فرمایند : " همان شب که شما خواب دیدی من ( در رابطه با برادرم ) به حضرت رضا متوسل شدم و این خواب شما درست است " . مرحوم آقا سید محمد تقی خوانساری پس از شنیدن این خواب فرمود :

از این خواب استفاده می شود که قم در حریم حضرت معصومه (سلام الله علیها) است ؛ باید حضرت امام رضا (علیه السلام) به قم

تشریف فرما شوند و سفارش برادر حاج شیخ حسنعلی را به حضرت بفرمایند و الا خود حضرت امام رضا (علیه السلام) مستقیماً در کار مداخله نمی کند چون این در محدوده حضرت معصومه است و مداخله در این محیط نمی شود". (۶۱)

جلال و جبروت فاطمه زهرا (علیه السلام) :

آقای شیخ عبدالله موسیانی (۶۲) نقل فرمودند به این که حضرت آیه الله مرعشی نجفی به طلاب می فرمود : " علّت آمدن من به قم این بود که پدر آسید محمود مرعشی نجفی ( که از زهاد و عبّاد معروف بود ) چهل شب در حرم حضرت امیر (علیه السلام) بیتوته نمود که آن حضرت را ببیند ، شبی در ( حال مکاشفه ) حضرت را دیده بود که به ایشان می فرماید : سید محمود چه می خواهی ؟ عرض می کند : می خواهم بدانم قبر فاطمه زهراء (علیه السلام) کجاست ؟ تا آن را زیارت کنم . حضرت فرموده بود : من که نمی توانم " بر خلاف وصیت آن حضرت " ، قبر او را معلوم کنم . عرض کرد : پس من هنگام زیارت چکنم ؟ حضرت فرمود : خدا جلال و جبروت حضرت فاطمه (علیه السلام) را به فاطمه معصومه (سلام الله علیها) عنایت فرموده است ، هر کس بخواهد ثواب زیارت حضرت زهرا (علیه السلام) را درک کند به زیارت فاطمه معصومه (سلام الله علیها) برود . آیه الله مرعشی می فرمودند : پدرم مرا سفارش می کرد که من قادر به زیارت ایشان نیستم اما تو به زیارت آن حضرت برو ، لذا من به خاطر همین سفارش، برای زیارت فاطمه معصومه (سلام الله علیها) و ثامن الأئمّه (علیه السلام) آمدم و به اصرار مؤسس حوزه علمیه قم ، حضرت آیه الله حائری در قم ماندگار شدم . آیه الله مرعشی در آن

زمان مي فرمودند : " شصت سال است كه هر روز من اول زائر حضرتم " .

عنايت حضرت به زوّار مرقدش :

آقاي شيخ عبدالله موسياني نقل كردند از حضرت آية الله مرعشي نجفي " كه شب زمستاني بود كه من دچار بي خوابي شدم ؛ خواستم حرم بروم ، ديدم بي موقع است ، آمدم خوابيدم و دست خود را زير سرم گذاشتم كه اگر خوابم برد خواب نمانم ، در عالم خواب ديدم خانمي وارد اطاق شد " كه قيافه او را به خوبي ديدم ولي آن را توصيف نمي كنم " به من فرمود : سيّد شهاب! بلند شو و به حرم برو ؛ عده اي از زوّار من پشت در حرم از سرما هلاك مي شوند ، آنها را نجات بده. ايشان مي فرمايند : من به طرف حرم راه افتادم ، ديدم پشت در شمالي حرم (طرف ميدان آستانه) عده اي زوّار اهل پاكستان يا هندوستان ( با آن لباسهاي مخصوص خودشان ) در اثر سردي هوا پشت در حرم دارند به خود مي لرزند ، در را زدم ، حاج آقا حبيب ( كه جزء خدام حضرت بود ) با اصرار من در را باز كرد ، من از مقابل و آنها هم پشت سر من وارد حرم شدند و در كنار ضريح آن حضرت به زيارت و عرض ادب پرداختند ؛ من هم آب خواستم و براي نماز شب و تهجد وضو ساختم " .

عنايت حضرت به زائر برادر :

آقاي شيخ عبدالله موسياني نقل مي كند : " كه ما عازم مشهد مقدس بوديم درحالي كه در آنجا به جهت جمعيت زياد زوّار منزل به سختي پيدا مي شد. من با اطلاع از اين جهت به حرم حضرت معصومه (سلام الله عليها) مشرف شدم و خيلي خودماني گفتم : بي بي جان ما عازم زيارت برادر شمائيم ،

خودتان عنایتي بفرمائید . ما عازم مشهد شدیم ، دیدیم منزل بسیار کمیاب است نزدیک حرم از تاکسی پیاده شدیم ، ناگهان دیدم جوانی از داخل کوچه به طرف من آمد و به من گفت : منزل می خواهید ؟ گفتم : بله ، گفت دنبال من بیا ، با او رفتم مرا داخل خانه اش برد ، اطاق بزرگ و خوبی را به ما داد ، ما وقتی در آنجا مشغول جابجایی و سایل بودیم ، خانم ایشان ما را برای نهار دعوت کرد ، بعد از تشرّف به حرم زیارت و نماز ، نهار را با آنها خوردیم . صبح روز بعد ، خانم از ما سؤال کرد : شما چند روز در اینجا هستید ؟ گفتم ده روز ، گفت ما به تهران می رویم ، این کلید خانه ، هر وقت که خواستید بروید ، کلید را بدهید به همسایه ما آقای رضوی ( یا رضوانی). گفتم : کرایه منزل چه می شود ؟ گفت ما صحبت آن را کرده ایم . ما خیال کردیم مقصود ایشان صحبت درباره کرایه است با آقای که بنا شد کلید را به او بدهیم . چند روزی گذشت کسی آمد در خانه و گفت : من رضوی ( یا رضوانی ) هستم ، شما هر وقت که خواستید به قم بروید ، کلید را پشت آینه داخل اطاق بگذارید و بروید. گفتیم : کرایه چه می شود ؟ گفت درباره کرایه با من صحبتی نکردند . ده روز ما تمام شد ، خواستیم برگردیم ، دیدیم بلیط ماشین را باید چند روز پیش تهیه می کردیم و الآن تهیه بلیط امکان ندارد ، خیلی ناراحت بودیم که من از صاحب ماشینی ( که در نزدیک منزل ما ، ماشین خودش را پارک می کرد و در مسیر " تهران - مشهد " مسافر جا به جا می کرد ) خواستم ما را هم با خودش تا تهران ببرد . او گفت : من فردا حرکت نمی کنم ولی فردا شما را به قم می فرستم ؛ فردا ما را تا گاراژ ماشین برد و به مسئول دفتر گفت :

اینها از ما هستند و می خواهند به قم بروند ، او هم موافقت کرد و در بهترین جای ماشین به ما تعداد صندلی مورد نیازمان را داد و ناباورانه " بی بی " وسیله برگشت مان را هم مانند " منزل درمشهد " فراهم کرد" (۶۳)

شفاي طلبه جوان نخجواني :  
حضرت آية الله مكارم شيرازي " دام ظلّه " می فرماید : " بعد از فروپاشي شوروي سابق و آزاد شدن جمهوريهاي مسلمان نشين ( و از آن جمله جمهوري نخجوان ) مردم شيعه نخجوان تقاضا کردند ، که عده اي از جوانان خود را به حوزه علميه قم بفرستند تا براي تبليغ در آن منطقه تربيت شوند . مقدمات کار فراهم شد و استقبال عجيبی از اين امر به عمل آمد. از بين ( سيصد نفر داوطلب ) پنجاه نفعي که معدّل بالايي داشتند و جامعترين آنها بودند براي اعزام به حوزه علميه قم انتخاب شدند . در اين ميان جواني - که با داشتن معدّل بالا ، به سبب اشکالي که در يکي از چشمانش وجود داشت انتخاب نشده بود - با اصرار فراوان پدر ايشان ، مسئول مربوطه ناچار از قبول ايشان شد ، ولي هنگام فيلمبرداري از مراسم بدرقه از اين کاروان علمي ، مسئول فيلمبرداري دوربين را روي چشم معيوب اين جوان متمرکز کرده و تصوير برجسته اي از آن را به نمايش گذاشت. جوان با ديدن اين منظره بسيار ناراحت و دل شکسته شد. وقتي کاروان به قم رسيد و در مدرسه مربوطه ساکن شدند اين جوان به حرم مشرف شده و با اخلاص تمام متوسّل به حضرتش مي شود ، و در همان حال خوابش مي برد . در خواب عوالمی را مشاهده کرده و بعد از بيداري می بیند چشمش سالم و بی عیب است . او بعد از شفا

یافتن به مدرسه بر می گردد ، دوستان او با مشاهده این کرامت و امر معجزه آسا ، دسته جمعی به حرم حضرت معصومه (سلام الله علیها) مشرف شده و ساعتها مشغول دعا و توسل می شوند . وقتی این خبر به نخجوان می رسد آنها مصرانه خواهان این می شوند که این جوان بعد از شفایا فتن و سلامتی چشمش به آنجا برگردد که باعث بیداری و هدایت دیگران و استحکام عقیده مسلمین گردد" . ( ۶۴ )

منبع فیض الهی :

مرحوم محدث قمی می فرماید از بعضی اساتید خود شنیدم که : " مرحوم ملاصدرای شیرازی به خاطر بعضی مشکلات از شیراز به قم مهاجرت فرمود و در قریه کهک اقامت نمود ؛ آن حکیم فرزانه هرگاه مطالب علمی بر او مشکل می شد به زیارت حضرت فاطمه معصومه می آمد و با توسل به آن بزرگوار مشکلات علمی برای ایشان حل می شد و از آن منبع فیض الهی مورد عنایت قرار می گرفت" . ( ۶۵ )

شفای مرد نصرانی :

مرحوم محدث نوری نقل فرمودند که : " در بغداد مردی نصرانی به نام "یعقوب" مبتلا به مرض استسقاء بود که از معالجه آن ناامید شده بودند و به طوری بدنش ضعیف شده بود که توان راه رفتن نداشت . او می گوید : مکرر از خدا مرگم را خواسته بودم تا آنکه در سال ۱۲۸۰ هـ . ق درعالم خواب سید جلیل القدر نورانی را دیدم که کنار تختم ایستاده ، و به من گفت : اگر شفا می خواهی باید به زیارت کاظمین بیایی . از خواب بیدار شدم و خوابم را به مادرم گفتم . مادرم که مسیحی بود گفت :



این خواب شیطانی است . دو مرتبه خوابم برد . این مرتبه زنی را در خواب دیدم با چادر و روپوش که به من گفت : برخیز که صبح شد آیا پدرم با شما شرط نکرد که او را زیارت کنی و ترا شفا بخشد ؟ گفتم پدر شما کیست ؟ گفت : " موسی بن جعفر " . گفتم شما کیستی ؟ فرمود : من معصومه خواهر رضا هستم . از خواب بیدار شدم و متحیر بودم که به کجا بروم ؛ به ذهنم آمد که بخدمت " سید راضی بغدادی بروم . به بغداد رفتم تا به در خانه او رسیدم ، درزدم ، صدا آمد کیستی ؟ گفتم در را باز کن . همین که سید صدایم را شنید به دخترش گفت : در را باز کن که یک نفر نصرانی است که آمده مسلمان شود . وقتی بر او وارد شدم گفتم : از کجا دانستید که من چنین قصدي دارم ؟ فرمود : جدم در خواب مرا از قضیه خبر داد . او مرا به کاظمین نزد شیخ عبدالحسین تهرانی برد ؛ داستان خود را برایش گفتم ، دستور داد مرا به حرم مطهر حضرت کاظم (علیه السلام) بردند و مرا دور ضریح طواف دادند عنایتی نشد ؛ از حرم بیرون آمدم احساس تشنگی کردم ؛ آب آشامیدم ، حالم منقلب شد و روی زمین افتادم ، گویا کوهی بر پشتم بود و از سنگینی آن راحت شدم . ورم بدنم از بین رفت و زردي صورتم به سرخي مبدل شد و دیگر اثری از آن مرض ندیدم . خدمت شیخ بزرگوار رفتم و به دست ایشان مسلمان شدم ... " ( ۶۶ )

شفای مفلوج :

حجة السلام و المسلمین آقای شیخ محمود علمی اراکی نقل کرد که : " من خودم مکرر دیدم شخصی را که " از پا عاجز و ناتوان بود که پاهایش جمع نمی شد و قسمت پایین بدن را روی زمین می کشید و با تکیه به

دو دست حرکت می کرد " از حالش پرسیدم اهل یکی از شهرهای قفقاز شوروی بود ، گفت : رگهای پایم خشکیده است و قادر به راه رفتن نیستم ؛ رفتم مشهد از حضرت رضا شفا بگیرم نتیجه ای نگرفتم ؛ آمده ام اینجا (قم) انشاء الله شفا بگیرم . در یکی از شبهای ماه رمضان بود ، شنیدیم نقارخانه حرم (طبق معلوم) به صدا در آمد و گفتند : بی بی شخص فلجی را شفا داده است ؛ ما که بعداً با درشکه با چند نفر از همراهان به اراک می رفتیم در شش فرسخی اراک ، همان شخص ناتوان را دیدم با پاهای صحیح و سالم عازم کربلا است و معلوم شد که آن روز او بوده که شفا گرفته ، او را به درشکه سوار کردیم و تا اراک همراه ما بود " . (۶۷)

شفای پادرد و تقدیر از عزاداران اهل بیت (علیه السلام) :

حضرت آیه الله حاج شیخ مرتضی حائری نقل فرمودند که : " شخصی بود به نام آقا جمال ، معروف به " هژبر " ، دچار پا درد سختی شده بود به طوری که برای شرکت در مجالس ، بایستی کسی او را به دوش می گرفت و کمک می کرد ، عصر تا سوعا آقایی هژبر به روضه ای که در مدرسه فیضیه از طرف آیه الله حائری تشکیل شده بود ، آمد . آقا سید علی سیف (خدمتگزار مرحوم آیه الله حائری) که نگاهش به او افتاد به او پرخاش کرد که : سید این چه بساطی است که در آورده ای ، مزاحم مردم می شوی ، اگر واقعاً سیدی برو از بی بی شفا بگیر . آقا هژبر تحت تأثیر قرار گرفت و در پایان مجلس به همراه خود گفت : مرا به حرم مطهر ببر ، پس از زیارت و عرض ادب با دل شکسته حال توجه و توسلی پیدا کرد و سید

را خواب ربود. در خواب دید کسی به او می گوید : بلند شو . گفت : نمی توانم . گفته شد : می توانی بلند شو و عمارتی را به او نشان داده و گفت : این بنا از حاج سید حسین آقا ست که برای ما روضه خوانی می کند ، این نامه را هم به او بده . آقای هژبر ناگهان خود را ایستاده دید که نامه ای در دست دارد و نامه را به صاحبش رساند و می گفت : ترسیدم اگر نامه را نرسانم درد پا برگردد و کسی از مضمون نامه مطلع نشد حتی آیه الله حائری ، ایشان فرمودند : که از آن به بعد آقای هژبر عوض شد گوئی از جهان دیگریست و غالباً در حال سکوت و یا ذکر خدا بود " (۶۸).

نجات گمشده و عنایت به زائرین :  
 خادم و کلیددار حرم و مکبر مرحوم آقای روحانی ( که از علمای قم و امام جماعت مسجد امام حسن عسکری (علیه السلام) بوده اند ) می گوید : " شبی از شبهای سرد زمستان در خواب حضرت معصومه (سلام الله علیها) را دیدم که فرمود : بلند شو و بر سر مناره ها چراغ را روشن کن . من از خواب بیدار شدم ولی توجهی نکردم . مرتبه دوم همان خواب تکرار شد و من بی توجهی کردم در مرتبه سوم حضرت فرمود : مگر نمی گویم بلند شو و بر سر مناره چراغ روشن کن ! من هم از خواب بلند شده بدون آنکه علت آنرا بدانم در نیمه شب بالای مناره رفتم و چراغ را روشن کردم و برگشته خوابیدم . صبح بلند شدم و درب های حرم را باز کردم و بعد از طلوع آفتاب از حرم بیرون آمدم با رفقایم کنار دیوار و زیر آفتاب زمستانی نشسته ، صحبت می کردیم که متوجه صحبت چند نفر زائر شدم که به یکدیگر می گفتند : معجزه و کرامت این

خانم را دیدید؟! اگر دیشب در این هوای سرد و با این برف زیاد ، چراغ مناره حرم این خانم روشن نمی شد ما هرگز راه را نمی یافتیم و در بیابان هلاک می شدیم . خادم می گوید : من نزد خود متوجه کرامت و معجزه حضرت و نهایت محبت و لطف او به زائرینش شدم " . ( ۶۹ )

مبتلای به جنون :

آقای میر سید علی برقعی فرمودند : " مردی اظهار می داشت که من در ایامی که سفیر ایران در عراق بودم ، عیالم مبتلا به جنون شد به طوری که کند به پاهایش زدیم ؛ روزی از سفارتخانه به منزل آمدم حال او را بسیار منقلب و آشفته دیدم ، داخل اطاق مخصوص خود شدم و از همانجا متوسل شدم به مولا امیرالمؤمنین (علیه السلام) و عرض کردم یا علی چند سال است که در خدمت شما هستم و غریب و تنهایم شفاي همسرم را از شما می خواهم . همین طور در حال تحیر بودم که خدایا چه بکنم؟! که يك مرتبه خادمه منزل دوید و گفت : آقا بیایید ، گفتم همسرم فوت کرد ؟ گفت : خیر بهتر شد . من با عجله نزد عیالم رفتم ، دیدم با حال طبیعی نشسته ، عیالم به من گفت : این چه وضع است ، چرا به پاهای من کند زدید؟! برای او توضیح دادم بعد گفتم چه شد که شما یکمرتبه بهتر شدید ؟ گفت : در همین ساعت خانم مجلله ای داخل اطاق شد گفتم : شما کیستید ؟ فرمود : من معصومه دختر موسی بن جعفر (علیه السلام) هستم . جدّم امیر المؤمنین علی (علیه السلام) امر فرمودند من شما را شفا بدهم و شما خوب شدید ... " . ( ۷۰ )

ضعف چشم :

حاج آقا مهدي صاحب مقبره اعلم السلطنه  
 ( بين صحن جديد و عتيق ) نقل کرده که :  
 " من چندي قبل به ضعف چشم مبتلا شدم ؛  
 بعد از مراجعه به اطباء ، اظهار داشتند  
 که چشم شما آب آورده بايد برسد تا آن را  
 عمل کنیم . او مي گوید : بعد از آن هر  
 وقت که به حرم مشرف مي شدم مختصري از  
 گرد و غبار ضريح را به چشمانم مي کشيدم  
 و اين عمل باعث شد که ضعف چشم من برطرف  
 شود به طوري که الآن بدون عينک قرآن و  
 مفاتيح مي خوانم " ( ٧١ )

دختر لال :

حجة السلام آقاي حاج آقا حسن امامي  
 چنين نوشته اند که " روز پنجشنبه دهم  
 رجب ١٣٨٥ هـ . ق دختری ١٣ ساله از اهالي  
 " آب روشن آستارا " به اتفاق پدر و مادرش  
 به قم آمدند در حالي که دختر در اثر  
 مرضي دچار عارضه لالي شده بود و قوه  
 گويايي خود را از دست داده بود و با  
 مراجعه به اطباء هم معالجه نشده بود ،  
 در حالي که از دکترها مأیوس بودند به  
 کنار قبر مطهر فاطمه معصومه (سلام الله  
 عليها) پناهنده شدند. به مدت دو شب در  
 کنار ضريح مبارك نشسته گاهي در حال گريه  
 گاهي با زبان بي زباني مشغول راز و نیاز  
 بود که يك مرتبه همه چراغهاي حرم خاموش  
 گرديد. در همان حال دختر مذکور مورد  
 عنايت بي منتهاي حضرت قرار گرفت و صيحه  
 عجيبی کشيد که خدام و زائرین شنيدند .  
 جمعيت هجوم آوردند تا مقداري از لباس او  
 را به عنوان تبرک بگيرند . خدام دختر را  
 به كشيک خانه بردند تا جمعيت متفرق شدند  
 . دختر گفت : در همان وقت خاموشي چراغهاي  
 حرم ، چنان روشنايي و نوري ديدم که در  
 تمام عمرم مثل آن را ندیده بودم و حضرت  
 را ديدم که فرمود :

خوب شدي و ديگر مي تواني سخن بگويي و حرف بزني ؛ من فرياد زدم ، ديدم زبانم باز شده است ... " . ( ۷۲ )

مبتلا به سيل :

حاج آقا مهدي صاحب مقبره اعلم السلطنه مي گويد : " مردي از دهات خلجستان قم دچار مرض سيل مي شود . به اطباء مراجعه مي کند ولي نتيجه اي نمي گيرد . به تهران مي رود و مشغول معالجه مي شود تا وقتي که تمام دارايش را خرج مي کند اما به نتيجه اي نمي رسد ، مأيوس و تهيدست به وطن بر مي گردد . در آنجا هم اهالي به او مي گویند : تو که در اینجا چيزي نداري ، مرضي هم که به آن مبتلا هستي مرضي است مُسري ، ماندن تو در اینجا باعث گرفتاري ساير اهالي مي شود ، پس از اینجا برو . به ناچار از وطن آواره و با دستي تهی و بدني رنجور وارد قم مي شود و در صحن جديد در ايوان يکي از مقبره هاي حرم مطهر در حالي که دل از همه جا بريده و دل به عنايات فاطمه معصومه (سلام الله عليها) بسته بود خوابش مي برد ، در اثر عنايات بي بي وقتي از خواب بيدار مي شود هيچگونه اثري از بيماري در خود نمي بيند " . ( ۷۳ )

اداء دين و گشايش در زندگي :

حاج آقا تقی کمالی ، از خدام آستانه مقدسه مي گوید : " در سال ۱۳۰۲ هـ . ق . در آستانه مقدسه متحصن شده و پناهنده به آن بانوي معظّمه بودم و در يکي از حجرات صحن نو منزل داشتم ؛ روزگارم به تلخي و سختي سپري مي شد و کاملاً تحت فشار بي پولي و نداري قرار گرفته بودم ؛ زندگاني را با قرض از کسبه اطراف حرم مي گذراندم تا اينکه يك روز بعد از ادای فريضه صبح

خدمت بي بي مشرف شده و وضع خود را به عرض رساندم ؛ در اين حال ديدم كيسه پولی روی دامنم افتاد ؛ مدتی صبر کردم به خيال اين که شايد اين كيسه پول مال زوار محترم باشد تا به صاحبش ردّ نمايم ؛ ديدم خبري نشد فهميدم که مرحمتي خانم است ، به حجره خود برگشتم وقتی كيسه را باز کردم مبلغ ۴ تومان در آن بود . ابتدا بدهي هايم را پرداختم و به مدّت چهارده ماه خرج مي کردم و تمام نمي شد تا آنکه روزي " حضرت حجة السلام و المسلمین آقاي حسين حرم پناهي " تشریف آوردند و از وضع زندگي من جویا شدند ، من موضوع را اظهار نمودم در همان ایام به آن عطیّه خاتمه داده شد " . (۷۴)

شفای یکی از خدام حرم :

این کرامت که به حدّ تواتر رسیده از این قرار است که : " یکی از خدام آن حضرت به نام " میرزا اسدالله " به سبب ابتلاي به مرضي انگشتان پایش سیاه شده بود :

جراحان اتفاق نظر داشتند که باید پای او بریده شود تا مرض به بالاتر از آن سرایت نکند ، قرار شد که فرداي آن روز پای او را جراحی نمایند . میرزا اسدالله گفت : حال که چنین است امشب مرا ببرید حرم مطهر دختر موسی بن جعفر (علیه السلام) او را به حرم بردند ، شب هنگام خدام در حرم را بستند و او پای ضریح از درد پا می نالید تا نزدیک صبح ، ناگهان خدام صدای میرزا را شنیدند که می گوید: در حرم را باز کنید حضرت مرا شفا داده ، در را باز کردند دیدند او خوشحال و خندان است. او گفت : در عالم خواب ديدم خانمي مجلّه آمد نزد من و گفت: تو را چه مي شود؟ عرض کردم که : این مرض مرا عاجز

نموده و از خدا شفای دردم یا مرگ را می خواهم ، آن مجلله گوشه مقنعه خود را چند دفعه بر روی پای من کشید و فرمود : تو را شفا دادیم . عرض کردم شما کیستید ؟ فرمود مرا نمی شناسی ؟! و حال آنکه نوکری مرا می کنی ، من فاطمه دختر موسی بن جعفرم . میرزا اسدالله بعد از بیدار شدن ، قدری پنبه در آنجا می بیند و آن را بر می دارد ؛ و به هر مریضی که ذره ای از آن را می دهد و به محل درد می کشد ، شفا پیدا می کند . او می گوید : آن پنبه در خانه ما بود تا وقتی که سیلابی آمد و خانه ما را خراب کرد و آن پنبه از بین رفت و دیگر پیدا نشد " . ( ۷۵ )

شفای چشم دختر ده ساله :  
آقای حیدری کاشانی ( واعظ ) نقل می کند که : " یکی از رفقای روحانی ایشان در محضر آیه الله بهاء الدینی " دام ظلّه " نقل می کرد : که روزی دیدیم بر روی مردمک چشم دختر ده ساله ما دانه کوچکی پیدا شده ، وقتی به دکتر متخصص مراجعه کردیم ؛ بعد از معاینه ، ایشان اظهار نمودند که باید عمل شود ولی عمل خطر دارد . دختر ، وقتی این را شنید بنا کرد ناراحتی کردن و اینکه من عمل نمی خواهم و می گفت : مرا به حرم حضرت معصومه ( سلام الله علیها ) ببرید . این را گفت و با سرعت به طرف حرم دوید ، ما هم به دنبال او آمدیم تا رسید به حرم ، شروع کرد به گریه کردن و خطاب به بی بی گفت : " یا حضرت معصومه ( سلام الله علیها ) من عمل نمی خواهم " و چشم خود را به ضریح حضرت می مالید و حال عجیبی داشت ، ما هم از دیدن این منظره منقلب شدیم ، بعد از این حالت توسّل ، او را بغل کردم و دلداری دادم و به او گفتم : خوب خواهی شد ، او را داخل



صحن حرم مطهر بردم ، ناگهان نگاهم بچشم او افتاد دیدم هیچ گونه اثری از آن دانه خطرناک وجود ندارد ."

عطای مخارج میهمانی :  
آقای حیدری کاشانی می فرماید : " روزی که ما در منزل چیزی برای پذیرایی نداشتیم عده ای از کسانی که در شهرستان محل تبعید ما ( بیرجند ) با ما آشنا بودند ، به منزل ما آمدند ، من متحیر بودم که چکنم ؟ آمدم حرم و همان داخل صحن عرض کردم : بی بی جان ! خودتان وضع ما را می دانید ، این را که گفتم در حالی که وسط حرم در حال حرکت بودم صدای خانمی را - که مرا صدا می کرد - شنیدم ، ایستادم ، او مبلغی پول به من داد و گفت : این مال شماست . من به حرکت خود ادامه دادم ، مجدداً آن خانم مرا صدا زد و مبلغ دیگری پول بمن داد و گفت : اینهم مال شماست . اینجا بود که رو کردم به گنبد حضرت و عرض کردم : بی بی جان ! بسیار متشکرم . برگشتم به خانه و با آن مبلغ وسایل پذیرایی لازم را فراهم نمودم . خانم ما ( که از بی پولی ما مطلع بود ) گفت : اینها را از کجا تهیه کردی ؟ گفتم :

فاطمه معصومه (سلام الله علیها) عنایت فرمود " .

حضرت رضا (علیه السلام) مریض را به حرم خواهر می فرستد :

آقای حیدری کاشانی می گوید : " بعد از یک دهه سخنرانی در مسجد گوهر شاد ، خانمی پیش من آمد و گفت : پسر جوان مریضی داشتم که شبی حضرت رضا (علیه السلام) را در خواب دیدم ، حضرت فرمود : یکی از دو مریضی جوانت را شفا دادم ،

مريضی دوّم ( او را خواهرم در قم شفا خواهد داد ) به نزد خواهرم در قم برو .  
 حال که شما عازم قم هستید این شصت تومان را داخل ضریح حضرت بینداز ؛ من چند روز دیگر به قم خواهم آمد . من به او گفتم : شما موقع آمدنتان به مشهد به قم نرفتید ؟ گفت : نه . گفتم : این فرمایش حضرت گلایه ای بوده از شما که چرا در طول راه مسافرت به مشهد ، به زیارت خواهر ایشان نرفته اید ؟ " . ( ۷۶ )

نزول رحمت الهی :

بار دیگر شبانگاهان دست فیاض الهی از آستین کریمه اهل بیت به درآمد و چراغی به روشنی خورشید ولایت فراروی عاشقان دلسوخته بر افروخت . سخن از گذشته های دور نمی باشد بلکه حقیقتی است محقق در جمعه شب ۲۳ / ۲ / ۷۳ آری بار دیگر در آن شب شاهد گشوده شدن خزائن غیب گشتیم و نزول رحمت الهی : " آن که مورد عنایت قرار گرفت مسافری بود از راه دور ، دختری چهارده ساله از اهالی " شوط " ماکو ، از شهرهای آذربایجان که خود با ما چنین سخن می گوید :

رقیه امان الله پور هستم از اهالی " شوط " ماکو ، چهار ماه پیش بر اثر یک نوع سرما خوردگی از هر دو پا فلج شدم ؛ خانواده ام مرا به بیمارستانهای مختلف در شهرهای ماکو ، خوی و تبریز بردند ، ولی همه پزشکان پس از عکسبرداری و انجام آزمایش مکرر ، از درمان عاجز شدند و من دیگر نمی توانستم پاهایم را حرکت دهم تا این که چهارشنبه شب ( ۲۱ / ۲ / ۷۳ ) درعالم رؤیا دیدم که خانمی سفید پوش سوار بر اسبی سفید به طرف من آمدند و فرمودند : " چرا از همان ابتدای بیماری پیش من نیامدی تا شفایت دهم ؟ " با

اضطراب از خواب پریدم و جریان خواب را با عمو و عمّه ام در میان گذاشتم و آنها نیز بلا فاصله مقدمات سفر را به قم فراهم آوردند . لذا روز جمعه ( ۲۳ / ۲ / ۷۳ ) ساعت ۳۰ / ۷ دقیقه بعد از ظهر به حرم مطهر مشرف شدیم . پس از نماز ، مشغول خواندن زیارتنامه شدم که ناگهان صدای همان خانمی که در خواب دیده بودم به گوشم رسید که فرمود : " بلند شو ، راه برو ، که شفایت دادم " . من ابتدا توجهی نکردم و باز مجدداً همان صدا با همان الفاظ تکرار شد ؛ این بار به خود حرکتی دادم و مشاهده کردم که قادر به حرکت می باشم و مورد لطف آن بی بی دو عالم قرار گرفته ام " . ( ۷۷ )

نسیم رحمت :

خواهر پروین محمّدی اهل باختران در سال سوّم دبیرستان مبتلا به تشنج اعصاب شدند و پس از بی اثر بودن معالجات مکرر و ناامیدی از همه جا همراه خانواده عازم مشهد مقدس می شوند به امید شفا از امام رضا (علیه السلام) . مادر ایشان این کرامت را اینگونه بیان می کند : " وقتی به قم رسیدیم با خود گفتم خوبست اوّل به زیارت خواهر امام رضا (علیه السلام) برویم اگر جواب نداد به مشهد می رویم ؛ ساعت ۲ بعد از نیمه شب بود که به قم رسیدیم ؛ ساعت ۹ صبح به حرم مشرف شدیم و دخترم را که به سختی خوابش می برد و در اثر تشنج اعصاب دچار مشکلاتی می شد با حال توجه و توسل به حضرت معصومه (سلام الله علیها) ، به نزدیک ضریح بردم و براحتی خوابید . پس از مدّتی که از نماز ظهر و عصر گذشت بوی عطر عجیبی حرم را گرفت و دیدم دست راست دخترم سه مرتبه به صورتش کشیده شد و رنگ او بر افروخته شد و گوشه چادر او را که

به ضریح بسته بودم باز شد ؛ در همین حال دخترم براحتی از خواب بیدار شد و گفت مادر کجایی ؟ گفتم : حرم حضرت معصومه (سلام الله علیها) . گفت : مادر ، گرسنه ام ! من که ماهها بود حسرت شنیدن این کلمه را از او داشتم ، گفتم : برویم بیرون حرم ؛ با هم داخل صحن شدیم از او پرسیدم ؛ احساس ناراحتی نمی کنی ؟ گفت : نه ، الحمدلله خوب هستم . و من احساس کردم که حالت او طبیعی شده و شفا یافته است و از حضرت معصومه تشکر نمودم " . ( ۷۸ )

شربت شفا بخش :

روز چهاردهم شعبان برابر با ۲۶ دیماه ۱۳۷۳ هـ . ش و در آستانه عید بزرگ نیمه شعبان بارگاه ملکوتی کریمه اهل بیت (علیه السلام) پذیرای میهمانی است که از راه دور آمده ، او همسایه برادر است که به دعوت خواهر او به امید شفا به این بارگاه رو آورده است ، او امیر محمد کوهی ساکن مشهد و کارمند سابق اداره امور اقتصادی و دارایی آن شهر است که داستان خود را چنین بیان می کند : " سه سال بود که به بیماری فلج مبتلا بودم و قادر به حرکت نبودم و با ویلچر حرکت می کردم ؛ پیش اطباء متخصص مشهد و تهران رفتم و مراحل مختلف درمان را ( از عکس و آزمایش و سی تی اسکن و غیره ) گذراندم و بارها در بیمارستان بستری شدم و در مجالس دعا و توسل در حرم مطهر حضرت رضا (علیه السلام) به قصد شفا شرکت کردم ولی عنایتی نشد در همین اواخر به خاطر ناراحتی زیاد " خود و خانواده ام " به حرم مشرف شدم و با سوز دل عرض کردم : آقا! شما غیر مسلمانان را محروم نمی کنید پس چرا به من شیعه توجه نمی فرمائید؟! آقا یا جوابم را بده یا می

روم قم و به خواهرتان شکایت می‌کنم و او را واسطه قرار می‌دهم ؛ آنگاه خطاب به حضرت معصومه (سلام الله علیها) عرض کردم : من که همسایه برادر شما هستم و فردی عائله مندم و در عمر خود خیانتی نکردم و در حدّ توان درستکار بودم چرا ایشان مرا شفا نمی‌دهند ؟ بعد از این توسل و عرض گلایه در عالم خواب خانمی را دیدم به من فرمود : شما باید به قم بیایید تا شفایت دهم . عرض کردم شما که به خانه ما آمدی و میهمان ما هستی همینجا شفا می‌ده : من پولی ندارم که به قم بیایم . فرمود : شما باید به قم بیایید . من خوابم را به عیال و فرزندانم نقل کردم ، پس از مدّتی پسر من گفت : پدر ! ما که همه دارایی خود را در راه معالجه شما خرج کردیم ، من مبلغی - را از فروختن چند جعبه نوشابه ای که در خانه داشتیم - تهیه نمودم ؛ این را خرج سفر کنید و به قم بروید ، امیدوارم که شفا پیدا کنید . من راهی قم شدم ، پس از رسیدن به قم وضو گرفتم و وارد حرم شدم ؛ از دو نفر تقاضا کردم زیر بغل های مرا گرفته و کنار ضریح ببرند ، مرا کنار ضریح بردند ( خسته بودم و ناتوان ) بعد از زیارت و التجاء بسیار همان کنار ضریح پتوی خود را به سر کشیده ، خوابم برد . در عالم خواب خانمی را دیدم با چادر مشکی و روبندی سبز رنگ به من فرمود : پسر من خوش آمدی ! اکنون شفا یافتی ، برخیز ، تو هیچ بیماری نداری . عرض کردم : من بیمار و زمین گیرم . ایشان پیاله گلی پر از چای را به دست من داد و فرمود : بخور . من چای را خوردم ؛ ناگهان از خواب بیدار شدم دیدم می‌توانم روی پا بایستم ، از جا برخاستم و خود را به ضریح مقدّس رساندم و بالاخره در این

روز ، عیدی خود را از " بی بی " گرفتم " (۷۹) .

این بود شمه ای از الطاف بی شمار و عنایات بسیار و کرامات فراوان این بانوی بزرگ که به واسطه وجود پاکش سرزمین قم مأوای عاشقان و سالکان طریق هدایت و قبله آمال عارفان حقیقت گشته است . به امید آنکه همین مختصر ، شربتی باشد به کام خشکیده عاشقان دلسوخته و چراغ راهی گردد برای بیدار شدگان از خواب غفلت ، بدان امید که حضرتش همه را از ره لطف مورد عنایت قرار داده و بر سبیل هدایت رهنمون گردد انشاء الله

-----

پاورقی ها :

- (۵۶) الغدير ، ج ۱ ، ص ۱۹۶ .  
(۵۷) آثار الحجه ، محمد را زي ، ص ۹ ،  
به نقل از اللؤلؤه الثمينه ، ص ۲۱۷ .  
(۵۸) بحار ، ج ۶۸ ، ص ۷۶ .  
(۵۹) وديعه آل محمد ، ص ۱۲ ؛ به نقل از  
: دريای سخن ، سقازاده تبريزي .  
(۶۰) بحار ج ۱۰۲ ، ص ۱۳۲ .  
(۶۱) ضبط صوتي ، تصويري این کرامات به  
نقل آیه الله اراکي در واحد فرهنگي آستانه  
موجود است .  
(۶۲) ایشان از شاگردان آیه الله مرعشي  
رحمه الله بودند .  
(۶۳) کرامات نقل شده از آقای شيخ عبدالله  
موسیانی توسط واحد سمعي ، بصري حرم ضبط  
صوتي ، تصويري شده است .  
(۶۴) ضبط صوتي ، تصويري این کرامت به  
نقل حضرت آیه الله مکارم " دام ظلّه " در  
واحد فرهنگي آستانه موجود است .  
(۶۵) فوائد الرضويه ، ص ۳۷۹ ، با تصرف .  
(۶۶) دارالسلام ، ج ۲ ، ص ۱۶۹ .

- (۶۷) زندگانی حضرت معصومه ، سید مهدی  
 صحفی ، ص ۴۷ .
- (۶۸) همان ، ص ۴۵ .
- (۶۹) ودیعه آل محمد ، محمد صادق  
 انصاری ، ص ۱۴ .
- (۷۰) بشاره المؤمنین ، آشیخ قوام  
 اسلامی جاسبی ، ص ۴۳ .
- (۷۱) بشاره المؤمنین ، آشیخ قوام  
 اسلامی جاسبی ، ص ۴۳ .
- (۷۲) همان ، ص ۴۹ .
- (۷۳) همان ، ص ۵۱ .
- (۷۴) بشاره المؤمنین ، آشیخ قوام  
 اسلامی ، ص ۵۲ .
- (۷۵) انوار المشعشعین ، حاج شیخ محمد  
 علی قمی ، ص ۲۱۶ .
- (۷۶) کرامات نقل شده از آقای حیدری  
 کاشانی ضبط صوتی و تصویری شده و در واحد  
 سمعی ، بصری آستانه مقدسه موجود است.
- (۷۷) این کرامت از زبان فرد شفا یافته  
 با صدا و تصویر توسط سمعی ، بصری آستانه  
 مقدسه ضبط شده است.
- (۷۸) این کرامت توسط سمعی ، بصری  
 آستانه مقدسه ضبط شده است.
- (۷۹) این کرامت ضبط صوتی ، تصویری شده  
 و در سمعی ، بصری آستانه موجود است.

۳

حضرت فاطمه معصومه (سلام الله علیها) در  
 شعر شاعران بخش ششم : حضرت فاطمه معصومه  
 (سلام الله علیها) در شعر شاعران  
 در طول تاریخ ، شعرای اسلامی و  
 سرایندگان آزاده شیعه ، سهم به سزایی در  
 ترویج مکتب امامت و ولایت و اشاعه فضایل  
 و مناقب اهل بیت عصمت و طهارت (علیه  
 السلام) داشته اند که سروده های حکمت  
 آموز آنان همیشه صفا بخش قلوب عاشقان و  
 شیفتگان خاندان نبوت و رسالت بوده است و  
 به عنوان سندی جاوید و ماندگار در طول

قرون و اعصار پیام آور مظلومیت و حقانیت  
 مکتب سرخ علوی و مبین قطره ای از دریای  
 بی کران فضایل اهل بیت (علیه السلام)  
 بوده اند. و در همین راستا ، عظمت مقام  
 کریمه اهل بیت (علیه السلام) این شاعران  
 و منادیان حق و آزادی را به اظهار  
 خالصانه ترین تعظیم و تکریم در برابر  
 بارگاه ملکوتی آن بزرگ بانوی اسلام و  
 سرودن اشعار و قصایدی ژرف و عمیق  
 پیرامون فضایل و مناقب آن بزرگوار و آدار  
 نموده است ، که مجموعه آنها خود دیوان  
 مستقلی خواهد بود ولی در اینجا به  
 برگزیده ای از آنها اکتفا می کنیم :

نورین نیّرین " فاطمه زهرا و فاطمه  
 معصومه (سلام الله علیها) "

نورخدا در رسول اکرم پیدا  
 کرد تجلی ز وی به حیدر صفدر  
 و ز وی تابان شده به حضرت زهرا  
 اینک ظاهر ز دخت موسی جعفر  
 گر که نگفتی امام هستم بر خلق  
 موسی جعفر ولیّ حضرت داور  
 فاش بگفتم که این رسول خداست  
 معجزه اش می بود همانا دختر  
 دختر جز فاطمه نباید چون این  
 صلب پدر را و هم مشیمه مادر  
 دختر چون این دو از مشیمه قدرت  
 نامد و نماید دگر هماره مقدر  
 آن یک امواج علم را شد ، مبدء  
 وین یک ا فواج علم را شده مصدر  
 آن یک بر فرق انبیا شده تارک  
 وین یک اندر سرّ اولیا را مغفر  
 آن یک در عالم جلا لت " کعبه "  
 وین یک در ملک کبریایی " مشعر "  
 آن یک خاک مدینه کرده مزین  
 صفحه قم را نمود این یک انور



خاك قم اين كرده از شرافت جنت  
آب مدینه نموده آن يك كوثر  
زیبدا اكرخاك قم به " عرش" كندفخر  
شاید گر " لوح " را بیابد همسر (۸۰)

دخت خورشید (۸۱)

اي دختر عقل و خواهر دین  
وي گوهر درج عز و تمکین  
عصمت شده پای بند مویت  
اي علم و عمل مقیم کویت  
اي میوه شاخسار توحید  
همشیره ماه و دخت خورشید  
وي گوهر تاج آدمیت  
فرخنده نگین خاتمیت  
شیطان بخاطب " قم " براندند  
پس تخت ترا بقم نشاندند  
کاین خانه بهشت و جای حو است  
ناموس خدای جایش اینجا ست  
اندر حرم تو عقل ماتست  
زین خاك که چشمه حیاتست  
جسمی که در این زمین نهان است  
جانی است که در تن جهان است  
این ماه منیر و مهر تابان  
عکسی بود از قم و خراسان  
ایران شده نور بخش ارواح  
مشکاه صفت به این دو مصباح  
از این دو حرم دلا چه پرسی  
حق داند و وصف عرش و کرسی  
هرکس به درت بیک امیدی است  
محتاج تر از همه " وحیدی " است

فاطمه ثانی (۸۲)

اي که به خلق جهان تویی سر و سرور  
شان تو از قدر کاینات فزون تر  
وقت ثنای تو مات عقل خردمند  
گاه مدیح تو محو فکر سخنور  
طایر وهم ار، رسد به پایه قدرت

بال و پرش سوزدار بود چو سمندر  
شانه گیسوی توست ، پنجه خورشید  
آینه روی توست ماه منور  
رشحه ای از نور طلعت تو به افلاک  
برشد و افلاک از آن شدند پُر اختر  
عکس ز ابروی تو هلال چو برداشت  
گشت مشارالیه خلق سراسر  
بهر وجود تو خلق گشته دو  
عالم

بهر تو گردیده کاینات مسخر  
خلقت هستی ، تو داده ای به همه خلق  
ز آنرو مهتر تویی بر این همه  
کهتر

آدم و نوح و خلیل و موسی و عیسی  
از مدد فیض تو شدند پیامبر  
کفو تو را چون نکرد خلق خداوند  
از آن ننمودی به عمر خویش تو شوهر  
خلق جهان جمله اند زوج و خدا فرد  
تو چو خدا فردی و نداری همسر  
ذره ای از عصمت زنان جهان را  
گر برسد مریمند جمله و هاجر  
شب نمی از جود توست رحمت نیسان  
سبزه ای از کشت تو است گنبد اخضر  
دست کشیدی مگر تو بر سر آهو  
کز وی حاصل شد است نافه اذفر  
و اللیل از موی تو شد است مبین  
والشّمس از طلعت تو گشته مفسر  
باب عطایت گشاده بر همه عالم  
چشم امید خلیق است بر این در  
گرد ضریحت دواي اكمه و ابرص  
گرد حریمت شفای عاجز و مضطر  
حکم الهی به مهر توست مسجل  
امر خدایی به حبّ تو است مقرر  
بقعه زهرایی و سلاله حیدر  
نور دو چشم نبی ، حبیبه داور  
فاطمه ثانیی به عالم ظاهر  
لیك به معنی تویی همان و نه دیگر

مَظْهَر حَقَّنَد خَانَوَادَه عَصْمَت  
 جَلَوَه رِبَّنَد دَوْدَمَان مَطْهَر  
 بَسْتَه لَبْم لَم يِلْد و گَر نَه بَگَوِيْم  
 دَخْت خَدَايِ اسْت بِنْت مَوْسِي جَعْفَر  
 عَمْر تُو كَوْتَاه هَمچُو شَاخَه گَل بُوْد  
 چَوْن تُو بَزْرگِي و اَيْن سِرَاسْت مَحْقَر  
 نَيْسْت مَرَا غَيْر دَرگَه تُو پِنَاهِي  
 آخِر و اوّل تَوِيِي و اوّل و آخِر

حَبِيْبَه حَقَّ (٨٣)

تُو اِي حَبِيْبَه حَق جَلَوَه از خَدَا دَارِي  
 كَه سُوِي خُوِيْش هَمَه چَشْم مَا سُوِي دَارِي  
 بَه چَرخ حَشْمَت و اَجَلَال بِيْشْتَر از مَهْر  
 بَه پِيْش دِيْدَه اَهْل صَفَا ضِيَا دَارِي  
 تُو آ شَنَا نَشُوِي گَر چَه بَه كَسِي از قَدْر  
 وَلِيك دَرهَمَه عَالَم تُو آ شَنَا دَارِي  
 بَه زَائِرِيْن حَرِيْم خُوْد اِي سَتُوْدَه  
 خِصَال

نَظْر ز رَاه مَحَبَّت جُدا جُدا دَارِي  
 بَه يَك نَگَاه مِيس قَلْب مَا طَلَا سَازِي  
 تَوِيِي كَه بَا نَظْر خُوِيْش كِيْمِيَا دَارِي  
 بَه هَر كَه مِي نَگَرْم جَانَب تُو رُوِي  
 آرد

تُو خُوْد نَظْر مَگَر از لُطْف سُوِي مَا  
 دَارِي  
 از آن كَه دَخْتَر مَوْسِي اِبْن جَعْفَرِي بَخْدَا  
 كَنَنْد مَدْح تُو گَر تَا بَه حَشْر جَا  
 دَارِي

دَرِّ پَر بَهَاء (٨٤)

بَا لَد بَر آسْمَان ز شَرَف آسْمَان قَم  
 سَايِد بَر آسْتَان تُو سَر آسْمَان قَم  
 دَرگَه تُو اسْت مَرَكْز دَارِالْفَنُونِ عِلْم  
 طَلَاب دِيْن كَوَاكِبِي از كَهكْشَان قَم  
 دَر پِيْشگَاه حَضْرَت مَعْصُومَه صَبْح و شَام  
 بِيْزْد گُهْر ، مَدْرَس گُوَهْر فَشَان قَم  
 سَبَقْت ز سَاكِنَان حَرِيْم خَدَا بَرَنْد

از راه دوستی علی عارفان قم  
چون پای اهل علم بر این خاک می رسد  
ای دل به جان ببوس تو هم خاکدان قم  
ای دُرّ پُر بها به قم گشته ای  
مکین

کردی ز خلد باز دری در مکان قم  
سر عاکفان کعبه یزدان به جان  
نهند

بر آستان قدس ملک پا سبان قم  
الفاظ در معانی مدح تو قاصر است  
ای نازنین که جسم تو با شد روان  
قم

آید اگر خلیل پیمبر در آن حرم  
نبود شگفت گر شود از عاکفان قم  
چشم دلم ز گرد ضریح تو روشن است  
آری چو توتیا بود این ارمغان  
قم

جمال و کمال فاطمی (علیه السلام) (۸۵)  
خاک قم گشته مقدّس از جلال فاطمه  
نور باران گشته این شهر از جمال  
فاطمه

تا بش شمع و چراغ و کهربای نورها  
با شد از نقد جمال بی مثال فاطمه  
صافی آیینه ایوان نیکو منظرش  
گوشه ای از صافی قلب زلال فاطمه  
عطر آگین گشته گر این بارگاه جنتی  
این نسیمی است از عبیر بی همال فاطمه  
بر سر ما سایه افکن از کرامت ای  
بتول

شد سعید آن کس که بُد اندر ظلال فاطمه  
آفت دلها غم است بر درگه معصومه ام  
حرمت من حرمت عزّو جلال فاطمه  
یا رب از غم ها مرا برهان هم از  
افسردگی  
عفو کن ما را به قلب پر ملال فاطمه

کبریا از درگهش کس را نکرده نا  
امید  
خاصه آنکو داشت پشتیبان مثال فاطمه

ریحانه رسول (۸۶)

رواق دختر موسی بن جعفر است این جا  
حریم فاطمه بنت پیمبر است این جا  
دربهشت برین گر طلب کنی به خدا  
ببوس با ادب آن را که آن در است این  
جا

زمین قم به مثل چون صدف بود  
آری

وجود حضرت معصومه گوهر است این جا  
ببند عقد نماز اندرین مقام رفیع  
که جای گفتن الله اکبر است این جا  
مخوان به خلد برینم زکوی او  
واعظ

برای من زدو صد خلد برتر است این  
جا

حبیه حق و ریحانه رسول و علی  
یگانه دختر زهرای اطهر است این جا  
مسیح زنده شود درحریم این با نو  
عجب ز فیض دمش روح پرور است این جا  
زیمن موکب اجلال فاطمه بنگر  
که دُر تاج سر هفت کشور است این جا  
فروغ روضه او پر تو افکن است به مهر  
چرا که مطلع خورشید انور است این  
جا

اگر بدیده ادراک بنگری بینی  
که مهر و ماه هم از ذره کمتر است این  
جا

از آن شدند سلاطین مقیم در کویش  
که خاک در گه او زیب افسر است این  
جا

کند بدرگه او سجده صبحدم خورشید  
که از فروغ ولایت منور است این جا  
اگر تجلی حق بینی از در و دیوار

عجب مدار که دخت پیمبر است این جا  
تبارك الله از این روضه بلند رواق  
که از تصوّر و از وصف برتر است این  
جا

برو طهارت دل کن بیا به روضه او  
که جای مردم پاک و مطهر است این جا  
از آن پناه به کوی تو آرم ای  
بانو

که فیض روح ز لطفت میسر است این جا  
مرا که نام بود حیدر آمدم به  
درد

چرا که نور دو چشمان حیدر است این  
جا

زمین قم شده روشن از آن به غیب و شهود  
که نور حق به جمالت برابر است این  
جا

ز آفتاب قیامت غمی نخواهد بود  
مرا که سایه لطف تو بر سر است این  
جا

سزد که " معجزه " قم همچنان بهشت بود  
چرا که دختر موسی بن جعفر است این جا

بارگاه رفیع فاطمی (۸۷)  
این بارگه که چرخ بر رفعتش گم  
است

فخر البقاع بقعه معصومه قم است  
فخر البقاع نیست که فخر البقا  
بود

این بارگه که چرخ بر رفعتش گم  
است

با خاک درگهش خضر اندر گه نماز  
کاری که فرض عین شمارد تیمم است  
سنگ حریم او فلک النجم عالم است  
ریگ سرای او ملک العرش انجم است  
سقای او چو آب زندگردد ساحتش  
از رشک با سرشک قرین چشم قلم است  
در التماس بارقه گنبدش هنوز

در طور روح موسی اندر تکلم است  
از رشک خشتهای زر اندود او مدام  
داغی چو شمس بر دل این هفت طارم است  
هی پا نهاده زائر او بر پر  
ملك

بس از ملك به طوف حریمش تهاجم است  
حق دارد این مکان زند ار ، دم ز ،  
لامکان

کو را یگانه گوهر سلطان هفتم است  
اخت رضا و دختر موسی که حشمتش  
مستور از عفاف ز چشم توهم است  
هم در حسب بزرگ اب اندر پی اب است  
هم در نسب سترک ام اندر پی ام است  
آن کعبه است مرقد فرقد علو او  
کز پیل حادثات مصون از تهدم است  
یا بضعه البتول و یا مهجه الرسول  
ای آنکه رتبه تو و رای توهم  
است

از اشتیاق سجده بر خال چهر تو  
آدم هنوز روی دلش سوی گندم است  
دانند اگر ز آدم و حوا مؤخرت  
من گویمت بر آدم و حوا تقدم  
است

زیرا که جز ثمر نبود مقصد از  
درخت  
و ان شاخ و برگش ارچه بود عود و هیزم  
است

ابلیس را که چنگ ندامت گلو فشرد  
بر درگهت امید علاج تندم است  
مردم زیارت تو کنند از پی بهشت  
وین خود دلیل بر عدم عقل مردم است  
زیرا که جز زیارت کویت بهشت نیست  
ور هست درب کوی تو آن را تصمم است  
باصدق تو صباح دوم را بدون کذب  
بر خویش خنده آید و جای تبسم است  
کی شبّه مریمت کنم از پاک دامنی  
کالوده اش ز نفحه روح القدس کم است

آن جا که عصمت تو زند کوس دور باش  
پاي وجود روح قدس در عدم گم است  
گردون به پيش محمل فَرَّتْ جنیبتی است  
کز آفتاب کوي زرش زیور دم است  
ذلي که از پی تو بود عین عزت است  
خاری که در ره تو خلد به ز ، قا قُم  
است

ای بانوی حرم سوي جیحون نظاره ای  
کز انقلاب دهر ، همی در تلاطم است  
مویم اگر چه شد به معاصی سپید لیک  
رویم منه سیاه که دور از ترحم است

روح ایمان (۸۸)  
ولای حضرت معصومه راحت جانست  
به چشم مردم آگاه روح ایمانست  
کسی به دعوی ایمان خود بود صادق  
که پیرو نبی و تابع امامان است  
چو اهل بیت نبی گوهران بی مثلند  
بهایشان ز شرف فوق درک انسانست  
به هر گلی که ز باغ رسالت است و علی  
هر آنکه دل ندهد خوار نزد یزدانست  
چه جای آن که نباشد محب معصومه  
که او به چرخ ولا اختر درخشانست  
به خاک پای تو ای بنت موسی جعفر  
که توتیای ضیا بخش اهل عرفانست  
اگر حبیبه حق خوانمت از آن باشد  
که بر مقام تو عارف خدای سبحانست

شا فع يوم المعاد (۸۹)  
یا رب این خلد برین یا جنه المأو  
استی  
یا همایون بارگاه بضعه موسا  
ستی  
این مهین بانو که در برج شرافت اختری  
است  
نسل پاک و زاده انسیه الحوراستی



فاطمه اخت الرضا ، سلطان دين ، روي  
فداه

خاك درگاه تو از عرش علا اعلاستي  
ملجأ اهل زمان و شافع يوم  
المعاد

خواهر سلطان دين و ثاني زهراستي  
مرقد نورانيش گويا رياض جنت است  
تربت پاكش ز مشك و عنبر ساراستي  
گو بياید تا به بيند اين همايون  
بارگاه

آنكه منكر بر وجود جنت دنيا  
ستي

حضرت ناطق بحق صادق چنين فرموده است  
درجـزاي زائـر او جـنه  
المأواستي  
اي مهين بانوي كاخ عصمت ، اي مايه  
وجود

اي كه خاك درگهت رشك دم عيساستي  
حق ام و اب اگر مانع نبودي  
گفتمی

هم ز خيل خادمانت آدم وحو ا  
ستي

طالب دنيا به قم چون طير اندر مجلس  
است

ظالم اندر دشت قم چون ملح در دريا  
ستي

هر كه از روي خلوص آرد به درگاه  
تو روي

خوشدل از دنيا و فارغ از غم  
عقباستي

عقل در احصاء قدرش قاصر است و پا به  
گل

گرچه چون لقمان دهر و بوعلی سينا  
ستي

خطه قم شد ز يمن مقدمش رشك جنان  
در صفا دارالخلود و از شرف  
غيراستي

چون بدیدی این بنا را عقل گفتی کا  
سماں  
صورتی در زیر دارد آنچه در  
بالاستی

بضعه موسی (۹۰)  
آتش موسی عیان از سینه سینا  
ستی  
یا که زرین بارگاه بضعه موسی  
ستی  
بضعه موسی بن جعفر فاطمه کز روی  
قدر

خاک درگاهش عبیر طره حوراستی  
نو گلی رنگین ز طرف گلشن یا سین  
بود

آیتی روشن ز صدر نامه طاها ستی  
پرتوی از آفتاب اصفیای مصطفی  
زهره ای از آسمان عصمت زهراستی  
صحن او را هست اقصی پایه عزت چنان  
کز شرف مسجد سقف مسجد اقصا ستی  
پستی از صحن حریمش را به پا طاق  
حرم

کین مکان عزت و آن مسکن غبراستی

گل گلشن فاطمی (۹۱)  
ز باد حوادث گلی از پیمبر  
(صلی الله علیه و آله)  
در این خاک عنبر فشان  
آرمیده

یکی لاله از لاله زار ولایت  
به گلزار قم بین چسان  
آرمیده  
گل گلشن فاطمی بین که  
چونان  
ز دست قضا نوجوان آرمیده  
در این بارگاه رفیع دل  
افروز

نــــهــــان زــــیــــب تــــاج کــــیــــان  
 آرمیده  
 در ایــــن ارض ا قــــدس یــــکی گــــوهر  
 پاک  
 بــــه تــــقدیر چــــرخ زــــمان  
 آرمیده  
 درخشان مــــهی دخت موسی بن جعفر  
 کــــزو کشــــوری در امان آرمیده  
 جبین سا به خاک درش هان که بی شک  
 در ایــــن بــــقعه جان جــــهان  
 آرمیده  
 بگــــرد حــــریمش بــــسان کــــبوتر  
 هــــزاران ز روحــــانیان  
 آرمیده  
 بــــه پــــیرامن مشعل پــــر  
 فروغش  
 شــــهان و دو صــــد عــــالمان  
 آرمیده  
 بــــه فــــردو سیان گــــو به قم اندر  
 آیند  
 کــــه زیــــنت ده حــــوریان  
 آرمیده  
 کمال و شرف ، علم و جاه و جلالت  
 بــــه هر ســــوی ایــــن آســــتان  
 آرمیده  
 بــــه هر جا که گامی نهی با تأمل  
 فــــســــرده تــــنی شادمان آرمیده  
 قــــدمها بــــه آرامی ایــــن جا فرو  
 نه  
 کــــه در ایــــن زمــــین گــــلر خان  
 آرمیده  
 بــــه عبــــرت نظر کن که بینی در ایــــن  
 جا  
 هــــزاران ســــرو و ســــروران  
 آرمیده  
 هــــزاران گــــل و بــــلبــــل و ســــرو و  
 سوسن

دو صد نرگس و ارغوان  
 آرمیده  
 خوش آنان که درقم همی جان  
 سپارند  
 خوش آن کو در این گل مکان  
 آرمیده  
 خوش آن روزگاری که در قم گذشت  
 خوشا حال آن کسه شبان  
 آرمیده  
 چه غم دارد از روز محشر ( دوانی  
 )  
 که در ظلّ این سایبان آرمیده

حریم خدا (۹۲)

ای خاک پاک قم چه لطیف و معطری  
 خاکی ولی ز ذوق و صفا بند گوهری  
 گوهر کجا و شأن تو نبود عجیب اگر  
 گویم ز قدر و منزلت از عرش برتری  
 بس با شد این مقام ترا ای زمین قم  
 مدفن برای دختر موسی بن جعفری  
 آن بانوی حریم امامت که مام دهر  
 نازاده بعد فاطمه یک همچو دختری  
 یا فاطمه ، حریم خدا ، بضعه  
 بتول

محبوبه مکرمه حیّ داور  
 هستی تو دخت موسی و اخت رضا یقین  
 گردون ندیده همچو پدر هم برادری  
 فخر امام هفتم و هشتم که از شرف  
 وی را یگانه دختر و آن را تو  
 خواهری

مریم که حق ز جمله زنهاش برگزید  
 شایسته نیست آنکه کند با تو همسری  
 از لطف خاص و عام تو ای عصمت اله  
 بر عاصیان شفیعہ فردای محشری  
 صد حیف یوم طف نبودی بکر بلا  
 بینی بنات فاطمه با حال مضطری  
 و آن یک شکسته بازو و آن یک دریده گوش

وآن دیگری به چنگ لئیم ستمگری  
 زینب کشید ناله که یا ایها  
 الرسول  
 بین بهر ما نمانده نه اکبر نه  
 اصغری  
 یا فاطمه بجان عزیز برادرت  
 بر " احتشام " لطف نما قصر اخضری

نگین قم (۹۳)  
 شهرها انگشترند و " قم " نگین  
 قم ، هماره حجّت روی زمین  
 تربت قم ، قبله عشق و وفا ست  
 شهر علم و شهر ایمان و وفا ست  
 مرقد " معصومه " چشم شهر ما  
 مهر او جانهای ما را کهربا  
 دختری از اهل بیت آفتاب  
 و ارث دُر حیا ، گنج حجاب  
 درحریمش مرغ دل پر می زند  
 هر گرفتار آمده ، در می زند  
 هر دلی اینجا ست مجذوب حرم  
 جان ، اسیر رشته جود و کرم  
 این حرم با شد ملائک را مطاف  
 زائران را ارمغان ، عشق و عفاف  
 آستان بوسش بسی فرزندگان  
 معرفت آموز ، از این آستان  
 دیده پاکان به قبرش دوخته  
 عصمت و پاکی از آن آموخته  
 "حوزه قم " هاله ای بر گرد آن  
 فقه و احکام خدا را مرزبان  
 قم همیشه رفته راه مستقیم  
 بوده در مهد هدایتها مقیم  
 قم نمی بیند مگر خواب قیام  
 تیغ قم بیگانه باشد از نیام  
 شهر خون ، شهر شرف ، شهر جهاد  
 شهر فقه و حوزه ، علم و اجتهاد  
 هر کجا را هر چه سیرت داده اند  
 اهل قم را هم بصیرت داده اند

نقطه قاف قیامند اهل قم  
 برق تیغ بی نیامند اهل قم  
 اهل قم ، ز اول ولایت داشتند  
 در دل و در دیده ، " آیت " داشتند  
 سر نمی سودند ، جز بر پای دین  
 دل نمی دادند إلا بر یقین  
 دین ، مطیع امر مولا بودن است  
 راه را با رهنما پیمودن است  
 دختر " موسی بن جعفر " را درود  
 کز عنایاتش تراوید این سرود

لطف بی انتها (۹۴)

آیّتی از خداست معصومه  
 لطف بی انتها ست ، معصومه  
 جلوه ای از جمال قرآن  
 چهره ای حق نما ست ، معصومه  
 عطر باغ محمدی دارد  
 زاده مصطفی است ، معصومه  
 پرتوی از تالّو زهرا  
 گوهری پر بها ست ، معصومه  
 ماه عفت نقاب آل کسا  
 دختر مرتضا ست ، معصومه  
 اختری در مدار شمس شمس  
 یعنی اُخت الرضا ست ، معصومه  
 زائران ، یک ذر بهشت اینجا ست  
 تربتش با صفا ست ، معصومه  
 در تو سل به عترت و قرآن  
 باب حاجات ما ست ، معصومه  
 از مدینه ، به قصد خطه طوس  
 رهروی خسته پا ست ، معصومه  
 تا زیارت کند برادر خویش  
 فکر و ذکرش دعاست ، معصومه  
 روز و شب ، عا شقی بیا بان گرد  
 خواهری با و فاست ، معصومه  
 یا مگر اوست ، زینب دگری  
 کز برادر جداست ، معصومه  
 تا بدانی که نیمه ره جان دا د

بنگر اکنون کجاست ، معصومه  
 از وطن دور و از برادر دور  
 حسرتش غم فراست ، معصومه  
 گر چه نشکسته سینه و پهلویش  
 در دلش داغهاست ، معصومه  
 داغ زهرا و داغ اجدادش  
 وارث کربلاست ، معصومه  
 هر حسینیّه بیت اوست ( حسان )  
 چونکه صاحب عزاست ، معصومه

پاورقی ها :

- (۸۰) گزیده ای از قصیده حضرت امام  
 خمینی رحمه الله ، دیوان امام ، ص ۲۵۷-۲۵۴ .  
 (۸۱) گنجینه دانشمندان ، ج ۱ ، ص ۱۹ ،  
 " قصیده از آیه الله وحیدی خراسانی " .  
 (۸۲) گنجینه دانشمندان ، ج ۱ ، ص ۳۴ ،  
 قصیده ای از آیه الله ثقفی تهرانی ، —  
 میرزا محمد  
 (۸۳) لمعات عشق ، حیدر معجزه ، ص ۱۰۶ .  
 (۸۴) لمعات عشق ، ص ۱۱۸ .  
 (۸۵) گنجینه دانشمندان ، ج ۱ ، ص ۱۷ .  
 (۸۶) لمعات عشق ، ص ۵۸ ، دیوان حیدر  
 معجزه .  
 (۸۷) ا زتاج الشعراء جیحون ، زندگانی  
 حضرت معصومه (سلام الله علیها) ، ص ۸۶ .  
 (۸۸) لمعات عشق ، ص ۱۰۲ .  
 (۸۹) از سید محمد رضا خادم ، زندگانی  
 حضرت معصومه (سلام الله علیها) ، ص ۱۰۰ .  
 (۹۰) زندگانی حضرت معصومه ، سید مهدی  
 صفی ، ص ۱۰۲ ، شعر از فتحعلی خان صبا )  
 این اشعار دور گنبد حضرت نوشته شده است )  
 (۹۱) همان ، ص ۸۹ ، قصیده فاضل ارجمند  
 آقای دوانی .

(۹۲) اشعار از مرحوم سید جعفر احتشام

(۹۳) سروده آقای جواد محدّثی .

(۹۴) سروده آقای حسان .

۴

سیر تحولات معماری ؛ هنری آستانه  
مقدّسه بخش هفتم : سیر تحولات معماری ؛  
هنری آستانه مقدّسه

" فِي بُيُوتِ أَذْنِ اللَّهِ أَنْ تُرْفَعَ وَ يُذَكَرَ  
فِيهَا اسْمُهُ يُؤْتِي سُبْحَ لَه فِيهَا بِالْعُدُوِّ  
وَالْأَصَالِ رِجَالٌ لَاتُلْهِهِمْ تِجَارَةٌ وَ لَابِئْعٌ عَنْ ذِكْرِ  
اللَّهِ " (۹۵) - این چراغ پرفروغ الهی - در  
خانه هایی قرار دارد که خداوند اذن  
فرموده دیوارهای آن را بالا برند ( تا از  
دستبرد شیاطین و هوسبازان در امان باشد  
( خانه هایی که نام خدا در آن برده شود  
و صبح و شام در آن تسبیح گویند مردانی  
که تجارت و خرید و فروش آنها را از یاد  
خدا باز نمی دارد " . بارگاه مطهر حضرت  
معصومه (سلام الله علیها) چون دیگر مشاهد  
مشرّفه ، پشتوانه ارزشهای اسلام و تشیّع و  
فرهنگ قرآن است ؛ و ایران در پناه این  
بقعه ها ، از حوادث دوران در امان مانده  
است ؛ بقای ایران و هویت ایرانی نیز در  
پرتو این معنویت ها امکان پذیر شد و  
ایران در طول اعصار و قرون حادثه خیز  
تاریخ ، باقی ماند . این بقعه و بقعه  
های متبرکه دیگر ، تجسم آرمانهای اسلامی  
و پشتوانه معیارهای تشیّع علوی و ارزش  
های والای انسانی است ، زیرا مشاهد منور  
آنها نه تنها زیارتگاه که آموزشگاهی  
بزرگ جهت کسب معارف الهی برای مشتاقان  
و زائران دلباخته کوی آنها محسوب می شود  
. هر زائری که با معرفت و شناخت مقام  
صاحب این مرقد و اهداف آن به زیارت برود  
از صاحب قبر الهام می گیرد و اصول و  
تعالیم مکتب را به یاد می آورد . و



هرسلام او سرشار از این آموزش ها و الهامها است؛ به گونه ای که کثی ها و کاستی های مادّی و معنوی خویش را هموار می کند و از خصلت ها و اعمال و رفتاری که خوشایند امامان و امامزادگان نیست دوری می گزیند و در بهبود اخلاق و رفتار و روابط خویش می کوشد تا با امامان و اولیای الهی خود، همسانی و همسویی پیدا کند و راه آنان را بپیماید. (۹۶) وجود اثر عظیم معنوی و دیگر آثار حیاتبخش این مراکز دینی جای هیچ گونه تردید و تأملی نیست ولی گذشته از این، این بقاع نورانی را می توان از ذخایر عظیم هنر اسلامی نیز دانست. چرا که هنرمندان اهل ذوق با انگیزه های دینی و به عنوان تجلیل از مقام والای بزرگان دین، آثار شگفت انگیزی از هنر را خلق کردند که نظر هر بیننده هنر شناسی را به خود جلب نموده و او را به تحسین وادار می نماید. و در همین راستا به حقیقت می توان گفت: که بارگاه فاطمه معصومه (سلام الله علیها) همانند دیگر اماکن متبرّکه اسلامی، تجلیگاه هنر اصیل اسلامی و حکایتگر پیشینه های درخشان هنری جامعه دینی ملت ایران محسوب می شود. به همین جهت ما در این بخش برآنیم که دورنمایی از آثار ارزشمند هنری اماکن متبرّکه حضرت معصومه (سلام الله علیها) و سیر تحولات هنری، معماری آن را به دو ست داران جلوه های هنر اسلامی ارائه نماییم. " اما شنیدن کی بود مانند دیدن " بجاست هنرمند، هنر شناس خود از نزدیک این همه آثار شگفت انگیز هنری را به نظاره بنشیند تا لطائف و ظرافت های نهفته در این گونه آثار گرانقدر را دریابد و آفرینندگان آن را تحسین نماید.

دورنما ئي از اماکن متبرّکه بارگاه  
فاطمي (عليه السلام)

( ۱ ) گنبد حرم مطهر

اولين گنبدي که " پس از سايبان حصيري  
موسي بن الخزرج " بر فراز تربت پاک  
فاطمه معصومه (سلام الله عليها) بنا شد ،  
قبه اي برجی شکل بود که به همت حضرت  
زينب دختر امام جواد (عليه السلام) از  
مصالح آجر و سنگ و گچ در اواسط قرن سوم  
هجري قمری ساخته شد. به مرور زمان و پس  
از دفن جمعی از بانوان علوي در جوار  
فاطمه معصومه (سلام الله عليها) دو گنبد  
ديگر در کنار گنبد اول ساخته شد که  
سومين آنها مدفن حضرت زينب (عليه السلام)  
شد. اين سه گنبد تا سال ۴۴۷ هـ . ق  
برقرار بودند تا اين که در همان سال "  
مير ابوالفضل عراقی " ( وزير طغرل کبير  
) به تشويق مرحوم شيخ طوسي به جاي آن سه  
گنبد ، گنبد مرتفعي را به قطر داخلي  
تقريباً ۱۱ و ارتفاع ۱۴ متر ، آراسته به  
نقش هاي رنگ آميزي و تزيينات آجري و  
کاشي بدون ايوان و حجره ها بنا نهاد ،  
که تمام قبور سادات را فرا مي گرفت . "  
در سال ۹۲۵ هـ . ق همين گنبد به همت "  
شاه بيگي بيگم " دختر شاه اسماعيل تجديد  
بنا شد ؛ با ايوان و دو مناره و صحن  
(عتيق ) و سطح خارجي گنبد با کاشي هاي  
معرق آراسته گرديد " . اين گنبد در سال  
۱۲۱۸ هـ . ق با خشت هايي زرنگار تزيين  
شد که تعداد دوازده هزار خشت با پوشش  
طلائي در آن بکار رفت. ارتفاع اين گنبد  
از سطح بام ۱۶متر و از سطح زمين ۳۲متر و  
محيطش از خارج ۳۵/۶ و از داخل ۲۸/۶۶ و  
قطرش ۱۲ متر و بلندي عمق استوانه اي آن  
۶ متر است ؛ قسمت پايين آن از سطح بام  
تا نود سانتيمتر از آجر تراش و روي آن  
يك متر کاشي خشتي فيروزه اي و بالاي آن )

تمام جدار ( مزین به خشت هایی با پوشش طلا است . و در گلوگاه ساق گنبد ، کتیبه ای است که اشعاری از " فتحعلی خان صبا " در آن به خط نستعلیق قالب ریزی شده است که آن اشعار عبارتند از :

آتش موسی عیان از سینه سینا سستی  
یا که زرین با رگه بضعه موسی سستی  
بضعه موسی بن جعفر ، فاطمه کز روی قدر  
خاک درگاهش عبیر طره حورا سستی نو  
گلی رنگین ز طرف گلشن یا سین بود  
آیتی روشن به صدر نامه طاها سستی  
پرتوی از آفتاب اصفیای مصطفی  
ز هره ای از آسمان عصمت زهراسستی صحن  
او را هست اقصی پایه عزت چنان کز شرف  
مسجد سقف مسجد اقصا سستی پستی از صحن  
حریمش را به پطاق حرم کین مکان عزت و  
آن مسکن غیرا سستی (۹۷)

این بود سیر تاریخی بنای گنبد بارگاه ملکوتی کریمه اهل بیت (علیه السلام) از آغاز تا کنون که خود یکی از شاهکارهای معماری ، هنری اسلامی و از بناهای کم نظیر در بین عتبات مقدسه است.

## (۲) مرقد مطهر حضرت

مرقد شریف حضرت فاطمه معصومه (سلام الله علیها) ( در میان بقعه مبارکه ) با بلندی ۱/۲۰ و طول و عرض ۲/۹۵ ، در ۱/۲۰ متر قرار گرفته و با کاشی های نفیس و زیبای زرفام ( آغاز قرن هفتم ) پوشیده شده است . گرداگرد مرقد منور ، دیواری به بلندی دو متر و طول و عرض تقریبی ( ۴/۸۰ ، در ۴/۴۰ ) قرار دارد که در سال ۹۵۰ بنا گردید و با کاشی معرق آراسته شد ، که اکنون این دیوار با ضریح مشبک از جنس نقره پوشیده شده است . (۹۸) سیر تاریخی مرقد پاک آن حضرت از این قرار است : در سال ۶۰۵ هـ . ق " امیر مظفر احمد بن

اسماعیل " بزرگ خاندان آل مظفر ، بزرگترین استاد کاشی ساز آن زمان " محمد بن ابی طاهر کاشی قمی " را به کار ساخت و پرداخت کاشی های متنوع مرقد واداشت. او به مدت ۸ سال به این کار مشغول بود تا سرانجام در سال ۶۱۳ کاشی های مرقد آماده و کار گذاشته شد . در سال ۹۶۵ هـ . ق شاه تهماسب صفوی ، در چهار طرف مرقد سابق ضریحی آجری آراسته به کاشی های هفت رنگ ( با نقش و نگار ) و کتیبه های معرق بنا نمود و در اطراف آن منافذی باز بود تا هم مرقد دیده شود و هم زائران نذورات خود را داخل مرقد بریزند. (۹۹) بعد از آن به دستور شاه مذکور ضریحی از فولاد سفید و شفاف در جلو ضریح آجری قرار داده شد که طول آن ۵/۲۵ و عرض آن ۴/۷۳ و ارتفاعش ۲/۱۰ و دارای بیست درگاه مشبک و مصلح بود. در سال ۱۲۳۰ هـ . ق فتحعلی شاه همان ضریح را نقره پوش کرد ؛ که این ضریح به مرور زمان فرسوده شد و در سال ۱۲۸۰ ضریحی که از نقره ضریح سابق و نقره های موجود در خزانه ساخته شده بود به جای آن نصب گردید. این ضریح چندین مرتبه تجدید بنا و اصلاح شد و سالهای متمادی روی مرقد حضرت باقی بود تا اینکه در سال ۱۳۶۸ هـ . ق . برابر سال ۱۳۴۸ هـ . ش . به دستور تولیت آن زمان شکل ضریح را تغییر دادند و ضریح کنونی را ( با ظرایف و شاهکارهای هنری ویژه ای که دارد ) به جای آن نصب نمودند که آن ضریح همچنان بر فراز تربت نورانی حضرت برقرار است . (۱۰۰)

### (۳) ایوان های حرم مطهر

ایوان طلا :

ایوان طلا و دو ایوان کوچک کنار آن در شمال روضه مقدسه واقعند که در سال

۹۲۵ هـ . ق هنگام تجدید بنای گنبد و احداث صحن عتیق و گلدسته های آن در زمان شاه اسماعیل صفوی و با اقدام دختر او ساخته شد. ( ) این ایوان با دهانه ای به طول و عرض ۹×۸/۷۰ متر و بلندی چهار ده متر ، پایین دیواره آن ( درسه طرف ) ، تا بلندی ۱/۸۰ متر آراسته به قطعات کوچک کاشی فیروزه ای هشت گوشه ای و در میان آنها قطعات کوچکتر قهوه ای رنگ است که حاشیه ای از کاشی با زمینه ( لاجوردی نقش و نگار ) از چهار طرف آن را احاطه کرده است و بر فراز آن کتیبه ای به ثلث سفید در زمینه ای لاجوردی ، گرداگرد ایوان دیده می شود که متن آن را حدیث : " أَلَا وَمَنْ مَاتَ عَلَي حُبِّ آلِ مُحَمَّدٍ مَاتَ شَهِدًا... " تشکیل می دهد . پس از این کتیبه ، بدنه ایوان تا ارتفاع دو متر دیگر ، آراسته به کاشی های معرّق آغاز عهد صفوی است و بعد از آن کتیبه سرا سر ی دیگری به چشم می خورد و با لای کتیبه ( مقرنس های ) سقف ایوان با خشت های " زرفام " پوشیده شده است .

ایوانه های کنار ایوان طلا :  
 دو ایوان در دو طرف ایوان طلا است به بلندی بیش از ده و پهنای دو و دهانه پنج متر ، که از بناهای عهد صفوی می باشند و سراسر بدنه آن ، مانند ایوان طلا به کاشی های معرّق همان دوره آراسته شده است. ( ۱۰۲ )

ایوان آینه :  
 در ، جانب شرقی رواق مطهر نیز ایوانی مرتفع به بلندی ایوان طلا و طول و عرض ۹ در ۷/۸۷ متر قرار دارد که به خاطر آینه کاری آن ، به ایوان " آینه " معروف است . پایین دیوار آن به بلندی بیش از یک

متر سنگ مرمر به کار رفته که هر بدنه ای با يك قطعه سنگ آراسته شده است و بالای آن همه بدنه ایوان تا سقف آینه کاری است. در کمربند ایوان کتیبه ای سراسری از سنگ مرمر وجود دارد به پهنای حدود سی سانتیمتر ، که به خط ثلث آیه شریفه ( الله نور السموات و الارض ... " بر آن نقش بسته است . میان ایوان و رواق شرقی حرم ایوانچه ای است که مانند ایوان اصلی تزیین شده که بر سر در آن حدیث شریف " مَنْ زَارَ فَاطِمَةَ بِقُمْ فَلَهُ الْجَنَّةُ " به نستعلیق مشکی ، خوانده می شود . این مجموعه هنری شگفت انگیز از کارهای ارزشمند هنرمند مشهور دوره قاجار ( استاد حسن معمار قمی ) می باشد که همزمان با بنای صحن نو ، به دستور " میرزا علی اصغر خان صدر اعظم " بنا شد . (۱۰۳)

#### (۴) مناره های صحن عتیق

درصحن عتیق بر فراز ایوان طلا دو مأذنه استوانه ای رفیع به بلندی ۱۷/۴۰ ( از سطح بام ) و قطر ۱/۵۰ قرار دارد. پوشش مأذنه ها کاشی گرهی به شکل مارپیچ است که در میان پیچ ها نامهای مبارک : " الله " ، " محمد " ، " علی " به خط بنّایی خوانده می شود. درقسمت بالای مأذنه ها ، " مقرنسی " در سه ردیف پرداخته اند که زیر آن کتیبه ای به خز سفید مشتمل بر آیه " إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ " ( در مأذنه غربی ) ؛ " يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ " ( بر مأذنه شرقی) قرار دارد.

این مأذنه ها به دستور " محمد حسین خان شاهسون شهاب الملك " حاکم قم ، در سال ۱۲۸۵ هـ . ق بنا نهاده شدند و قبه

آنها در سال ۱۳۰۱ هـ . ق ، طلا کاری شد .  
(۱۰۴)

(۵) مناره های ایوان آینه  
بر فراز پایه های دو طرف ایوان دو  
مأذنه است که هر یک به بلندی ۲۸ متر از  
سطح بام ، با قطر ۳/۳۰ متر ، از  
بلندترین بناهای آستانه می باشد . این  
مأذنه ها از سطح بام تا ۳ متر هشت ضلعي  
متساوي و سپس نیم متري مقرنس و آنگاه يك  
متري استوانه اي و بعد از آن تا ۲/۵ متر  
، دوازده گوشه برجسته و پس از همه اینها  
( تا زیر مأذنه چوبي ) استوانه اي است ،  
که در بالا کتیبه اي با پهنای حدود يك  
متر دیده می شود که متن آن در یکی از  
مأذنه ها " لا حَوْلَ وَ لا قُوَّةَ اِلَّا بِاللّٰهِ الْعَلِيِّ  
الْعَظِيمِ " و در دیگری " سُبْحَانَ اللّٰهِ وَ الْحَمْدُ لِلّٰهِ  
وَ لا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ وَ اللّٰهُ اَكْبَرُ " است . سپس  
مقرنسی به پهنای حدود يك متر و بالای آن  
مأذنه چوبي و قبّه مأذنه ها واقع شده است

پوشش هر دو مأذنه از بالا تا پایین  
سرتا سر کاشی گِرهی است که ( در میان  
آنها ) نامهای پروردگار متعال خوانده می  
شود . (۱۰۵)

#### (۶) مساجد حرم مطهر

مسجد بالا سر :

مسجد بالا سر از وسیعترین بیوتات آستانه  
و محل تشکیل مجالس عمومی و نماز جماعت  
است که در دوران صفویه با فضایی به عرض  
۶ و طول ۳۵ متر به عنوان میهمانسرای  
آستانه شمرده می شد و در عهد قاجاریه از  
ناحیه " تقی خان حسام الملک " پسر  
فتحعلی شاه ساختمان آن تجدید بنا شد و  
به صورت مسجدی دارای دو گنبد ساخته شد و  
به عنوان بزرگترین مکان از اماکن متبرکه

آستانه به شمار آمد. در سال ۱۳۳۸ هـ . ق " با ضمیمه شدن زمینی که در جهت غربی مسجد بود " فضای آن به ۱۴ در ۴۸ متر افزایش یافت که بر سه ستون قطور آجری ۳ در ۲ متر استوار بود. این بنا ی مقدّس بر پا بود تا زمانی که مسجد اعظم با آن وسعت و زیبایی خاص ساخته شد . از آن جایی که دیگر ، بنای قدیمی مسجد بالاسر ، " بین ساختمان عظیم حرم مطهّر و مسجد اعظم نو بنیاد " نمای خوبی نداشت ، متولی و قوت ، " آقای سید ابوالفضل تولیت " به تجدید بنای آن اقدام نمود ، ساختمان قدیمی را از سطح زمین برداشت و به جای آن عمارتی رفیع به عرض ۱۴ در ۴۸ متر " فاقد ستون " و با خصوصیات فراوان معماری بنا نمود که امروز یکی از با شکوهترین اماکن متبرکه حرم مطهّر محسوب می شود. (۱۰۶) یادآوری می شود که در جنوب این مسجد قبور فقهاء و استوانه های علم و حکمت واقع شده است : قبور علمای فرزانه ای همچون " مرحوم آیه الله حاج شیخ عبدالکریم حائری ( مؤسس حوزه علمیه قم ) و مرحوم آیه الله حاج سید محمد تقی خوانساری و مرحوم آیه الله حاج سیدحسن صدر و آیه الله حاج سید احمد خوانساری " و اخیراً دانشمندان و فقهاء بزرگی همچون " مرحوم علامه طباطبایی و آیه الله العظمی گلپایگانی و آیه الله العظمی اراکی و آیه الله العظمی بهاء الدینی و آیه الله العظمی امیرزاهاشم آملی " و از علماء شهید انقلاب اسلامی همچون " استاد شهید آیه الله مطهّری و شهید محراب آیه الله مدنی " در این تربت پاک آرمیده اند و همچون ستارگانی فروزان در کنار ماه منیر فاطمی فضای ملکوتی این مکان مقدّس را نور باران نموده اند .



مسجد طباطبایي :  
 مسجد طباطبایي ، گنبدی پنجاه ستونی است که جای صحن زنانه " قدیم " در جنوب روضه مطهر " ساخته شده است. این گنبد در وسط به دهانه ۱۷ و ارتفاع ۱۷ متر است که با اضافه شدن فضای اطراف آن به ۲۴/۸۰ ، در ۲۴/۲۰ متر افزایش می یابد و دارای رواقی است مثلث شکل که قاعده و ساق آن ۱۵ متر است. این گنبد را بر فراز ده پایه آجری به قطر ۲ ، در ۲ متر و ارتفاع ۳/۳۰ متر بنا کردند و بعداً چهار نبش تمام پایه ها را تراش داده و در چهار گوشه هر یک ، ستونی استوانه ای - با بتن مسلح - بالا آوردند سپس درون چهار ستون را برچیدند و در نتیجه آن گنبد عظیم بر فراز سی و دو ، تا چهل ستون بر قرار شد. روی ستونهای سیمانی را با قطعاتی از مرمر ماشین تراش به عرض ده و ارتفاع پنجاه سانتیمتر زینت دادند ، به طوری که تمام ستونها مرمر پوش گردیدند و در ساق آنها به جای ته ستون صفحه مدرجی از بُرُنز " صیقلی زیبا ، اضافه نمودند که زیبایی آنها را دو چندان نمود. تعداد ستونهای این گنبد رفیع به اضافه ستونهای جانبی و ستون های رواق کنار آن به پنجاه ستون می رسد. بنای این گنبد مرتفع و مسجد با عظمت مرحوم " حجة السلام حاج آقا محمد طباطبایي " فرزند مرحوم آية الله حاج آقا حسین قمی است که از سال ۱۳۶۰ هـ . ق ، تا ۱۳۷۰ هـ . ق بنای آن طول کشید . (۱۰۷) در زاویه شمال غربی این مکان مقدس قبور شهداء بزرگی از علماء و فضایی حوزه علمیه واقع است : " قبر مرحوم شهید آية الله ربّانی شیرازی و شهید ربّانی املشی و شهید محمد منتظری و شهید آية الله قدوسی و شهید محلاتی " که این

خود بر صفا و معنویت این مکان افزوده است.

مسجد اعظم :

لمسجد اسس علي التَّقوي من أوّل يوم احقّ  
أن تقوم فيه

از آثار دینی با عظمتی که به همت والای مرجع تقلید عالم تشیع آیه الله العظمی بروجردی قدس سرّه تأسیس گردید ، مسجد اعظم قم بود که در کنار حرم مطهر حضرت فاطمه معصومه (سلام الله علیها) جهت رفاه حال زائرین ساخته شد. این بنای رفیع با شرایط خاص و خصوصیات متمایزی که دارد مسجد منحصر به فردی است که در مجاورت آستان رفیع فاطمی بنا گردیده است .

انگیزه تأسیس مسجد :

ا س ا سی ترین انگیزه آن فقیه فرزانه برای بنای چنین مسجد عظیمی این بود ، که آن بزرگوار بارگاه کریمه اهل بیت (علیه السلام) را فاقد مسجد مناسبی می دید که زائران بتوانند در آنجا از فضای روحانی بیشتری بهره ببرند ، لذا مشاهده این خلاء مکانی بود که ایشان را بر چنین تصمیم والایی واداشت . چنانچه خود ایشان بنا به نقل بعضی از بزرگان (۱۰۸) در این رابطه فرموده اند به این که : " بنا دارم در جوار حرم مطهر حضرت معصومه (سلام الله علیها) مسجدی چون مسجد گوهر شاد در کنار حرم حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) بنا نمایم " . از سوی دیگر پیش بینی آن بزرگوار این بود که ، حوزه مقدسه قم در دراز مدت به فضایی وسیع و مناسب جهت برگزاری دروس حوزویان در سطوح مختلف بویژه دروس خارج مراجع عظام نیاز دارد و چه بهتر که این مرکز در جوار حرم مطهر و با نام مسجد با شد. چنانچه قرار

گرفتن مدفن آن عبد صالح خدا درکنار درب ورودی این مسجد گواهی صادق ، بر اخلاص و پاکی نیت اوست ، و بحق می توان آن را یکی از مصادیق روشن ( لمسجد اسس علی الثقوي من اول يوم ) ( ۱۰۹ ) : " مسجدی که از بدو تأسیس بر اساس تقوا و پاکی بنا شده است " ؛ به شمار آورد.

#### تاریخ تأسیس :

کلنگ بنای این مسجد در روز یازدهم ذیقعده ۱۳۷۳ هـ . ق . سالروز ولادت با سعادت حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) برابر با بیست و یک تیرماه ۱۳۳۳ هـ . ش . طی تشریفات خاصی به زمین زده شد .

#### مشکلات :

یکی از مشکلات مهم احداث مسجد در این نقطه محدودیت مکانی زمین و ناموزون بودن آن بود . چون بطوری که مشاهده می شود ، مسجد از یک طرف به آستانه مقدسه و از طرف دیگر به ساحل رودخانه محدود است . و در نتیجه محوطه مسجد به شکل مثلث ناموزونی است که ضلع غربی آن حدود ۱۲۰ متر و قاعده آن حدود ۱۵ متر می باشد . مشکل دیگر وجود خانه هایی بود که در محدوده زمین مسجد قرار داشت که خرید آنها هزینه زیادی را می طلبید ، اما به دستور آن بزرگوار با مشکلات زیادی همه آن خانه ها خریداری و رضایت صاحبان آنها جلب شد . همچنین بیش از ۳۰۰۰ متر از کنار مسجد بالاسر از بیوتات و متعلقات آستانه مقدسه بود که با درایت خاص ایشان در حریم مسجد قرار گرفت . سرانجام با عنایات الهی و رفع مشکلات یاد شده نقشه ساختمانی مسجد زیر نظر مهندسان و معماران کار آزموده ای چون مرحوم لرزاده

به طور دقیق و جامع طراحی شد و بر اساس آن ساخت مسجد آغاز گردید و پس از شش سال کار متمادی عمده کارهای ساختمانی آن به پایان رسید و در نیمه اول ۱۳۳۹ هـ. ش با اقامه نماز جماعت توسط حضرت آیه الله العظمی بروجردی رحمه الله افتتاح و مورد بهره برداری قرار گرفت .

#### مشخصات ساختمانی مسجد :

مجموع مساحت مسجد تقریباً ۱۲۰۰۰ متر مربع است و کلیه ساختمان آن با بتون مسلح بنا گردیده و لذا این مسجد از نظر استحکام از بناهای کم نظیر اسلامی به شمار می آید . مسجد دارای چهار شبستان است که مساحت شبستان زیر گنبد ۴۰۰ متر مربع و شبستانهای جانبی آن هر کدام ۹۰۰ متر مربع می باشد و در طرف شمال مسجد نیز شبستان زیر ساعت با مساحتی حدود ۳۰۰ متر مربع قرار دارد . ارتفاع سقف هر یک از شبستانها با سطح آن حدوداً ۱۰ متر مربع است . در ضلع غربی مسجد سرویس بهداشتی و وضوخانه مسجد و یک سالن آسایشگاه برای خادمین احداث شده است . همچنین کتابخانه ای با دو سالن مطالعه و یک سالن مخزن در ضلع غربی صحن مسجد بنا گردیده که درب ورودی آن از طرف راهرو ورودی مسجد اعظم قرار دارد . این مسجد با عظمت دارای صحن بزرگی است با درهای ورودی متعدد ، که وجود حوضی بسیار زیبا در فضای میانی آن ، نمای آن مکان مقدس را دیدنی نموده است . مسجد به سبک معماری اسلامی بنا شده است . که دارای گنبد بسیار بزرگی به قطر ۳۰ متر مربع و به ارتفاع ۱۵ متر مربع از سطح پشت بام و به ارتفاع ۳۵ متر مربع از کف شبستان می باشد . و دارای گلدسته هایی بلند به ارتفاع ۲۵ متر مربع از سطح پشت بام و به

ارتفاع ۴۵ متر مربع از سطح زمین است . و دارای دو مأذنه به ارتفاع ۵ متر مربع می باشد (۱۱۰) . و همچنین یک برج با ساعت زنگی بزرگ و زیبا در شمال مسجد قرار دارد که از چهار جهت دیده می شود. این مسجد از نظر تزئینات و کاشیکاری و جلوه های هنر اسلامی از نمونه های بدیع کاشیکاری در قرن اخیر به شمار می رود (۱۱۱).

استفاده بهینه از مسجد اعظم توسط آستانه مقدسه :

پس از پیروزی انقلاب با توجه به اقبال زیاد زائرین محترم ، به حرم مطهر حضرت معصومه (سلام الله علیها) و احساس نیاز به فضاهای عبادی ، معنوی بیشتر در جوار بارگاه منور حضرت و عدم امکان بهره برداری شایسته از فضا و امکانات وسیع مسجد اعظم و در نتیجه معطل ماندن آن همه امکانات وسیع که با هدف اصلی بنیانگذار عظیم الشأن آن موافقت نداشت . سرانجام در دهه آخر ماه مبارک رمضان سال ۱۳۷۱ هـ . ش با رعایت موازین شرعی و قانونی حائل بین مسجد اعظم و مسجد بالاسر برداشته شد و به دنبال آن امور اداری و خدماتی مسجد بر عهده آستانه مقدسه قرار گرفت. و طبق فرمان مقام معظم رهبری به تولیت محترم آستانه مقدسه ، مسئولین مربوطه موظف شدند بدون بهره برداری و دخالتی در موقوفات مسجد ، اقدام به نگهداری و حفاظت از مسجد و متعلقات آن و تأمین حقوق کارمندان آن نمایند . و هم اکنون این مکان مقدس محیط بسیار مناسبی برای تحصیل دانش پژوهان علوم دینی شده ، به گونه ای که در ایام تحصیلی حوزه اکثر مراجع معظم تقلید در این مکان مقدس تدریس می نمایند و تعداد کثیری از طلاب و

فضلاي محترم از فيوضات علمي ايشان بهره مند مي شوند . همچنين مراسم مذهبي مختلفی که از شئونات مسجد است با شکوه خاصي در آن برگزار مي شود .

#### ( ۷ ) صحن هاي حرم مطهر

صحن نو " اتابكي " :

صحن نو ، بنايي است و سيع و خوش منظر ، با صفا و معنويت خاصي که پر شکوه و عظمت بارگاه فاطمي افزوده است . اين صحن زيبا داراي چهار ايوان شمالي ، جنوبي و شرقي و غربي است : ايوان شمالي آن ورودي حرم مطهر از ميدان آستانه را و ايوان جنوبي ورودي حرم از خيابان موزه را و ايوان شرقي ورودي صحن نو از خيابان ارم را تشکيل مي دهد ؛ در هر کدام از اين ايوان هاي ياد شده ظرايف و آثار هنري ، معماري خاصي به کار رفته است که نظر هر بيننده هنر دوست را به خود جلب مي نمايد . و ايوان غربي هم همان ايوان آينه است که ورودي روضه مقدسه از صحن نو محسوب مي شود . وجود اين ايوان هاي مجلل ( به ويژه ايوان آينه ) و قرار گرفتن حوض بيضي شکل در و سط صحن مطهر ( با خصوصيات موجود در آن ) زيبايي اين مکان مقدس را دو چندان کرده است . اين صحن از آثار ( ميرزا علي اصغر خان صدر اعظم ) است که از سال ۱۲۹۵ هـ . ق ، تا سال ۱۳۰۳ بناي آن طول کشيده است . ( ۱۱۲ ) در اين صحن قبور علما و شهداي " همانند شهيد بزرگ انقلاب مشروطه آية الله شيخ فضل الله نوري و شهيد آية الله مفتح و عالم بزرگ شيعه مرحوم قطب راوندي قرار گرفته ، و بر زائرین تربت پاک فاطمه معصومه (سلام الله عليها) است که از زيارت اين فدائيان راه ولايت و امامت غافل نباشند .

صحن عتیق " قدیم " :  
 صحن عتیق " واقع در شمال روضه مبارکه  
 " اوّ لین بنایی است که بر قبّه مبارکه  
 افزوده شد. این صحن را سه ایوان زیبا  
 فراگرفته است. ایوانی با عظمت در جنوب  
 که همان ایوان طلا " ورودی صحن به روضه  
 مطهره " می باشد و ایوانی در شمال که  
 ورودی فیضیه به صحن را تشکیل می دهد و  
 ایوانی در غرب که ورودی مسجد اعظم به  
 صحن است. و در شرق دالان ورودی صحن عتیق  
 به صحن نو واقع است. این صحن در عین  
 كوچك بودنش بخاطر داشتن ایوان های مجلل  
 و حجرات متعدّد اطراف آن از زیبایی خاصی  
 برخوردار است. این صحن و ایوان های  
 اطراف آن را " شاه بیگی بیگم " دختر شاه  
 اسماعیل صفوی در سال ۹۲۵ هـ . ق بنا  
 نمود .

این بود دورنمایی از آثار هنری ،  
 معماری آستانه مقدّسه حضرت معصومه (سلام  
 الله علیها) و بر هنرمندان اسلامی است که از  
 نزدیک زیبایی های هنری نهفته در این  
 بنای رفیع را به نظاره بنشینند و آ  
 فرینندگان آن را تحسین نمایند.

بخش هشتم : زیارتنامه حضرت فاطمه  
 معصومه (سلام الله علیها)  
 یکی از واژه های مقدّس و آشنای در  
 قاموس شیعه ، واژه زیارت است و از جمله  
 آداب و برنامه های که به آن بسیار سفارش  
 شده است رفتن به زیارت تربت پاک و مشاهد  
 شریفه اهل بیت (علیه السلام) و فرزندان  
 بزرگوار آنهاست . ائمه اطهار (علیه  
 السلام) در روایات و احادیث ، پیروان خود  
 را بر این امر مهمّ تشویق و تحریص  
 فرمودند و اجر و پاداش فراوانی برای آن  
 بیان کرده اند. چنانچه درباره زیارت  
 امام حسین (علیه السلام) ، امام صادق

(علیه السلام) می فرماید : " زیارت آن حضرت برابر است با هزار حج عمره " (۱۱۳) . و حضرت رضا (علیه السلام) درباره زیارت خود فرمود : " هر کس مرا با معرفت زیارت کند من از او شفاعت خواهم کرد " (۱۱۴) . و امام جواد (علیه السلام) فرمود : " مَنْ زَارَ قَبْرَ عَمَّتِي يَقُمْ فَلَهُ الْجَنَّةُ " (۱۱۵) : " کسی که قبر عمه ام " فاطمه معصومه (سلام الله علیها) " را ، در قم زیارت کند سزاوار بهشت خواهد بود " . و درباره زیارت حضرت عبدالعظیم (علیه السلام) ، امام هادی (علیه السلام) فرمود : " اگر قبر عبد العظیم را ، زیارت می کردی مثل آن بود که امام حسین (علیه السلام) را زیارت کرده باشی " (۱۱۶) . و رسولخدا (صلی الله علیه وآله) فرمود : " مَنْ زَارَنِي أَوْ زَارَ أَحَدًا مِنْ ذُرِّيَّتِي زُرْتُهُ يَوْمَ الْقِيَمَةِ فَأَنْقَذْتُهُ مِنْ أَهْوَالِهَا " (۱۱۷) : " کسی که مرا ، یا یکی از فرزندانم را زیارت کند روز قیامت به دیدارش خواهم رفت و او را از ترس های آن روز نجات خواهم داد " . حال باید توجه کرد که فلسفه و حکمت این همه فضیلت و پاداش چیست ؟ آیا این اجر و ثواب عظیم فقط برای یک زیارت ظاهری است بدون هیچ اثر و هدفی ؟ یا اینکه همه اینها در راستای اهداف عالی دینی است که امت اسلامی با زیارت تربت مطهر این عزیزان ، ره توشه ای برای دنیا و آخرت خویش برگیرد و با اسوه قرار دادن این نخبگان خلق خدا و با پیروی از خط مشی آن بزرگواران همواره امتی نمونه باشد . و با صفا و جلا دادن روح و جان خویش از آفت ها و کجی ها دور بماند و همیشه جامعه ای سرافراز و سعادت مند باشد . و با این تجدید میثاق های مکرر است که خط مستقیم تشیع و امامان بحق آن ماندگار و جاوید خواهد ماند . روشن است که این هدف حاصل



نمی شود مگر اینکه زائران آن مشاهد  
 مشرفه ، عارف بحق صاحبان آن باشند و با  
 کمال معرفت و شناخت به پابوس آنها  
 شرفیاب شوند . چنانچه در روایات این امر  
 مهم را شرط پذیرفته شدن در آستان رفیع  
 اولیای خدا دانسته و برای درک فضیلت  
 زیارت ، بر آن تأکید فرموده اند ،  
 همانطور که امام صادق (علیه السلام)  
 فرمودند : " مَنْ أَتَى قَبْرَ الْحُسَيْنِ عَارِفًا  
 بِحَقِّهِ كَانَ كَمَنْ حَجَّ مِائَةَ حَجَّةٍ مَعَ رَسُولِ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ  
 عَلَيْهِ وَآلِهِ) (۱۱۸) : " یعنی کسی که با  
 معرفت و شناخت ، قبر امام حسین (علیه  
 السلام) را زیارت کند مثل کسی است که ،  
 صد حج همراه رسول خدا (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ)  
 انجام داده باشد " . و امام جواد (علیه  
 السلام) هم درباره زیارت حضرت رضا می  
 فرماید : " بهشت واجب است بر کسی که قبر  
 پدرم را ( در طوس با معرفت زیارت کند  
 )" (۱۱۹) . و حضرت رضا (علیه السلام)  
 درباره زیارت حضرت معصومه فرمود : " مَنْ  
 زَارَهَا عَارِفًا بِحَقِّهَا فَلَهُ الْجَنَّةُ " (۱۲۰) : "   
 کسی که " فاطمه معصومه " را زیارت کند ،  
 درحالی که " معرفت " به حق او داشته  
 باشد ، سزاوار بهشت است " . بدیهی است  
 که اگر مسلمان زائر ، معرفت به فضایل و  
 کمالات نفسانی و راه و رسم زندگی این  
 بندگان شایسته خدا داشته باشد ، می  
 تواند از زیارت مرقد شریف آنان توشه ای  
 برگیرد و روح و جان خود را با آن ارواح  
 قدسی هماهنگ نماید ، و با مکتب و مرام  
 الهی آنها آشنا گردد . به این جهت برای  
 حضرت فاطمه معصومه (سلام الله علیها) ز  
 یارتنامه معتبری نقل شده است . تا  
 زائران مشتاق با خواندن فرازهای نورانی  
 آن در جهت طی طریق رشد و کمال از حضرتش  
 الهام گیرند و با ارتباط یافتن با آن  
 منبع فیض الهی از دریای بی کران رحمت حق

توشه اي برگيرند و آن زيارتنامه معروفی است که مرحوم مجلسی در بحارالانوار آن را نقل فرموده است که ما آن را با سند در اینجا می آوریم .

متن زیارتنامه با سند :

" حَدَّثَ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ سَعْدِ  
عَنْ عَلِيِّ بْنِ مُوسَى الرُّضَا عَلَيْهِمَا السَّلَامُ ،  
قَالَ : يَا سَعْدُ ، عِنْدَكُمْ لَنَا قَبْرُ! قُلْتُ :  
جُعِلَتْ فِدَاكَ ، قَبْرُ فَاطِمَةَ بِنْتِ مُوسَى عَلَيْهِمَا  
السَّلَامُ ! قَالَ : نَعَمْ ، مَنْ زَارَهَا عَارِفًا  
بِحَقِّهَا فَلَهُ الْجَنَّةُ . فَإِذَا رَأَيْتَ الْقَبْرَ فَقُمْ  
عِنْدَ رَأْسِهَا مُسْتَقْبِلَ الْقِبْلَةِ ، فَكَبِّرْ أَرْبَعًا  
وَ ثَلَاثِينَ تَكْبِيرَةً وَ سَبِّحْ ثَلَاثًا وَ ثَلَاثِينَ  
تَسْبِيحَةً وَ اِحْمَدِ اللَّهَ ثَلَاثًا وَ ثَلَاثِينَ تَحْمِيدَةً ،  
ثُمَّ قُلْ : " السَّلَامُ عَلَيَّ آدَمَ صِفْوَةَ اللَّهِ ، السَّلَامُ  
عَلَيَّ نُوحَ نَبِيِّ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيَّ إِبْرَاهِيمَ خَلِيلِ اللَّهِ  
، السَّلَامُ عَلَيَّ مُوسَى كَلِيمِ اللَّهِ ، السَّلَامُ عَلَيَّ  
عِيسَى رُوحِ اللَّهِ . السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ ،  
السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا خَيْرَ خَلْقِ اللَّهِ ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا  
صَفِيَّ اللَّهِ ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مُحَمَّدَ بْنَ عَبْدِ اللَّهِ خَاتَمَ  
النَّبِيِّينَ ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ  
عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ وَصِيَّ رَسُولِ اللَّهِ ، السَّلَامُ  
عَلَيْكَ يَا فَاطِمَةَ سَيِّدَةَ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ ،  
السَّلَامُ عَلَيْكُمَا يَا سِبْطِي نَبِيَّ الرَّحْمَةِ وَ سَيِّدِي  
شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا عَلِيَّ بْنَ  
الْحُسَيْنِ سَيِّدَ الْعَابِدِينَ وَ قُرَّةَ عَيْنِ النَّاطِرِينَ  
، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ بَا قِرِّ الْعِلْمِ  
بَعْدَ النَّبِيِّ ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا جَعْفَرَ بْنَ  
مُحَمَّدٍ الصَّادِقَ الْبَارَّ الْأَمِينَ ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا  
مُوسَى بْنَ جَعْفَرَ الطَّاهِرَ الطُّهْرَ ، السَّلَامُ عَلَيْكَ  
يَا عَلِيَّ بْنَ مُوسَى الرُّضَا الْمُرْتَضِي ، السَّلَامُ  
عَلَيْكَ يَا مُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ التَّقِيِّ ، السَّلَامُ  
عَلَيْكَ يَا عَلِيَّ بْنَ مُحَمَّدٍ النَّقِيِّ النَّاصِحِ الْأَمِينَ  
، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حَسَنَ بْنَ عَلِيٍّ ، السَّلَامُ  
عَلَيْكَ عَلَيَّ الْوَصِيِّ مِنْ بَعْدِهِ ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ

نُورِكَ وَ سِرَاجِكَ وَ وَلِيِّ وَلِيِّكَ وَ وَصِيِّ وَصِيِّكَ وَ حُجَّتِكَ عَلَيَّ خَلْقِكَ.

أَسْلَامُ عَلَيْكَ يَا بِنْتَ رَسُولِ اللَّهِ ، أَسْلَامُ عَلَيْكَ يَا بِنْتَ فَاطِمَةَ وَ خَدِجَةَ ، أَسْلَامُ عَلَيْكَ يَا بِنْتَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ ، أَسْلَامُ عَلَيْكَ يَا بِنْتَ الْحَسَنِ وَ الْحُسَيْنِ ، أَسْلَامُ عَلَيْكَ يَا بِنْتَ وَلِيِّ اللَّهِ ، أَسْلَامُ عَلَيْكَ يَا أختَ وَلِيِّ اللَّهِ ، أَسْلَامُ عَلَيْكَ يَا عَمَّةَ وَلِيِّ اللَّهِ ، أَسْلَامُ عَلَيْكَ يَا بِنْتَ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ وَ رَحْمَةَ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ . أَسْلَامُ عَلَيْكَ ، عَرَفَ اللَّهُ بَيْنَنَا وَ بَيْنَكُمْ فِي الْجَنَّةِ وَ حَشَرْنَا فِي زُ مَرْتِكُمْ وَ أَوْرَدْنَا حَوْضَ نَبِيِّكُمْ وَ سَقَانَا بِكَأْسِ جَدِّكُمْ مِنْ يَدِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ . أَسْأَلُ اللَّهَ أَنْ يُرِينَا فِيكُمْ السُّرُورَ وَ الْفَرَجَ وَ أَنْ يَجْمَعَنَا وَ إِيَّاكُمْ فِي زُمْرَةِ جَدِّكُمْ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ أَنْ لَا يَسْلُبَنَا مَعْرِفَتَكُمْ إِنَّهُ وَلِيُّ قَدِيرُ

أَتَقَرَّبُ إِلَيْ اللَّهِ بِحُبِّكُمْ وَ الْبِرَائَةِ مِنْ أَعْدَائِكُمْ وَ التَّسْلِيمِ إِلَيْ اللَّهِ ، رَاضِيًا بِهِ غَيْرَ مُنْكَرٍ وَ لَا مُسْتَكْبِرٍ ، وَ عَلَيَّ يَقِينٍ مَا أَتَى بِهِ مُحَمَّدٌ وَ بِهِ رَاضٍ ، نَطْلُبُ بِذَلِكَ وَجْهَكَ يَا سَيِّدِي اللَّهُمَّ وَ رِضَاكَ وَ الدَّارَ الْآخِرَةَ . يَا فَاطِمَةَ اشْفَعِي لِي فِي الْجَنَّةِ فَإِنَّ لَكَ عِنْدَ اللَّهِ شَأْنًا مِنْ الشَّانِ . اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ أَنْ تَخْتِمَ لِي بِالسَّعَادَةِ ، فَلَا تَسْلُبْ مِنِّي مَا أَنَا فِيهِ ، وَ لَاحَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ . اللَّهُمَّ اسْتَجِبْ لَنَا وَ تَقَبَّلْهُ بِكَرَمِكَ وَ عِزَّتِكَ وَ بِرَحْمَتِكَ وَ عَافِيَتِكَ . وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ أَجْمَعِينَ وَ سَلَّمَ تَسْلِيمًا يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ " (١٢١) .

ترجمه زیارتنامه :

علي بن ابراهيم از پدرش از سعد از امام علي بن موسي الرضا (عليه السلام) نقل مي کند که فرمود : اي سعد! ما نزد شما قبري داريم ! عرض کردم فدایت شوم ، قبر فاطمه دختر امام موسي (عليه السلام)

را مي فرمايي ؟ فرمود : آري ، هر كه او  
 را با معرفت زيارت كند بهشت سزاوار اوست  
 . هرگاه ( به حرم مشرف شده و ) قبر را  
 ديدي نزد (۱۲۲) سر ( حضرت ) رو بقبله  
 بايست و سي و چهار مرتبه " اللَّهُ أَكْبَرُ " و  
 سي و سه مرتبه " سُبْحَانَ اللَّهِ " و سي و سه  
 مرتبه " الْحَمْدُ لِلَّهِ " بگو ، سپس بگو :  
 " سلام بر حضرت آدم برگزيده خدا ، سلام  
 بر حضرت نوح پيامبر خدا ، سلام بر حضرت  
 ابراهيم دوست خدا ، سلام بر حضرت موسي هم  
 صحبت خدا ، سلام بر حضرت عيسي روح الله ،  
 سلام بر تو اي رسول خدا ، سلام بر تو اي  
 بهترين خلق خدا ، سلام بر تو اي برگزيده  
 خدا ، سلام بر تو اي محمد بن عبدالله خاتم  
 پيامبران ، سلام بر تو اي امير مؤمنان  
 علي بن ابي طالب وصي رسول خدا ، سلام بر  
 تو اي فاطمه ، اي بزرگ بانوي بانوان  
 عالم ، سلام بر شما اي دو سبط پيامبر  
 رحمت ، اي دو سرور جوانان اهل بهشت ،  
 سلام بر تو اي علي بن الحسين ، اي سرور  
 عبادت پيشگان اي فروغ ديده بينندگان ،  
 سلام بر تو اي محمد بن علي ، اي شكا فنده  
 علم بعد از پيامبر ، سلام بر تو اي جعفر  
 بن محمد ، اي راستگوي نيكوكار امين ،  
 سلام بر تو اي موسي بن جعفر ، اي پاك و  
 پاكيژه ، سلام بر تو اي علي بن موسي ، اي  
 پسنديده ، سلام بر تو اي محمد بن علي ،  
 اي خويشتن دار ، سلام بر تو اي علي محمد  
 ، اي پاك سرشت و خير خواه و امين ، سلام  
 بر تو اي حسن بن علي ، سلام بر وصي بعد  
 از او . بار خدايا صلوات بفرست بر نور و  
 چراغ روشنگرت ، بر ولي وليت ، بر وصي  
 وصيت ، بر حجت خود بر بندگان ، سلام بر  
 تو اي رسول خدا ، سلام بر تو اي دختر  
 فاطمه و خديجه ، سلام بر تو اي دختر  
 اميرمؤمنان ، سلام بر تو اي دختر امام  
 حسن و امام حسين ، سلام بر تو اي دختر

ولِيَّ خِدا ، سلام بر تو اي خواهر وليَّ خِدا ، سلام بر تو اي خواهر وليَّ خِدا ، سلام بر تو اي عمّه وليَّ خِدا ، سلام بر تو اي دختر موسي بن جعفر ، رحمت و بركات خِدا بر تو باد .

سلام بر تو ، خداوند آشنايي برقرار كند ميان ما و شما در بهشت ، و ما را در زمره شما محشور فرمايد ، و ما را بر حوض پيامبر شما وارد كند ، و ما را با كاسه جدّ تان از دست عليّ بن ابي طالب سيراب سازد ، صلوات خِدا بر شما باد . از خداوند مي خواهيم كه سرور و فرج شما را به ما بنماياند ، ما و شما را در زمره جدّ بزرگوارتان حضرت محمّد - كه درود خِدا بر او و آلش باد - گرد آورد ، و معرفتِ شما را از ما نگيرد ، كه او صاحب اختيار و مقتدر است . به سوي خداوند تقرب مي جويم با محبّت شما و بيزاري از دشمنان شما ، و با تسليم شدن به فرمان خِدا ، از روي رضايت ، نه آن كه منكر يا نافرمان باشم ، و با يقين به آنچه حضرت محمّد (ص) آورده و به آن راضي هستم ، با اين عقيدة عنايت ترا مي طلبم ، اي سرور من . خدايا رضايت ترا و سراي آخرت را خواستارم . اي فاطمه (معصومه) در مورد بهشت از من شفاعت كن ، چون كه ترا نزد خدا مقام رفيعي است . خداوندا ! دعائيم را مستجاب كن ، و آنرا به كرم و عزت و رحمت و عافيت خود از من قبول فرما . بر محمّد و همه اهلبيت او صلوات فراوان و درود بي پايان فرست اي بخشنده ترين بخشندگان (۱۲۳) .

-----  
-----

پاورقی ها :  
(۹۵) نور، آیه ۳۶ .

- (۹۶) حضرت معصومه و شهر قم ، محمد حکیمی ، ص ۴۹-۵۰ " با تصرف و اضافات " .
- (۹۷) گنجینه آثار قم ، ج ۱ ، ص ۴۰۷ .
- (۹۸) تربت پاکان ، مدرّسی طباطبایی ، ج ۱ ، ص ۴۶ و ۵۰ .
- (۹۹) گنجینه آثار قم ، ج ۱ ، ص ۴۱۶ .
- (۱۰۰) همان ، ج ۱ ، ص ۴۷۵ .
- (۱۰۱) گنجینه آثار قم ، ج ۱ ، ص ۴۹۰ .
- (۱۰۲) تربت پاکان ، ج ۱ ، ص ۶۲ .
- (۱۰۳) تربت پاکان ، ج ۱ ، ص ۶۶۸ .
- (۱۰۴) همان ، ج ۱ ، ص ۶۷-۶۸ .
- (۱۰۵) تربت پاکان ، ج ۱ ، ص ۷۱ .
- (۱۰۶) گنجینه آثار قم ، ج ۱ ، ص ۶۲۱ .
- (۱۰۷) گنجینه آثار قم ، ج ۱ ، ص ۶۲ .
- ۶۲۶ .
- (۱۰۸) حضرت آیت الله فاضل لنکرانی ( دام ظلّه ) .
- (۱۰۹) توبه ، ۱۰۸ .
- (۱۱۰) خاطرات زندگی حضرت آیت الله بروجردی ، سید محمد حسین علوی طباطبایی ، ص ۱۰۱ و ۱۰۲ .
- (۱۱۱) همان ، ص ۱۰۴ .
- (۱۱۲) گنجینه آثار قم ، ج ۱ ، ص ۵۷۹-۵۸۰ .
- (۱۱۳) بحار ، ج ۱۰۱ ، ص ۴۳ .
- (۱۱۴) همان ، ج ۱۰۲ ، ص ۳۳ .
- (۱۱۵) همان ، ج ۱۰۲ ، ص ۲۶۵ .
- (۱۱۶) همان ، ج ۱۰۲ ، ص ۲۶۸ .
- (۱۱۷) کامل الزیارات ، ص ۱۱ .
- (۱۱۸) بحار ، ج ۱۰۱ ، ص ۴۲ .
- (۱۱۹) همان ، ج ۱۰۲ ، ص ۳۷ .
- (۱۲۰) همان ، ج ۱۰۲ ، ص ۲۶۶ .
- (۱۲۱) بحار ، ج ۱۰۲ ، ص ۲۶۵-۲۶۶ .
- (۱۲۲) مقصود از روایت این است که در شمال ضریح مطهر رو به قبله ، نزد سر حضرت با یستد ، ( نه بالایی سر و غرب ضریح مطهر ) ، چنانچه سیره عملی بزرگانی چون

حضرت امام خميني رحمه الله و آيه الله حاج شيخ  
مرتضي حائري رحمه الله و برخي بزرگان ديگر  
اين معنا را تأييد مي نمايد.  
(۱۲۳) كريمه اهلبيت , علي اكبر مهدي  
پور , ص ۱۵۹-۱۵۲ , با كمى تصرف .